

13

A-P
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 27 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271yc



Ketabton.com



ایستادگانه
تیم فوتبال و بسکت

نی
کمان
مقد داشت؟

سواران

خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت
بایانیه د سنگیر پنجشنبه غرضو پوری
سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهور ری
دموکراتیک افغانستان در انستیتوت پولى تخنيک
افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت
۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کسارش
باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت کبرای
جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی
بعمل آورد .

وهکذا فضل الرحيم مومند وزیر زراعت
و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر
کارش باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت
کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات
تعارفی بعمل آورد .

• • •

بروتوکول همکاری در ساحه نشراتی
طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت
اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی
در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل
عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور
خارجہ تلگرام تبریکه به مناسبت تقسیر
چلانتاب نگون کونج بحیث وزیر امور
خارجہ جمهوریت سوسیالیستی ویتنام به هانوی
مخابره گردیده است .



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو
بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

اختصار و قایده

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو
هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر
شورای انقلابی پذیرفتند .
در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلینون می
باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین
انقلاب نور بکلی احیا گردیده است .

• • •

جلسه شورای وزیران تحت ریاست بیرک
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر
تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر
گردید .

• • •

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر
۲۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی فلسطین
را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات
پذیرفتند .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام تبریک

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس جمهور
جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت
انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلنا اسراز
یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری
بین خلقهای هر دو کشور از طریق مبارزات
شان بر ضد امپریالیزم و ارتجاع بین المللی
بیش از پیش انکشاف می یابد .

• • •

اسدالله سروری عضو پوری سیاسی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم شام
۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .
اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار

وزیر ترانسپورت و توریسم و مگرمن نظر محمد
قوماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی
برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به
تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

• • •

فا کو له زورنالیزم وابسته به انستیتوت
علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف بیرک کارمل منشی عمومی

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه



مجید سربلند و ایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی
و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی در امور نشراتی



«کارگران و دهقانان زحمتکش!
کاسبان و تاجران افغانستان!
از شما و از هر فرد وطنپرست کشور دعوت می نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و
باغرور و مطمئن، کار های تازه انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که
بر احزان و خواهران، پدران و مادران و اولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و
فداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خاینانه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش
نرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادیهای شما را تامین و تضمین
خواهد کرد.»
«بیرگ کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸ ، ۲۳ فبروری ۱۹۸۰

راهما، راه حق و بمنزل رسیدنی است

د نړیوال پیوستون په ټینګت کی
د مسلمانانو ترمنځ د تماسونو اهمیت .

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور.

بخاطر يك آینده بهتر برای تمام اطفال .

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های
تبهانجه ایالات متحده، توازن قوا را در جهان
برهم میزند .

باج - یولند داستان .

نگاهی بر رباعیات خیام .

په آسیا او افریقا کی دپاداری نظامونه .

چگونه مبارزه با حسودات آدمیزاد را
مصونیت می بخشد .

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

دایوری از لیلام قره قل افغانی .

مشکل بحران انرژی در جهان .

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم
و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای
قهرمانی را حاصل نموده اند .

پستی اخیر یکی از شاگردان لیسه زرغونه
دادد لباس مقبول صفحات مر کزی کشور
می نمایاند .

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف
گل دوزی نشان میدهد .
«عکاسی باختر آژانس»

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون
و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است
با عملیات تخریبکارانه به آتش کشیدند،
چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانهای
مردم را طعمه حریق نمودند؟ وجه کسانی
بوده که میخواستند مریشان را در حالت
بی دوايي، اطفال را در حالت بی شیري و
ساکنان شهر را در حالت گرسنگي با انتظار
مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها
دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت
اند و این قاتلان حرفه یی که از گوشت انسان
تغذیه می کنند از جانب گردانندگان ماشین
های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه
مأشده بودند. آنها با حساب غلط شان بر
خورد انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان
را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های
مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های
دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام
چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم ما
بزانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها
بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران
و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند
ولکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت
کوبیدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود را در
عمل ثابت نموده ایم با بانکداری اعلام میداریم
که راه ما حق است، ما بدون هراسی به
پیش میرویم و به این ایمان داریم که حق
بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

خدمتزلت می بردورضایت خبیثانه ولینعمتانی
را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه
میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!

بسی تصادفی نیست که امپریالیزم جهانیخوار
امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی
شئونیزم یکن، فلاحه ارتجاع منطقه خصوصاً
ارتجاع نظامی پاکستان و صیونیزم اسرائیل
را در دست گرفته، گاهی بجان خلق رنج کشیده

افغانستان وزمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه
فلسطین میاندازند.

مردم ستم دیده ماکه پس از تحمل قرنهای
رنج وید بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند
نوروزچیر های اسارت را شکستند و با امیدواری
کامل بسوی فردا های شگوفان مستگربستند
یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خودکام
گیر ماندند، چه غذاهای که ندیدند و چه
رنجهایی که نکشیدند. ولی باوروش بر ایمان
ششم جلی که امین سفاک و بانده یی پاک آن
به کینر اعمال ضد انسانی شان رسیدند،
آقای کارتر و متحدینش به سوگت امین
نشستند و به عنوان اینکه حفظالله، «امین»
شان بود خود را مستحق مداخله در امور
داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار
دیگر پرده جنایات سوم امپریالیزم امریکا
و دستیارانش را از هم درید و چهره سوم و
شیطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشهریان
کابل و همه هموطنان عذابید یده ما نمایان
ساخت.

بیاید به بنیم که چه کسانی حادثه
روز سوم حوت را در شهر کابل بار آوردند

هموطنان شریف و آزادی بسند ما و خلقهای
سراسر جهان بخوبی میدانند که ارتجاع و
امپریالیزم، دشمنان آشتی نا پذیر و شناخته
شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا
راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند،
زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی
افق های درخشان زندگی، نابودی حتمی خود
را می بینند.

این فزندان بی مروت که بقای شانرا در
ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنایی
در هراسند و این خفا شان خون آشام بانوار
زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مایختی
زندگی خلقهای رنج دیده می باشد از اصل
وریشه در تضادد بناء با آن سر مخاصمت را
در پیش گرفته و لوجوانه در برابر آن قرار
میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سر-
مدداری امپریالیزم جنایتکار امریکا باشئونیزم
چینی در تبهانی با در تجاع بین المللی و ارتجاع
سیاه داخلی در يك جبهه نامقدس بر ضد
انقلاب شکوهمند نور بالاخص در برابر مرحله
نوین تکامل تاریخی شش جلی آنکه نماینده
راستین و چاکر گوش فرمان شان امین
خونخوار را سرنگون ساخت خشمناک گردیدند
و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار باعمال
خاینانه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگر-
ند و در تاراج هستی خلقها دست شریک دارند
از مدتهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای
کونا کون هست و بود مستغفین جهان را دست
بردمی زنند و بانکه ارتجاع را درین جیا ولها
چندان چیزی هم نمیرسد و با اصطلاح از «گاو
غذودی» رانصیب میگردد مگر با انهم از خوش

د مسلمانانو تر منځ د تماسونو اهميت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروي اتحاد

د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

دی د مسلمانانو تر منځ د تماسونو د پیاوړتیا لپاره د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې...

هادی اعظم الا کبر د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې...

خواب : د خدا وري د پراخو لویو او جغرافیا...

د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې د شوروي اتحاد د لومړني څلور کلونو په دوران کې...



د شوروي اتحاد مسلمانان د ديني کتابونو او اسلامي آثارو د خپرولو په حال کې

مرکز و نوڅخه کتنه وکړې او تاريخي آثار له نژدې څخه وگوري . ددغه حقيقت دپه نظر کې نيولو سره چې د شوروي اتحاد د مر کزي آسيا او د قزا قستان دپاره د مسلمانانو بورد د نړي دڅخه دپا سه او يا هيوادو نو سره په تما سس کې دې هر څوک دا اټکل کو لای شي چې د شوروي اتحاد ټولو څلور گو نو اسلامي بوردو نو نړيوال تماسونه څو مره او په څه ډول تنظيم او ارزښت يابې کيږي . په پورتنيو ټکو علاوه بايد وويل شي دچې د شوروي اتحاد د مسلمانانو د نړيوالو تما سس نو ټولنه هر کال داسلامې تعليماتو په بساب د معلو ماتو دپرا خو لو دپاره دمغه هيواد يوزيات زده کوونکي او محصلين د لوړو زده کړو په غرض بهر نيو هيوادو نو ته استوي . تر اوسه پور ددغې اړ تيا طي مو سسي له لاري څخه يوزيات شمير ځوان زده کوونکي او محصلين المغرب ، سوريي ، اردن ، لیبيا او د ځينو نورو هيوادونو ته استول شو يدي .

دغه ځوان محصلين په بهرنيو اسلامي هيوادونو کې دمعلو ماتو دپرا خوا لو او لوړو زده کړو له پای ته رسيدلو څخه وروسته بيرته شوروي اتحاد ته را ستنپيري او په پخوا را ، تا شکند او نو اسلامي مدرسو او مرکزونو کې به تدريس بوختيږي . د شوروي اتحاد مسلمانان په دوه اړخيزو تما سسونو سر بيره د يوزيات شمير نورو فعاليتونو سره هم سر اوکار لري . په پخوا نيو کلونو کې د شوروي اتحاد د مسلمانانو د بورد ډله خوا يو زيات شمير نړي وال کنفرانسونه تنظيم او پرانستل شو يدي او په هغو کې د آسيا ، افريقا او منځني ختيځ له هيوادونو څخه يوزيات شمير اسلامي مشرانو برخه اخستي ده . د ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳ کلونو په اوږدو کې د فلسطيني عربو وگړو د ددایمي په ملا تيرد اسلامي هيوادونو يوه نړيواله جرگه په شوروي اتحاد کې جوړه شوه . په دغه جرگه کې د عربو وگړو د حقه حقو د دعا دې او دغه راز د فلسطين ولسونو د خاورې او ملي حاکميت د تضمين او بيرته اعا ده کيدو سره نړيوال پيو سټون څرگند او داسرا ټيلي تيري کوونکو



دوشنبی دښار په یوه جومات کی داسلامی تبلیغاتو یوه څڼه

په څه ډول دی ؟
ځواب :
 په دوشنبه کی دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجو پایدو په تعقیب او دوام ټاکل شوی ده چی د ۱۹۸۰ کال دسپتا مبر په میاشت کی دتا شکند په ښار کی داسلامی هیوادو نو داستا زو په گډون یو نړیوال کنفرانس جوړشی. همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چی په روان کال کی هم دهجرت د مراسمو دنما نخلو په باب ستیری غو نهی جوړی شی .

پو ښتنه :
 آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چی دروان کال دجولای په میاشت کی په شو روی اتحاد کی جوړی شی پاتی په ۵۰ مخ کی

هیوادو داستا زو له خوا مقالی لسی ولو ستلی شوی او کنفرا نسو نه ور کړل شول . باید وویل شی چی په دغو ټولو کنفرا نسو نو ، سمپو- زیمو نو اومیتنگونو کی دافغانستان عا لما نواولور رتبه استازو برخه واخسته . همدا رنگه په دغو ټو لنسو کی دافغانستان ددمو کرا تیک جمهوریت په استازو علا وه د بنگله دیش ، لیبیا ، لبنان ، هند ، پاکستان ، اندو نیز یا ، ایران ، تو نس ، المغرب ، مالی او ځینسو نورو اسلامی هیوادو وهیا تو نو گډون کړی و .

پو ښتنه :
 په ۱۹۸۰ کال کی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلا نو نه او پروگرا مونه

په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبی مشرانو په نامه دوه ځا نکړی پری کړه لیکونه او ابلاغی صا دری او تصو یی شوی . د ۱۹۷۷ کال په تاریخ اسلامی کنفرا نس کی دټولو اسلامی هیوادو نو تر منځ دگډو مر ستواو څو اړ څیزو همکاریو د ارزښت او اهمیت په باب ټینگار وشو اود نړی دټولو اسلامی هیوادو نو څخه وغو ښتل شول چی دنړی دملتو نو او بیلا بیلو مذ هبو نو تر منځ دښه نیت او غوره تقا هم د اساساتو دپیا وړتیا اودغه راز دسولی او نړیوال امنیت دټینکنیت دپاره سره یو مو تی شی همدارنگه د اسلامی هیوادو و نسو تر منځ دزیاتو همکاریو دپیا وړتیا له پاره د ۱۹۷۹ کال څخه تر او سه پوری په نو موړی هیوا دوکی دغه لاندی کارو نه تر سره شوی دی :

۱۹۷۹ کال داگست په میاشت کی دشو روی اتحا دپه ختیځو برخو کی دمسلمانانو دلو مر نی اسلامی ژور نال دخبر یو دلسمی کالیزی دمرا سمو دنما نخلو په خاطر یوه ستره غو نهه وشوه او په هغی کی دنړی دیو زیات شمیر اسلامی هیوادونما یندگانو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته . وروسته د همدی کال دسپتا مبر په میاشت کی دهجرت دخوار لسمی پیړی د شروع کیدو دنما نخلو په مناسبت ددوشنبی په ښار کی دنړی داسلامی هیوادو دعا لما نو په گډون یو سمپوزیم جوړ او ددغی ورځی په ارباط دبرخی اخستو ونکی

مقاماتو څخه غوښتنه وشوه چی دعر بو دنیول شو و سیمو څخه دی خپلی قوا وی وبا سی . دغه راز په دغه چرگه کی دعر بی وگړو سره دهر ډول ما دی او معنوی مر ستو دور کو لو وعده وشوه .

په ۱۹۷۴ کال کی د«ابو عبدالله محمد ابن اسمعیل البخاری» دزین یو د ۱۲۰۰۰ کالیزی مراسم په لو په سو په په شو روی اتحاد کی په ځای شول . په ۱۹۷۶ کال کی دنړی دبیلا بیلو اسلامی هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلمی کالیزی په مراسمو کی دبرخی اخستلو په غرض شو روی اتحاد ته راغلل .

همدا رنگه په هغه نړیواله جرگه کی چی ددایمی سو لی په ټینکنیت کی داسلامی هیوادو دمنه هبی مشرانو دونهی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کی په مسکو کی وشوه دنړی څه دپاسه ۱۰۷ هیوادو نو څخه شپږ سوه پنځو س تنو استازو گډون وکړ . په دغه ستره او تاریخی غو نهه کی دنړی دخوار لس اسلامی هیوادو نو څخه دپا سه سلو ټنولو رتبه عالی او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووالی په باب وینا وی وکړی او خپلی مقالی ولو ستلی .

په دغه غو نهه کی چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبوررد دمشر مفتی ضیاع الدینخان ابن احسان با با خان



دجومات خطیب په نړی کی دسولی او امنیت دټینکنیت په باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کی

حق دارد که مناسک مذهبی شان را آزاد وبدون

ترس اجرا بدارند.

در طول این دو ماه که از مرحله نوین انقلاب نور می گذرد، کدام يك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت يك زن وتلقیه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پر ارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب نور جابه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سانم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدام های پراجسپوری دموکراتیک افغانستان است که ملیون ها خانواده را از سرگردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایدهای های مردم که از طرف امین وباندوی به ناحق وبدون کسدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کار های مهم وپرازش دولت ما است .

سالم جان راکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است در یکی از شناخته ها می بینیم، اوکه در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمده تا تحت تداوی قرار گیرد .

آزش می پرسیم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :



فوزیه امیری باعده از همکاریش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب نور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب نور

ونظر دهی مردم در مورد آن

من از مدتها مریض هستم شاید دوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر راببینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر راببینم از خوا خبری نبود ، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسای همین امروز وسای باعث شد که مریضی ام شدت بیابد تا اینکه بکلی مرا از پا انداخت .

علت این امروز وسبای دوکتوران چه بود وچرا برایشان نگفتی که زیاد تکلیف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را از هم باز میکند و میگوید : برادر آیا جرئت داشتم که این حرف رابه آنها بزنم ، اگر کوچکترین حرفی میزد شاید سرحدم به زندان پلچرخ میکشید ... و آن وقت است که خدا به یاری ام میرسد دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تداوی شده ای ؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند میگوید : بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا هه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گاربتندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها چطور بود وجه بروزگار آنها میگشت . این همه مطالب بی شمار که از طرف امین وامینی ها بر مردم بی چاره وی پناه مانحیل میشد زندگی را آنقدر برآنان تنگ ساخته بود که مرگ هزار بار بهتر بود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور ما به زندانی بزرگی مبدل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین تریب زندگانی که ماداشتم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولسی جواب این سوال خیلی ساده بود وآنانکه امین وباندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند . آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کمان ما که برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

بیکار حق بر ناحق ویکار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند . این است معنی عدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس هیچ خانواده نبود که از شر ظلم وشکنجه امین وباندوی در امان بوده باشد . من هم مانند هزاران وملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم . قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم را بردند وندانستم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است . اما اینکه چه شکنجه ودردی را تحمل میکند خدا میدانست . هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود وشما و همه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتیکه این سطور رامیخوانی بدون شك ، به این گفته ها وسختان که از دهن این هموطنان مایرون میشود بساور وایمان داری ، میدانی که این ها همه حقیقت است وهیچگونه مبالغه درآندیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همشهری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب نور می پرسیم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است با موهای جوگندی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد . آزش می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نام آصفه اکبر است ومستحضر در شعبه نابلت سازی دیوی نمبر يك میباشم . زندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دوره حکمرمایی امین وباندوی زندگی اکثر هموطنان ماشیه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزاده صحبت کنند . با چنین شرایط بود که مردم ستم دیده ما روز های سخت را میگذاشتند ولی حالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که

هر کس خواسته باشد آنرا از شس سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و بشری زده است که این کارها و اعمال از طرف امین و بانده سیاه کارش جز پرنانه های همیشگی اش بود .

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان ، چه مامور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگ ، قبیله و قومیت از آزادی یکسان بر خوردارند . این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند ، اما امروز به سر کت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها از طرف دولت ما پذیرفته میشود . البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد .

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی را که میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت ، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود .

بیک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن آنکه هرچه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد . هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معمور کارهای زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نمایم ، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها در امر اعمار افغانستان نوین گردند .

کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است ؟



سالم جان که ماه هابرای تداوی اش تکابل مراند ولی تداوی نمیشد اما حالا ...

بلند دولتی می بود و بورس های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که واجد شرایط می بودند می داد اما این جانی به آسانی داده میشد که ما حسب قدرت بود ولی خسو شیخنا نه امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز و تبعیضی نظریه خواهش واستعداد شان به پوهنخی های مورد علاقه شان کامیاب شده و جذب گردیده اند . و آن عده دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون شویش و ناراحتی به تحصیل خویش می پردازند اینست معنی عدالت و مساوات و برابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور که در کشور خود مشاهده میکنم .

فوزیه امیری آمر شعبه تربیت سازی و نیچر سازی در پاره دست آورد های ششم جدی که مرحله تازه در زندگی و حیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد :
وقتی که گذشته را با حال مقایسه میکنم درمی یابیم که چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم و خلق زحمتکش ما شده است . در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت و همیشه تبلیغات بود و پس ولی حالا در همه ساحات زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور ، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به آن عمل میگردد و این خیلی مهم است برای کشور ما و برای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند . مهمترین دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب نور آزادی است ، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت دارد، همانطوریکه به غذا ، لباس و غیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت و احتیاج مبسوم دارد . آزادی حق فردی هر انسان است و اگر



آصفه اکبر ، او با احساس خاصی حرف میزند



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندو آزادی را بصورت واقعی آن می بینند و لمس میکنند . جذب شدن بر سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کارهای با ارزش و درخور ستایش دولت ما است . در گذشته تنها جانی کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند ، پدر شان یا یکر از منسوبین شان صاحب مناسب

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود ، یک هفته قبل از وطنم به کابل آمدم در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرهم تشخیص گردید و حالا مرهم که دواي خود را بگیرم . خداوند دولت کنونی ما را حفظ کند و در بنای خود داشته باشد .

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لیسه شیرشاه سوری فارغ شده در پاره مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند :
اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم از دیدگاه یک محصل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم :
مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی برایشان سخت میگذاشت موضوع جدا گانه است .
و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم : بلی جوانان مادر دوره امین و باندهی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند .
این بود وضع جوانان مادر زمان امین و بانده چنایتکاری .
ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور زندگی تازه آغاز کرده اند، زندگی که واقعا درخور یک جوان است .



اطفال در کودکتا نها کار های هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه : پوهنمل دوکتور سید حسام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد بنام سال طفل اعلام شده بود ، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل ، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشور شورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟
- هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود . مطابق دایور صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر - گرسنگی حیات بسر می برند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند .

قرار داپور صحی حیات اجراییه (بان امریکن) هفت ونیم میلیون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند. در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند ، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بگمارند ، مطابق داپور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دوو یادوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند. بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود . زیرا اطفال محتاج صلح و آرامش اند . و همین صلح و آرامش است که برای اطفال خوشی و سعادت بارمی آورد. فضای مذکور امکانات بهتر را برای آموزش و پرورش تدارک می بیند .

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان را در مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خواهان تحدید تجهیزات نظامی بوده ، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد . پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلقها را با وجود اختلافات سیاسی شان خواهان است .

- شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگوئید ؟

- دولت شورا ها کلیه امکانات را برای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است .

و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایت طفل و مادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است .

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکان ها ، اطفاهای رهایش اطفال ، کمپ های جوانان ، سربازان ، و دیگر مراکز بصرف رسیده بالغ به پانزده

هزار و ملیون روبل میگردد

که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد . علاوه در حدود (۱۸۰) ملیون روبل

همه ساله مصرف هائش آموزش دوره ثانوی میگردد . بالاتراز (۵۰۰) روبل برای یک طفل

شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل در کودکتان هادر سال میباشد . که ۸۰ فیصد

این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد .

مادر کشور خود بیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) ملیون

طفل محل ارایش دارد . در سالن پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکتان و شیر

خوار گاه در هر سال تحت ساختمان و اعمار است .

در هر تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح ، خارج از شهر درین دهات و

مکاتب خورد سالان و در کمپ های جوانان سر - باز زندگی می نمایند .

در کشور شورا ها برای باز بررسی صحنی و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد ،

که این مراکز زیاد تر از یک ونیم ملیون طفل را

اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی

را فراهم میسازد .

مسایل راحتی و محل رهایش برای تمام اطفال از طرف دولت شورا ها به صورت رایگان در دست تهیه است .

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی برداشته میشود . و هم برای آن اطفال که در

حال سیاحت و مسافرت اند ، موسسه مذکور

۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می آورد .

همه سناتوریم ها ، اسراحت گاه ها و هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال و والدین آنها

باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند . قرار داپور و تفریح در مراکز تفریحی

همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل استراحت مینمایند .

سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی گاه گاه

عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریبا یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند.

در تریبه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل ، سرکس ها ، باله خانه ها

درام ها و دیگر وسایل تریبوی وجود دارد ، که همگی این نمایشگاه هادر تریبه سالم اطفال

نقش قاطع دارد .

و به همین منظور است که دولت شورا ها وسایل سرگرم کننده را در اکتاف و گموش های متعدد کشور تهیه می نماید .

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر

بر گزار میگردد و ملیونها طفل ملاقات های پیچیده با نویسندگان - کهنوزها - موسیقی دانان ،

و اکتورس ها می نمایند .

شورای اتحادیه های محلی ولیک کمونیستی و سازمانهای سپورتی در جدوجهد اند ، تا یک

تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزیکلی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند ،

در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریبا (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند

که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد . علاوه

در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیدا

تاسیس شود .

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی وساعت تیری در کودکتان

فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوار ادر جهان بر هم میزند

خلقهای سرا سر جهان خا طرات بسیار تلخ و نا گوار جنگک جهانگیر دوم را ، فجایع آدم کشی ، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به ار دو گاه های کار اجباری بمبارد ما نها و خرابی های بی شماری که این جنگک خا نما نسوز بر خلقهای اروپا تحمیل کرد و میلیو نها انسان فدای هوا و هو سس و خوا هشات شیطان ی امپر یا لیزم جها نی و نیرو های جنگک طلب و در را سس آن فدای خوا هشات دو زخی و آرمانهای سیاه نا زیسم و آلمان وفا شیسم ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا گوار که دلهای آدمیان را بر قست میا ورد و وجدان آدمی را تکان می دهد از خا طره ها فرا مو شن نشده است. بعد از جنگک جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق آمدند . امپر یسا- لیسم جهانی و در راس آن امپر یالیسم ایالات متحده امر یکا در صدد آن شد تا منا بع بیشتری بفر صس تحصیل منافع آزمندا نه جها نخوا ران امپر یالیستی فرا هم آورده و بیش از پیش کشور های جدا گانه را یا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در اسارت خو یش نگهدا شته و این کشور ها را مبدل به مناطقی تهیه مواد اولیه و تهیه و فرا هم آوری مواد خام برای خو یش مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته و پیراسته درایسن کشور ها گسیل دا شت و با وجود اینکه با ایجاد حکومتات ضد ملی و ضد دمو کراتیک بر ارا ده اکثریت خلقهای کشور های نا مبرده مسلط گرد یده و بر سر نو شت آنها حا- کمیت دارد ، باز هم خا ثنا نه و بسا دیده درایی از عدل و تقوی ، از ایجاد حکومت مردمی ، از دمو کراسی ، از آزادی (!) و... داد میزند ، این دیگر صاف و پاک فریب خلق است ، داستان نا پاک امپر یالستان

دیگر بخون صدها هزار و میلیو - نها انسان شریف آسیا ، افر یقا و امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امر یکا دروینام قهر مان ، در شرق میا نه ، در انگولا مو ز نبیق و سا یر کشورهای جهان کشتگان بیشمار ی از خود بجبا گدا شته است . خلقهای مبارزو شجاع جهان این کشتار ها و آن قربانی ها را هر گز فراموش نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپر یا لیزم و کلیه متحد این ناپاک و منحطش پورش برده و با ضربات کوبنده شا لوده امپر یا- لیزم جهانی را در هم ریخته و بر- خرابه های استعمار رنگ و روغن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده و اساس زنده گی نو ین و مترقی ، آزاد و شکر خان را بنا نهند .

در این ا و خرایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمرکز دهد ، این تصمیم ایالات متحده امریکا بخودی خود علیه دیتا نت بوده و تو از ن قوار ادر ارو پا بر هم می زند. در حقیقت عال ملین و گردا نند گان ما شین آدمکشی امپر یا لیسم سخت در تلاشی بوده و در این زمینه ت- لاشها و فعالیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حالتی که پلانها و نقشه های نا توهمه و همه متوجه تشدید تسلیحات ذروی است ، به شکل بیشتر ما نه و در عین حال بسیار ظریفانه موضوع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلاحهای اتومی را به پیش می کشد . این دیگر واضع و آشکار است که چنین نقشه های محیلا نه و شیطان ی نه مورد قبول خلقهای جهان قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها

بیکه به استقلال ملی ، حاکمیت ملی ، و تمامیت ارضی خو یش دلبسته و علاقمند ند . ایالات متحده امریکا بدون در نظر داشت ارا ده رزمنده خلقها و خلاف ادعای محافل انقلابی و کشور های مترقی به خصوص خلاف اعتراضات پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خسر مرمی های تهاجمی و کروزو پرشنگک را در ارو پای غربی جا بجای نموده است ، این عمل جنگک طلبانه و خلاف روحیه مقررات بین المللی و خلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی و اضلاع متحده امریکا در مورد تحدید سلاح تهاجمی است که واقعا چنین اعمال و چنین کوششهای شیطان ی بخودی خود اصل دیتاننت را مورد مخا طره جدی قرار میدهد این تصمیم اضلاع متحده امریکا در کنار تصامیم دیگری که درایسن زمینه اتخاذ گرد یده است پیش از پیش ما هیت جنگک طلبان و خصلت عمده فعالیت های امپر یا لیزم ایالات متحده امریکا را بر ملا میا زد اکنون که امپر یا لیسم اضلاع متحده امریکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگک و غارتگری خلقها اشک تماش می رزد متحده ین هم پیمان نشد در جهان ، جبهه نا مقدسی را تشکیل داده و با این اتحاد نا مقدس بر ضد نیرو های ترقیخواه جهان و به کمک همه جا نبه دستگاه مرکزی جاسوسی امریکا و سیاه نقشه های محیلا نه و غارتگری نه ای راسازمان بخشیده و سیلی از دلار امریکایی و پوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشور های مورد نظر سرا زیر میشود . نا تو چندی قبل تصمیم گرفت تا در خاک ها لند سلاح جد ید و مدرن خویش را جا بجا نماید کشور ها لند در این مورد یعنی در

مورد وا گزاری یک قسمت خاک خو یش به منظور جا بجا کردن سلاحهای پیمان نا تو تا حال موا فقه نموده است و نیز اعضای دیگر پیمان اتلانٹیک شمالی به شکل صریح و آشکارا از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امریکا و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا انتقاد کردند ، چنین حالتی در بین اعضای پیمان اتلانٹیک شمالی موجب نا رضایتی اعضای پیمان گرد یده و آنها را به تلاشهای مذ- بوخانه ای متوسل کرده است .

از آنجا نیکه سیاست صلحدو - ستا نه کشور های مترقی همیشه و در همه جا و در کلیه ادوا رتاریخی بخصوص در نیم قرن اخیر ما نح بزرگی برای تطبیق نقشه های امریمنانه جنگک افرو زان امپر- یالیستی بوده و همیشه با فعالیت های دامنه دار و وسیع و بزرگی که کشور های صلحدوست انجام می دهند . تو از ن قوا را حفظ نموده و بر ضد نقشه های تجا وز کارانه و علیه فعالیت های محیلا نه و نقشه های تعرضی امپر یالیسم و در راس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده و محافل ارتجاعی در ارو پا کشور های نامبرده همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحدید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریید و تولید سلاحهای مرگبار مجا- هدا ت پیگیری نمایند .

ایالات متحده امریکا و بخصوص محافل جنگک طلب اروپای غربی سخت در تلاش اند تا بدوره جنگک سرد دوباره عودت نموده و مقدمات پیدا- یش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ، در حالیکه پرو- بقیه در صحنه ۵۶

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمبارانهای خائنانه سوزش خلق فلسطین را بخاک و خون می کشاند.

منطقه شرق میانه از دیر زمانست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. معضلات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به صحنه های خونین نبرد ها و ترازیدی المناک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد. که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگری را احیاء نماید در اثر اعمال، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یکدو نیم میلیون فلسطینی از مناطق آبایی خود جبرا رانده شدند. و آنچه از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی ماندند هیچگاه خود را در خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشان را در زندان و شکنجه گاه رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می نمایند. سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اعراب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می شوند.

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعد از طرح دسیسه هاو پلان های مبنی بر اعطای (آزادی داخلی) و تلاش های مذبحانه ارتجاع مصر و ارتجاع حاکمه اسرائیل که آنرا تحت نام (مساعی برای صلح) میخوانند حالت تشنج و تضییق را بکلی حاد نموده است. سازش ها و پالیسی خائنانه رژیم سادات که بی شرمانه خود را در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت و بر ضد سیر تاریخ و نیت خلق های آزادی خواه مصر و خلق های عرب اوضاع شرق میانه را هنوز هم مغتنق نموده است و امکان هر نسوع حل عادلانه داعیه فلسطین و برابرلم های شرق

بی رحمانه زندانی می شوند و یا بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می شوند. وضع مالیات های نوو کمر شکن، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشنده مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد.

ولی علی رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه ای هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن متهورانه برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضای معاهده نام نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود، در مناطق اشغالی این روز منجبت روز عزا داری اعلام گردید و تظا هرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم رژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در طی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تبیح شده بود. همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بغاظر طرد استیلا غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می گردد

همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس، و شهر های نابلس، الخلیل، و مالا و غیره ادامه یافت. در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد. شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی دریغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.ا) ا بر سر داشتند.

در طی تظاهراتی که علیه سازش ها و اعانت های که به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می گردد چندین نفر از مبارزین وطنپرست فلسطین در درانر گلوله باری بر تظاهر کنندگان شپید شدند این گلوله باری بر اجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت.



اسرائیل جز از گلوله ها و مرمی چیز دیگری نمی شناسد.

عجب ساده ژوند يی در لود. د ژوند دنيمگر تياو په نړی کی يی بيا هم په خپل ژوند شکرونه ایستل د صداقت په انگړ یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمر — د سپیڅلی زړه خاوند وه. دده دینسی نه داسی ښکاریده چی تا به ویل خاص بزرگ دی.

محمد عمر کوچی دژمی په موسم کی به یی دهسکو غرو نو دسرنه تو دو سیمو ته کبی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپری کی داسی تا و وه چی دو ه سترگی به تری ښکارید لی لوردهونه او رو ښانه قواره یی در لوده، دمخ چوکات یی ډیر ښکلی وه. د طبیعت په لو به غیر کی داسی لوی شوی وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکه دشتی پهلوان دورایه ښکاریده.

ده به همیشه خپلی توری کیردی دژمی به موسم کی دناو کی غره په

دی صحنی څخه زیات خونداخست. گلی. دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی ښکلی او سپین بدن به به شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږمی خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تلل او دواړو بڼی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیردی ته را ننو ته، دی آرام نه در لود، سترپی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسی کیدل چی پښی به تیا کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدی، خو بدغه حال یی هم شکر کاږه.

یوه خبره چی دیا دونی ورده هغه دا چی به ژوند کی تری ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه.

دا به ډیرو ته معلومه وی چی باچ

کړی. که څه هم (دخان نو کسر) دعاطفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نو کسر پداسی حال کی دکیر دی خوا ته ورسیده چی گلی توپی لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری او په زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوند به په ازغو سو ری سو ری نن دکوم تیکی به خنک کی تکیه وهلی وی اودخپلی رمی خارنه به کوی. چی د شاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلی توپی. گلی توپی تاته وایم گلی توپی دغمونو دگر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خیره یی ور ته وویل: خو په خیرت دی.

دخان مزدور دپتکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنسو ستر گو پښی یی و کړی او دخان بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسې ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ بیسی غواړی. بیسی غواړی وا در ویده که نه؟

گلی توپی بیر ته خپلی غمجنی کیر دی ته ننو ته او مزدور نری رخصت شو. خان پداسی حال کی چی سترگی یی بټی ختلی وی دلاری بخاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه خنکه شو. مزدور پداسی حال کی چی سایې سترپی سترپی کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه. (خبره یی په خو له کسی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانه وه لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملگری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیری. تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه؟ ددی عمل به دا جزای محمد عمر کو چی دغره دلورو څو کو څخه خپله رمه راگوزه کړه اودلرگیو گیبی یی هم په شاره دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوتی غوتی وینی به چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه گوری چی دخور نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. په شمیر اوه خاروی یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچی چی خومره ناری ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی گو له غوړونه پری کاټه شول. چو یی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه.

خو پس دیوه وخت نه ددی دمیښخ نه داسی آواز راپو رته شو. (باچ- باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباری وهلی دشپی تیاری هم دمحمد عمر کو چی سترگی پټی کړی او په مات زړه کیر دی خوانه را روان شو.

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچی او گلی توپی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی.

خو لنډه دا چی ډیری دارنگه ناوړه پښی په ټول ژوندکی پری راغلی وی. غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرگ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرگ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری. په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیری. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

گلی توپی- ډیری نا امیدی لیدلی وی. دی اولادنه در لود. بسی کسه وه د ژوند ټو لی ستر تیاوی پدی خوار کی تیریدی. ددی تن ډیرو محرو میتو د گذار ښه وه. خو دباچ غم دبی گوری غم دڅمکی دنه در لود لو غم ددی به زړه هغه گذار وه چی دا به یی کله کله په خوب کی ویرو له. یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساره اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی پور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل: بچی زما خاوند غرته زمه وړی ده دشپی که راغی زه به ور ته وایم، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی.

دخان نو کر نرم زړه در لود په خواری گلی تو پی یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړ خپلی بد بختی یی دگلی توپی په بدبختیو کی ولټو لی، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلی توپی محمد عمر ماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیاکله پتکو نه هر چا ته کیسی وکړم.

نه څو په. زه پدی پوهیر م ته هم زمونږ غونډی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو تقمی دورایه معلو میری.

دشپسوار (سنگروال) لیکنه

یو لنډ داستان

باج

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بسی پته او کر غیر نه پښنه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندی هضمو له.

محمد عمر کو چی هم پدی بد مر غی نارو غی باندی په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واړول، نو یو څه کورت او یو سیر لی به دباچ په نوم دسیسی لوی خان ته ور وړ خو بیا هم دی پدی سو غات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی بیسی هم ورکړی.

عجبه خولا دا وه چی یو ورځ سهار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تلل او گلی توپی په توره کیر دی کی چی دو پی تری پو رته کیدی. دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لیږه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ بیسی تر لاسه

لمن کی پلنولی دمپرو بچیانو چی وری یی بو لی دکیر دیو شاوخوا رمباری وهلی. چی دی آوازو به دلورو غرو نو په زړو کی انگازی جوړو لی. رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دستخا لایی وهلی دخو ورڅو میلمانه کو چنیان یی خو - شحاله ساتل.

دناو کی غره کی وابنه ډیر و دده دما لو نو گذاره پری کیده. ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شونوا یی) ورته ویل مو جوده وه. ډیری خوږی او به یی در لودی. کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه رابښکته کړه دلر گیسو گیبی به یی هم په شاره چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر خنکه به کښیناست د جواری غتی مری پسې به یی داو بوغړپ کاوه رمی به هم دخپری دونو بانې خړبو لی. او محمد عمر کو چی به له

نگاهی بر رباعیات خیام



سنت گرانی مذهبی منویش کرده انسداد
خلاصه هر کسی به اندازه بر داشت و
توانائی فیهش در باره رباعیات خیام چیزی
گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و
کینه و مجزا از هرگونه کج بختی و کج
فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد
بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان
اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آزاده
گیتی است . اگر چه به این طرز دید در
باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به
ظعن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گسی
و آزاده اندیشی ، زیبایی بیان و سلامت
وصراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا
داشته و بران رشک برده اند . ورنه رباعیات
فارسی این گوینده درد شناس ، از گو
ترین همه آنهائی است که تا حال سروده
شده است .

شکی نیست که قلب خیام از عشق پرورد
گارش و احساس حسن جمال مظاهر کائنات
مملو نبوده باشد و این هم پرواضح است
که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت
معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای
ادبی بی نظیر او می یابد این مدعا است
اما آنچه در بین میان قابل و نامسل بیشتر
عیبا شد آنست که آیا میتوان خیام را صرف
یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه
آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء
متکی و بیبوست به معنویات آن
برشمردیم هر تجاهل عارفانه اگر بدین
گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی
خواهد بود به آنچه که در خود چنین
شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پیداست
که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی
ایجاب مینماید ، دانشمند آزاده ای-
است که خود را در بند هیچگونه او هانم
نمی اندازد .

و این مطلب از رباعیات موصوفی به
وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوشدار این دل پر سودا را
می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه
بسیار بر بتا بد و نیا بد ما را

اکنون که گل سعادت بر بار است
دست تو ز جام می چرا یکسار است
می خور که زمانه دشمن گذار است
دریا فتن روز چنین دشوار است

امروز ترا دسترس فردا نیست
و اندیشه فردات بجز سودا نیست
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان مسا
فوق تصور انسان سفیری نمود ، در مورد
جهان هستی هم تا آنجا که فیهش اجسازه
مید ادبی خبر نبود . و چنانچه از تحقیقات
دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند ، حکیم
و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود
بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجاش
بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان
پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زلم بروی دریا ها خشت
ببزار شدم زبت پرستان کشت
خیام که گفت دوزخی خواهد بود
که رفت بدوزخ و که آمد بهشت

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
نشان به امید شکسته عمر نیست
هان ناله نیم جام می از کف دست
در بیخبری مردچه عشیار و چه مست

ای آمده از عالم رو حانی گفت
حیران شده در پنج و چهاروش و هفت
می خور چو ندانی از کجا آمده
خوش باش ندانی بکجا خواهی رفت

و در مورد اینکه آنچه در دست است
با ید حساب نبود نه آنچه که وعده داده
شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه
بذکرش می پردازیم .

گویند کسان بهشت با حور خوشست
من میگویم آب انگور خوشست
این نقد بگیرد دست از آن نسبه بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
جامی و بتی بر بتی بر لب کشت
این هر سه مرا نقد و ترانسه بهشت

گویند بهشت و حور و کولر باشند
جوی می و شیرو شهد و شکر با شد
پرکن قدح باد مویز دستم نه
نقدی ز هزار نسبه خوشتر با شد

در دهر چو آواز گل تازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زبشت و دوزخ
فارغ بشنیدن که آن هر آوازه دهند

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن
گرویده میگردند از مرگ هراسی بسند
را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند
بلکه مرگ را مایه خوشی میدانند و به
عقیدت اینکه به اصل خوشی میشد و بخسدا
نخود و صلت حاصل مینماید پس از آن
میباشند اما خیام در رباعیاتش از مرگ
هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته
را غنیمت میشمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد
در یابدمی که با طرب میگذرد
ساقی غم فر دای حریفان چه خوری
پیش آر بیاله را که شب میگذرد

زان پیش که بر صورت شب بخون آرند
فرمای که تا باد گلگون آرند
توانزه نی ای غافل تا دان که ترا
در خلایق نهند و باز بیرون آرند

روز که گذشت هیچ آرزو بساد مکن
فر داکه نیامده است فریاد مکن
بسر نامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آریدن بودی
یا این ره دور را رسیدن بسودی
کاش از بی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی

پس از رباعیات خیام مویز این بیان
آند که آنچه برای آدمی درید امکان
است همین هستی است و تا حد امکان
توان آن از آن باید مستفید شد . و این بدان
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین
به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان
را به مسافران گم گشته و نا آمدنسی
یکسان دانسته است .

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بسی جگرها خون شد
کس نامد از آن جهان که برسیم از وی
که احوال مسافر آن دنیا چو نشد

از جمله رفتگان ایسن راه دراز
باز آمده کیست تا به ما گوید راز
پس بر سر این دوراهه آرزو نیا
تا هیچ نمائی که نمی آیی بساز

و هم چنان در جای دیگری غم فردا را
نمی کرده و میگویند :
ای دوست بیانا غم فردا نخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شمریم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سالکان سر بسریم

ای دل توبه اسرار معانی می
در نکته زیر کان دانا نرس می
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کانشا که بهشت است درسی یا نه می

باری هم واعظان و نامحان را که سخن
فرا تر از حد توان خویش میزند چنین
نکوش مینماید :
آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زمین شب قاریک نبردند بیرون
گفتند فسا نه و در خواب شدند

و در رباعی میفرماید :
در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یک ما غم می دهد بر لب کشت
هر چند به نزد عامه این با شد زشت
سگ به ذعن است اگر بر لب نام بهشت

اما آنگاه که خود هم نمیتواند با کسی
به منزل بکشد فریاد میزند که :
قومی متفکرند اندر ره دیسن
قومی بگمان فتنه در راه یقین
میترسیم از آنکه بانگ آید روزی
کای بیخبران راه نه آنست نه این

و به این ترتیب میرسیم بدان جایی
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

خیام این دانشمند نامور ، شاعر و حکیم
دانای شرقی ، یکی از آن چهره های ادبی
است که همواره درباره اش هر نکته سنجی
که سخن از حکمت ، ریاضیات ، ادبیات و
شعر بمیان آورده است اعتقاد متفاوتی
را ابراز داشته است . عده در موردش تعصب
ورزیده اند و عده هم بنا بر علل که خود
میتراشیده اند فهم و درک خیام را کم بها
جلوه داده و یا به باد انتقادش گرفته است .
در مورد رباعیات خیام نیز دیدهای
متفاوتی موجود است . یکی بنا بر
عقیدت شخصی و بابه شکل کینه تو زانه
وی را از فضیلتی سرگشته غافل و گم
گشته عاطل دانسته است .
دیگری منجمش شمرده و سو می او را
فیلسوفی گفته است . جمعی هم در باره
خیام ظالمانه تر صحبت نموده و به تخلع از

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم ونو سانات آن میباشد . طور مثال مقدار ریزش با ران مربوط به برا حل مختلفه مهتاب بوده واز قرا معلوم چانس با ریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است .

اما مطالعات نشان میدهد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است . مدارک معتبری در لایرا توار ابلتون انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در ریونو سفیر زمین که باعث برخورد با امواج رادیویی میگردد مربوط به سایکل آفتاب است که درطول ۲۷ ونیم روز یکمرتبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت بریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگردد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار دراتموسفر گردیده ودر نتیجه باعث سفیر سمت وزش بساد میگردد .

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت بر بودیک آفتاب سایکل تقریبا یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش این لکه های سطح آفتاب به حدا عظمرسیده و دوباره تا پدید میگردد . نتایج مطالعات نشان دهنده آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ میدهد زیرا

سمت ساحه مقناطیسی آفتاب ، که کنترول این نقاط است ، بعداز تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص و مدت ساحه مقناطیسی بعد از سیری شدن تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست . تحقیقات اخیر نشان میدهد که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



ترجمه زلمی ذهاب

پیشگویی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن همه ای جهان چه اثراتی دربر

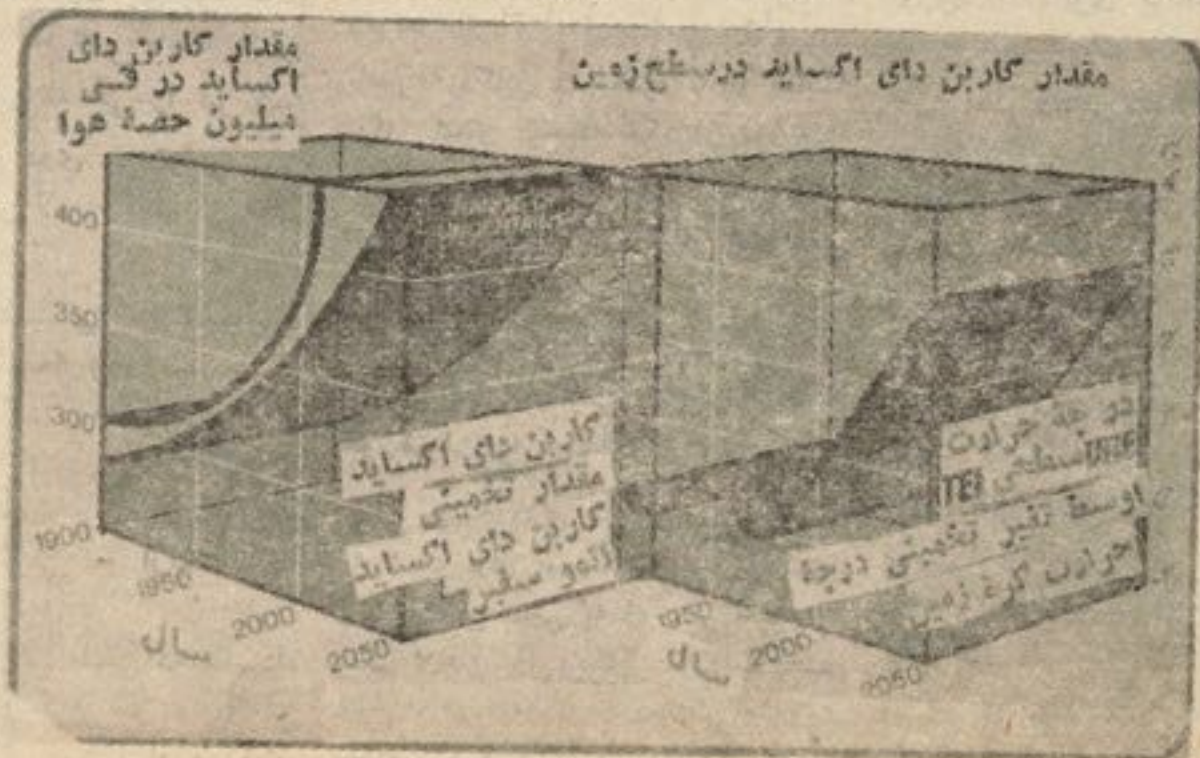
خواهد داشت؟

بدون شك پیشگویی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین بسه واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت ، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی ، شعاعات هوا شناسی ، وکمپو تر بدست آمده صحت پیشگویی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد بائین میاید . اما پیشگویی های طویل المدت اقلیم طویل دلمت مستلزم جزئیات دقیق نبوده

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل نوره درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماید . بلند تر خواهد گردید . این از دید درجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد . البته این پیش بینی ها تا اندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریکاست مشکل .

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا شمالی این سوال را بمیان آورده است که آیا هوای تابناک روبه سردی می رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه ویا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود . این نوع حوادث شمسی نشان دهنده تغییر دورهوی جهان است .

اینکه این تغییرات بکجا خواهد انجامید هنوز معلوم نیست . اما بکن تعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به ایسین منگوره اند که آتمو سفیر گرمتر میگردد نه سرد تر و دلیل عمده آن از دید روز افزون گاز زین رنگ و بوی کاربن دای اکساید میباشد . این گاز توسط نباتات جذب ، از آنها تنها متصاعد و به پسمانه وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگردد این گاز در آتمو سفیر مانند آینه یسک جا به اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج آتمو سفیر آن میگردد چون مقدار کاربن دای اکساید آتمو سفیر بصورت مداوم روبه افزایش میباشد نتایج بکن تعداد زیاد متخصصین مربوطه میگردد که این منبع تشخیص سبب گرم شدن همسوی جهان میگردد . یکی از گزارشات مرکز



د(ان اوپ لينا فاسو شل
ديو لو پمپت) نومي كتاب څخه

د امين الله محك ژباړه

په آسيا او افريقا کې د باداري نظامونه

دو همه بر څه

د تو ليدی وسايلو لړل ، دکار به ټولنيز ساز ما نو کی د یسوی طبقی رول د عایدا تو بر څه او د هغوی د گټو منابع هغه مشخصات وه چی یوه طبقه په بیژندل کیدل سر بیره پر دی طبقه د خلکو یوه لو په ډله ده چی په اجتماعی تو لید کی د خپلی پلیکاه یعنی پر تولیدی وسا یلو باندی دهغو ی دواک چی معمولا دقانون له خوا په رسمیت پیژندل شوی وه) او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه یی د کار په اجتماعی ساز مان کی لوبوی او له دی نه چی را تیر شو دهغه گټی چی دوی یی دټولنیسز شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی سره بیلیری .

طبقی داضا فسی محصلول دزا پیدا کیدو څخه وروسته منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی د تو لیدنی قوا و وړاندی تک و انسان ته دا امکان برا بر کړ چی دخپل ژوند د لومړ نیو اړتیا وڅخه زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرانی طبقی دستگاه وه . په استثمار گرو نظا مو نو کی دولت دطبقا تی ستم او مر ثیان کو لو دیوه پیژندل شوی دستگاه وه .

د بل خور و نکو دولتو نو تاریخی دو لو نه یو د بل سره تو پیرلری خو دټو لو ماهیت هما غه بر خوا- ریکشنانو باندی د یوه مفت خوره اقلیت حکمرانی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه ډیر لو مړ نی شکل و او ډیروباداری (مړی والا) دو لتونو نوموړی مړ- حله تیره کړیده .

گڼ شمیر لرو نکي او پیا وړی قبیلی دتو مو ړی اتحا دی زڼه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرانانو څخه ټاکل کیدی (پخپله حکمران بهزیاتره وخت دیوه جنک افسر په حیث انتخا بیدی) دباچا واک مورثی و .

دباچا د کلان ټول لوړ رتبه رو حا نیو نو ته هغه مهم اوحساس پو ستو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل خو قبیلی به د هغه موا فقی له مخی چی د دوی د مشرانو له خوا به شوی وی یو ځای کیدی اوکمز- وړی قبیلی به یی به زور تر خپلی حکم لاندی را وستلی . داسی دو لتو نو به داووزر دوجگر وله لاری خپله سیمه از تول ، ځینی داسی کو جنی قبیلی هم وی چی هیڅ ډول دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

داسیا او افريقا لو مړنی باداری دو لتونه :

دمړ یی لرو نکو دو لتو نو پیدا یښت د باداری نظام دتو لیدنی شکل ډیربالیوتوب نښه وه . لومړنی باداری دولتو نه په مصر ، دجله او فرات (بین النهرین) په وادی کی را څر گند شول . نو موړی دو لتو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی امپرا طوری وی . دچین او هند باداری دو لتو نه د میلاد څخه مخکی د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو کی اوپه اثور کی د دوهم زر په نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال و چی دوی اسیا په مرکزی دښت کی د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری جوړه شول . (مینایی) امپرا طوری چی یو لر غو نی عربی دولت و د میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ کښیښودل شو داو راتو (۲) باچهی د میلاد دمخه په اول زرم او په ماورای قفقاز کی منځته را غله . دخوا رزم پیا وړی پیا چهی په منځنی اسیا کی د میلاد دمخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری څر گنده شوه . اوپه وروسته کی یی خپل ځای د کوشان و امپرا- طوری ته خوشی کړ د میلاد د مخه په اتمه پیړی کی ماوان اوورپسی پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه پیړی کی دایران په لوید یز کی منځ ته را غله . د لر غونی یونان د باداری دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری او د لر غونی روم د میلاد د مخه په شپږمه پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی او جنو بی امریکا باداری دولتو نه کابو د(۱۵۰) څخه تر (۲۰۰) کالو پوری داسیانوی پرغلگرانو څخه مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو) سره سر نه خو ری څکه دهغوی دولت ژښت پخوا نی دی .

داسیا او افريقا لو مړنی باداری دو لتونه :
قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه گڼل کیری او یوازی دهغه د پیدا- یښت لومړی پړاو دی . د حکمرانانو د تد ریحی واک د زیاتوالی اود دولتی دستگاه د پیاوړ توب په نتیجه کی قبیلوی اتحاد یواستبدادی مړی لرو نکي دولت ته تکا مل وکړ او په اسیا ، افريقا او امر- یکی کی دلر غو نو مړی لرو نکو دو لتو نو هغه معمول شوی شکل دی دبا داری دو لتو نو شکل په تاریخی او اقتصادی شرا یطو همدا راز په جغرافیای محیط پوری اړه

دبا داری دو لتونه :
قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه گڼل کیری او یوازی دهغه د پیدا- یښت لومړی پړاو دی . د حکمرانانو د تد ریحی واک د زیاتوالی اود دولتی دستگاه د پیاوړ توب په نتیجه کی قبیلوی اتحاد یواستبدادی مړی لرو نکي دولت ته تکا مل وکړ او په اسیا ، افريقا او امر- یکی کی دلر غو نو مړی لرو نکو دو لتو نو هغه معمول شوی شکل دی دبا داری دو لتو نو شکل په تاریخی او اقتصادی شرا یطو همدا راز په جغرافیای محیط پوری اړه

د استبدادی مړیوتوب صفتو نه او مشخصات د مړ جوده اسنا دو څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو یا پیرو س او نور لیکونه پر تیگو باندی د لر غو نو لیکوالانو او نورو کسا نو خبرو نه چی پخپله گواهی ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو- نه او نور اسناد ټول د مطلب په رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته کوی . دبابل باچا ، حمو رابی د قوا نینو مجموع په مړیوتوب کی د ژوند کو لو دخپرنی دپاره زیات ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو متن د میلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یسوی توری ډبری پرستون کیندل شوی دی نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی مجموع ه ده چی موړ ته راپاتسی شوی ده . دمړیوتوب نظام د یوه انسان له خوا دبل گټه خوړل یی ښه توضیح کړیدی د حمو رابی د حکمرانی په وخت کی د بابل امپرا طوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باچا دمر کزی دولت یو کر غیر نه حاکم و چی ټول اجرا یی قانون نافذ ونکی ، قضا یی او مذهبی واک یی در لود . دظالمی باداری مسلطی ایدیالوژی د مشخصات- تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی لوی حکمران اودخمکی خدای گانیه او د هغه فر مان نازل شوی وهی (وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکي دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو- رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه دبیلو بیلو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د باچا دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

په مړیوتوب کی تولیدی روابط :
تو لیدنی اړیکی دلته هم لکه د تو لید پر وسا یلو باندی دخصو- صی مالکیت دتولید په نور جریان کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو د توزیع شکلو نه په بر کی نیول . مړ ثیان او باداران - د حمو رابی قوا نین نه یوازی د تو لیدنی اړیکو مشخصات په بین- النهرین بلکی په عمومی ډول په هر باداری دولت کی راته ښی . دبا بلی دو لت حاکمه قدرت وپرو او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او د حمو رابی به قوانینو کی د دولت او قوا نینو یو طبقا تی شکل له ورا په څرگند شوی دی خپلی گټی یی زیاتی سا تلی . د قوا نینو یوه برخه دبادا رانو له گټی څخه

په مستقیمه یا غیر مستقیمه تو گه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریی د بدن کوم خای خوږ کړی دهماغه مجازا- تو چی خارو دپاره په نظر کسی نیول شوی وه دجریمی په تادیه کو لو مکلف و . هغه وخت چی به یی دبل چا مریی ووژنی نا چاره و چی خاوند ته یی بل مریی ورکړی دیوه مریی کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرثیان یی په خپل واک سره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مرثیا نوسره بدلول اود میراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو د شتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مریی غلا کړی او یا به یی تبتیدلی مریی ته خای ورکړی حکم یی دمرگ و . هر مریی د خپل څښتن یوه ځانکړی نښه پر خپل بدن درلودل که کوم آزادسړی هغه . نښه ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرثیان دتولیدی وسا یلو څخه لاڅه کوی دپورو لومړنیو انسانو حقو قو څخه هم بی برخه و .

په دی ډول ، بادارانو به دتو- لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکشان او مرثیان هم پخپل شته کسی را- وستل چی دا دمریتوب نظام دتولیدی روا بطو له خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جگړی ، دمرثیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وگړی به یی دهمدی لاری مرثیان کول . دمریتوب په پیرو دولتو نو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وگړو او کاسبا نو دوری شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په بابلی کی هم دغی وضعی په یو لږ تو پیر سره وجود درلود چی خپلواکی وگړو په پیر ژر خپله آزادی د لاسه ورکول اود مرثیا نو په لښکر به گمیدل .

دبابلی آزاد وگړی پر داسی ډلو چی د مدنی حقو قو څخه به پوره برخه خور داره او داسی ډلی چی دحقو قو څخه به یی لږ برخه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . څه وخت چی دلو مری ډلی وغړ و ته به چا تاوان ورساوه دیوه گناه کارسړی په شانی به یی جزا لیدل . که چیری کوم مو سکینو ته به تاوان

ور سیدی ، مقصر به یی یوازی جریمه کړی که کوم موسکینو غلا کړی وای دلومړی ډلی د جریمه په پر تله به یی خو چنده جریمه تا دیه کول بیا چی کوم سړی مریی غلا کړی (چی دټولنی د اساس پر ضد یوجنا یت گنهل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کسی ونیسی حکم یی دمرگ و . هغه چی دپوره حقو قو څخه برخه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان د دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یاپښت وړ کړی او دومره څه پیدا کړی چی له مرگ په راوگرځی مجبوره وه چی د شتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ورکاوه په بدل کی به یی مالو ته ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی پوروی (معمولاد کورنی دغړو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مریی کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتی و . پر مرثیا نو بانندی دسو داگری نوی شکل منځ ته راغی او هغه به داسی و چی چا به خپل ښاریان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ورکول .

دمریتوب په دولت کی اشتراکی ټولنه :

څخه به لرغونی بابلی کی زیات شمیر آزاد وگړو دمرثیا نو سره په څنګ کی ژوند کاوه؟ دوی زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنی اشتراکی نظام ته یی منځ اړولی و . د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کرنی وړی او د سیندو نو دسیل له کبله خړو بی کیدی داو بو لگو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چیری مخکی او بو لگو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داو بو لگو لو سیستمونه لیدل اودکره نی درا ټیټیدو سبب کیدی څکه مرثیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کومه گټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی و چی د کلان خو ندی کول وړ ته گټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشتراکی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نورو

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلان غړی لکو لو دویا لواو کاریزو نوڅارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو نښو نوته زیا ته اړه درلود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحصول زیاته برخه با چا او سپاهیانوله لاسه کښل . د پاچانماینده گانو سملاسی داو بوشبکی او د کلان د غړو دما لیو او جریمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخه کول .

دلرغونی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو په استبداد ی مر- یتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی د کرنی داشترا کی ټولنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو منځ پر کمزور تیا شول . باچا په خپله پیری مخکی په واک کی لرلی او سمد لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو- لو سره پر خپل مالکیت زیا توالی را وستی . دسمی مخکو مرکز یست میندلی و اود دولت یوازی حکمران یعنی باچا اړه درلودل دجگړو دلاری به یی وړا ندی تک کاوه .

دآسیا یی او افریقا یی لرغونی دولتو نو تولیدی قوا وی :

دآسیا او افریقا لرغونی دولتو نو په پیدا یښت کی د تولید وړاندی تک دوام درلود . په کرنه دتولیدی او زارونو څخه گټه اخیستل په بابل کی رواج وموند کاسبا نو به هم او زارو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بتایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتی جوړ و نه ، ودانی جوړ و نی او نورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تک وکړی او په ټول هیواد کی خلک داو بد لو سره بلد شول . داو بدلو افقی څر خو نو خپل خای نسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو ته خوشی کړی دمسکرا نو په کرو کی دخر منی بنیو څخه اخیستل پیل شول . یوی بشپړه شول او بنیښه جوړول یو ځانکړی شغل سو او له دی نه ورو سته به یی څښتی هم په کرو کی پخولی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرثیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل او کراپ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، گمارل کیدل . لومړنی

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یو پیرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه ځانکړی میخا نیکی دستگانه اختراع شو .

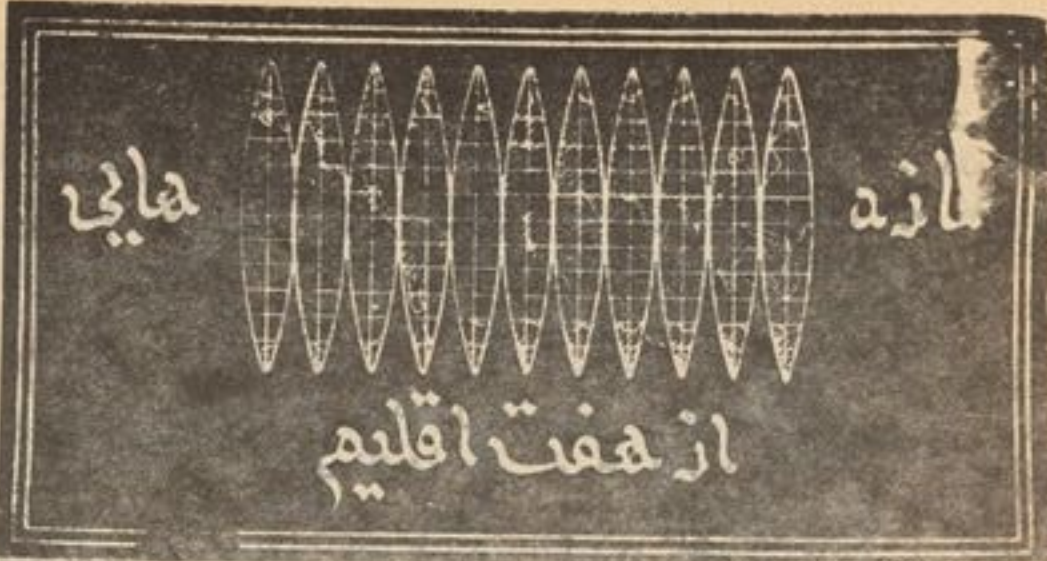
دآسیا او افریقا په او بو لگو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډنډ شوو او بو څخه گټه اخیستل تر مر یتوب تر وخته د لومړنی تکنا لوژی د وړاندی تک نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند بانندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بند ونه او وندو نه چی دپرو څخه جوړیدل دهما غه مهال د تکنا لوژی نښی وی . خومره چی سو دا گری دسیند له لاری وړاندی تک کاوه دبادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لښکری صنعت وړاندی تک وکړی او په جگړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارگ) څخه پیره گټه اخیستل کیدل . لښکری کښتی په وسلو بانندی مجهزی شوی .

دتجار تی مال (کالا) مبادله :

په لومړنی اشتراکی نظام کی د مبادلی وړاندی تک د ارزښت دیوه عمومی معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی ، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه گډ معیار په ټو گه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا نو په تدریج سره د ارزش د معیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زراو بیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دیوه بازار ښت گډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو گه او یو ځانکړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی برخه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او ورو سته پیسی دسیکی شکل غوره کړی .

دتجارت وړاندی تک دسو داگرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی گډون نه درلود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داگری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سودا گران له یو خای څخه وبل خای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دتولیز کار دریم ویش منځ ته راغی .

(نوریه)



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین پرومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش و جانکس و قهقور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی بیار آورده است. برای این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پنه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی وطرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تا زگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریوش را ثابت و حتی حیثیت وقایه وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیثت وسابسل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی انومرا در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها سو تومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قهقور ها وزخم و علاجیم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و قهقور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سراغ مریض مذکور می شناید از پترو تمام مریضانی که با اشعه ایکس و اشعه گاما تداوی گردیده اند ، موقتی بوده و فقط چند روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است . پس چه باید کرد ، باید مقدار اشعه هارا بالا برد ؟ در آنصورت با تخریب انساج سرطانی انساج سالم وجود نیز همزمان با آن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون ها و آیون ها قسمت های زخم را روشن میدارد عملیه های هستوی یعنی انرژی اقوم نیز بسوی انساج سرطانی شتافته و بر قهقور ها حمله میکند و از بزگی آنها لحظه به لحظه میکاهد .

در سال ۱۹۶۷ در یکی از استیتوت های طبی اروپا یک «اشعه پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن یک اشعه دیگر بنام اشعه پروتونی نوم کشف گردید و سومین اشعه پروتونی که نام «اشعه درمانی» نیز یاد میگردد به کمک فزیک اتومی در سال ۱۹۷۴ از طرف استیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکتونوع درمان دیگر امراض سرطانی تو سط اشعه های مخصوصه که در تولید همچو اشعه درمانی از کیمیا و فزیک علمی المویه استفاده بعمل آمده ، در جهت صحتیابی مبتلایان سرطان فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثرت امراض متعدد سرطانی ، مایه نازاحتی بشر میگردد لکن با آنها امیدواری های زیاد کنونی از طرف اکادمی های امراض سرطانی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گردیده است . از طرفی میتود های جدیدی که ، در اثر حرکت پروتون های سریع اقوم در جسم مریض عمل میکند ، نیز تدارک دیده شده است . اشعه های جدید که در نتیجه سه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیده علاوه اینکه امیدواری برای تداوی مبتلایان امراض سرطان می بخشد ، در شناخت نوعیت زخم ، موقعیت قهقور ها وزخم های سرطانی در وجود تاریخ پیدایش ، اندازه پیشرفت و رشد مرض ، خاصیت های فردی مریض را نیز بر ماسلا

میسازد ، ازینرو با نسلرداست مطالبی که گفته آمد ، اشعه جد ید درمانی برای امراض سرطانی در مجموع در راس همه تداویر دیگر حیایوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد ، البته این ادعایست که متخصصین امراض سرطانی مینمایند اما یک مطلب را نباید فراموش کرد که اشعه ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند و چه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین یک اشعه در مانی که در هر یک از علم کیمیا و فزیک تدارک دیده شده است . سرعت بختیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض از طریق کمپوتر های مخصوص برای اینکار عیار شده میتواند و پس . این اشعه ها در شناختن ها از طریق یک سیستم کانالی در اتاق ها تقسیم و بوسیله کمپوتر هر شاخه علیحدده فعالیت نموده و با نظرداشت خصایل فزیولوژیکی مریض ، به وجود مریض خاصتا در قسمت های که غدوات سرطانی فعالیت دارند ، در بر طرفی مرض و تقلیل در دوکاهش انرات

آن از سایر حصص وجود ، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تپدید - شونندگان امراض سرطانی سیمیناری بسوی بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیمینار ندگان سیمینار پسر امون تولید «بسته های پروتونی» تصمیماتی بعمل آوردند . در سیمینار که در مورد استفاده از انوم در دارو های کاملا مدرن ضد سرطانی بالشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکسوران ، متخصصین کیمیا و انجینیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ، اضلاع متحده ، سو ییدن و فرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گروه آیی و ملاقات دانشمندان بایکدیگر ، معرفت با فزیک اتومی ، تکنیک سرعت عمل در کلینیک های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های موثر متخصصین علوم کیمیا و فزیک و طبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکس و مدهش امریست انسانی و در خور ستایش ، که اینک مبتلایان سرطان امیدواری به آینده ، آینده که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم فزیکدان هم هنر همیشه

شام ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار به وبالا میدوند . آواز گیتارش شور و شغف خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکست باور کردن این مطلب . مذکور صبح ناشام چه مشکست و خستگی هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل شده است منظور ما (زرگی - نیگین) یکتن از فزیکدانان وارد و جیره - دست است ، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته و مطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قلبی در فلم کمیدی (جهنم سر نوشت) آواز خواند که کمپوزشر آن از (میکائیل تاری فردی) بود . این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوطه به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود و آواز خود در رادیو ، تلویزیون و تالار ها ظنین می اندازد با آنها پیروزی او قان حد است ، که از محصلان گرفته تا جوبولوجست و کارگران معدن ، آهنگسپایش را منحیت آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بساز نماید ، یک فزیکدان بوده است که در مکتب ، اود فزیک بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد ، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گواری کشورش میداند چه در پرتو همین شرایط مساعد بود که زرگی در مسابقات تلویزیونی (هلو ، ما - استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفانتر میسازیم) یک پیروزی غیرمنتظره در برابر او

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگین» کتون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها و کمپوز های او رزمی ، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار و آهنگ های وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگردد وی



زرگی نیگین با گیتارش در حال هنرنمایی

دوگرم وزن داشت پس از چند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ و سنگین میگردد . بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سماری را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۰۸۰ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه آن ۲۲ سانتی متر اندازه شد . یک شاخه دیگر از نوع سماری سنگی بنام سماری ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند . سماری های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میباشند باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سماری ها



این هم از جمله سماری های شفا بخش است

داشته و زیاد جالب میباشد ، سماری های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده ، در روز سوم و چهارم چیدن از خوردن می افتد . «سماری شگوفه یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سماری ها بسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید،

حصه قطع شده کبود نمیشود . یکنوع دیگر که بانوع سماری «شگوفه یی» شباهت نزدیک دارد، برگهای نازک سبزه کنارش می روید و به اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه دفعتاً

چنان نفو میکند که هر دانه آنرا بشکل میتوان در یک سبد گنجانید . سماری عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا عباره ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته یی میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشود، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب

نیست . باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان غوش ، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل سمت دیگر مرتبط میساخت . گرچه گرمک، خرمس و خوگ جنگلی آنجا زیاد بود ، با وصف آن برای تماشا و ملاحظه سماری های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوقزده شده بسو دم

در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام میزدم بایک نوع سماری دیگر برخورددم ، سماری که غیر از سماری سنگی ، ناکی مسکه داورویگی که بیش از دو کیلو گرام وزن داشت این نوع سماری نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده ، میتوان آنرا سماری شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سماری در شفا بخشیدن بیماری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند . سماری بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن . من که سماری های فراوان را با انواع آن بلد بودم، کنجکاوای من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد . بسو جب آخرین تحقیقات در مورد چگونگی ، مزه ، مواد و مقدار نوع، سماری را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سماری را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست، تقریباً دوسد نوع آن . در حالیکه از جمله این دوسد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارایی باشد در تشخیص سماری های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سماری ها دارای تلایم خاص و مشخص میباشند . یکنوع سماری که بنام «سماری سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سماری های طرف استفاده، بحساب می آید . بعلاوه بهترین نوع سماری هاراکه بایستی چید بعلاوه سماری سنگی .



از نوع سماری های بال دار

سماری های نوع محرك، سماری سرخ و سماری مسکه دار نیز دارای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سماری ها میباشد .

همچنان نوع دیگر از سماری ها ، بنام «سماری بالدار» نیز در قطار سماری های مفید می آید . محقق مذکور میگوید : حین چیدن سماری ، یکی از دوستانم که بصورت خودش تمامی انواع سماری ها را میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تا چشم کار میکرد سماری بود بدینیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سماری ها را از جمله آنهمه سماری ها بردارم و بس . دوستم در

مورد شناخت سماری ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سماری اگر دارای چگونه کلاهک باشد و چگونه روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آکین و مسموم کننده میباشد . من در اواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سماری برخورددم که بسان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی بردم که حتماً سماری سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند . این نوع سماری که در ابتداء یعنی لحظه سر زدن فقط



هنریشه جوان در یکی از لابراتوارهای فزیک .

میخواهد هر کجایی رنج دیده و مستعدیده است بایست به کمک او شتافت ، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، او که از طبیعت الهام میگیرد ، برخوردار از یک جهان بینی کامل بوده و بیشتر از اشعار یفگیینی یفشکو ، میخائیل زفتلوف ، زفتلوف، یونانوریس، جوزف اوتکین و ایلینا ایرنیورگ خوشش می آید . وی طرفدار آست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد . او با این نظریه جوامعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تلذیر نیز بصراحت چشم میخورد . او که مرد مریض و شوخی و وسایل خوشی می آفریند .

است زیاد دوست دارد اکثر اوقاتش را با طرفداران هنرش بگذراند . گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که او صدای نا شنجاری دارد همراهش هم عقیده نیستند . در همین تازگی ها این فزیکدان صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید فوت در آورد . کتسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد . او میخواست به کمک علم فزیک احساسات علاقمندان هنرش را سرعش گردانیده ، تحریک بدارد . از نگاه او فزیک و فزیک دو علمی اند که هر دو به انسان

بموجب تحقیقات گسترده یی بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد

بموجب تحقیقات گسترده یی، بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد .

اینکه سماری چگونه خوراکی است و چه مفاد و مضاری در خود نهفته دارد در زمینه ، یکی از آنانیکه بخوردن سماری میل فراوان دارد با ارتباط بموضوع فوق یکی از جمع کننده های سماری ها، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدهدکده پدری رفتم، شفق تازه دمیده بود و من با سبزی راهی جنگل

شدم تا سماری جمع کرده باشم ، تا جنگل دو کیلو متر راه بود ، راهی را که من پیش گرفته بودم، راه یک مزرعه بود که به یک باطلاق کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر ، گویسی کله باوسبزه های گوناگون فرش شده بودند که استنشام آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سماری در حالیکه بشکلا رنیز می اندیشیدم بیاد گرفته های سماری شفا بخش



سماری شفا بخش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

ترجمه از احمد شاه

ریکار دبو دو باش در فضای کیهانی

همه چیزها ما نند همیشه بود مانند چندین پروازهای کیهانی گذشته و در ضمن همه چیزها غیر عادی بود. هنوز دو کیهان نورد اتحاد شوروی و آمریکا - دیوید لیباخوف و والری ریو میس در زمین بودند اطلاع یافتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میروند. قبل از اینها ریکاردو مدامت پرواز در فضای کیهانی یکصد و چهل شبانه روز بود. در شام بیست و پنج فبروری سال جاری سفینه فضا (سیوز-سیودو) با دو کیهان نوردان لیباخوف و ریو مین به مدار پر آمد. هنوز قبل از عزیمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گردیده بود که در استیشن تحقیقاتی (سالتوشن) یعنی در جاییکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادامه می دادند یکصد و نفا یص جدی موجود است. سر نوشت کارهای تحقیقاتی دو کیهان نورد و استیشن «سالتوشن» مربوط به موفقیت کیهان نوردان متذکره در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود. این دو کیهان نورد باید یکی از مخزنهای محروقاتی دستگاه موتور استیشن را متوقف می ساختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می ساختند.

لیباخوف و ریو مین این وظیفه را به بنیامین مو ففانه به پایان رسانیدند. هفته اول ماندن در وازهای سابق کیهان نوردان روزهای سخت را سپری کردند زیرا ازود ترخسته میشدند و احساس درد های شدید میکردند ضرور بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کارها بطور عجیبی پیش می رفت. در اکثران در دستگاه رهبری زمین از این نکته به تعجب شدند و وقتیکه در روز سوم پرواز لیباخوف و ریو مین پیشنهاد کردند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ورزشی گنجانیده شود قبل از اینها این نوع پیشنهادات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخابره می شد. ماه اول پرواز را در تر میس استیشن سپری کردند. کیهان نوردان سیستم اثر ژئیک استیشن آلات را غرض از قباط را دیو بی و تلویزیونی، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کردند حتی ششها و نیز سر از نو ساختند. قبل از پرواز لیباخوف و ریو مین استیشن (سالتوشن) یکتیم سال به کار خود ادامه داده بود، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند. بعد از پرواز لیباخوف و ریو

یومین استیشن «سالتوشن» در طول شش ماه سه سفینه با ربریک سفینه بیدون پیلوت (سیوز-سی وچهار) رانیز پذیرفت از بیابان و باد رنگ که در سفینه کاشته بودند استفاده میکردند اگر چه در سفینه همه چیزها خوبتر نمی روئید مگر با هم در وقت صرف طعام تا انداز از آن استفا ده میکردند. لیباخوف و ریو مین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت داشتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارائه میکردند. در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تلویزیونی در زمین در تلویزیون ظاهر شد. درین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظیر به یک سلسله علل تخنیکی برقرار نکرده بود.

از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ارتباط مخابرایی بگیرند بلکه باید آنها را ببینند. درین مدت دستگاه رهبری زمین توانست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی و اشکالی به آنها برساند این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود و از طرف دیگر ارتباط مداوم را بین زمین و فضا آسانتر ساخت. هنوز یکتیم ماه را در فضا سپری نکرده بودند که به استقبال مهمانان باید آمد. سفینه فضایی سیوز سی و سه به رهبری فضا نورد یومین استیشن «سالتوشن» در طول شش ماه به فضا نوردان رسید. تمام کارها مو ففانه صورت نمی گرفتند زیرا نظر به علل سیوز سی و سه نتوانست به سالتوشن ملحق شود و دو باره بزمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجاری را که سیوز سی و سه باید انجام میدادید و شش لیباخوف و ریو مین اقتصاد تعداد تجاری به حدی رسید که حتی محاسبه آنها مشکل است. این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکس برداری میکردند زیرا امروز بدون نقشه برداری کیهانی جیو لو جست ها، کارکنان زراعت، طراحان ساختن نهایی بز رنگ ها ویدو تخنیکی کارهای خود را بطور مو ففانه پیش برده نمیتوانند. نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود. در طول مدت اقامت خود کیهان نوردان به مایعی گیران، کشتی رانان کمک های بسیار جانیه میکردند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند. برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس برداری ذخایر طبیعی زمین کیهان نوردان از کمره عکاسی استفاده می کردند که قبلا در استیشن سالتوشن موجود بود و توسط سطل های بلغاری یا طرح ریزی شده بود. لیباخوف و ریو مین درین پرواز در عرض استیشن برای اولین مرتبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که

بقیه در صفحه ۶۷



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند

اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید
مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت
سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین
حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از
چپان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود
اختیار نموده است چنانچه طوفان که درسال

۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست
منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۰۰ تنها در شهر نیویارک
ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده
واضافه از هفتصد میلیون دلار خساره مالی در
بیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما
طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع
پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را
به قتل رسانیده ودر حدود سه بلیون دلار
خساره مالی وارد نمود .

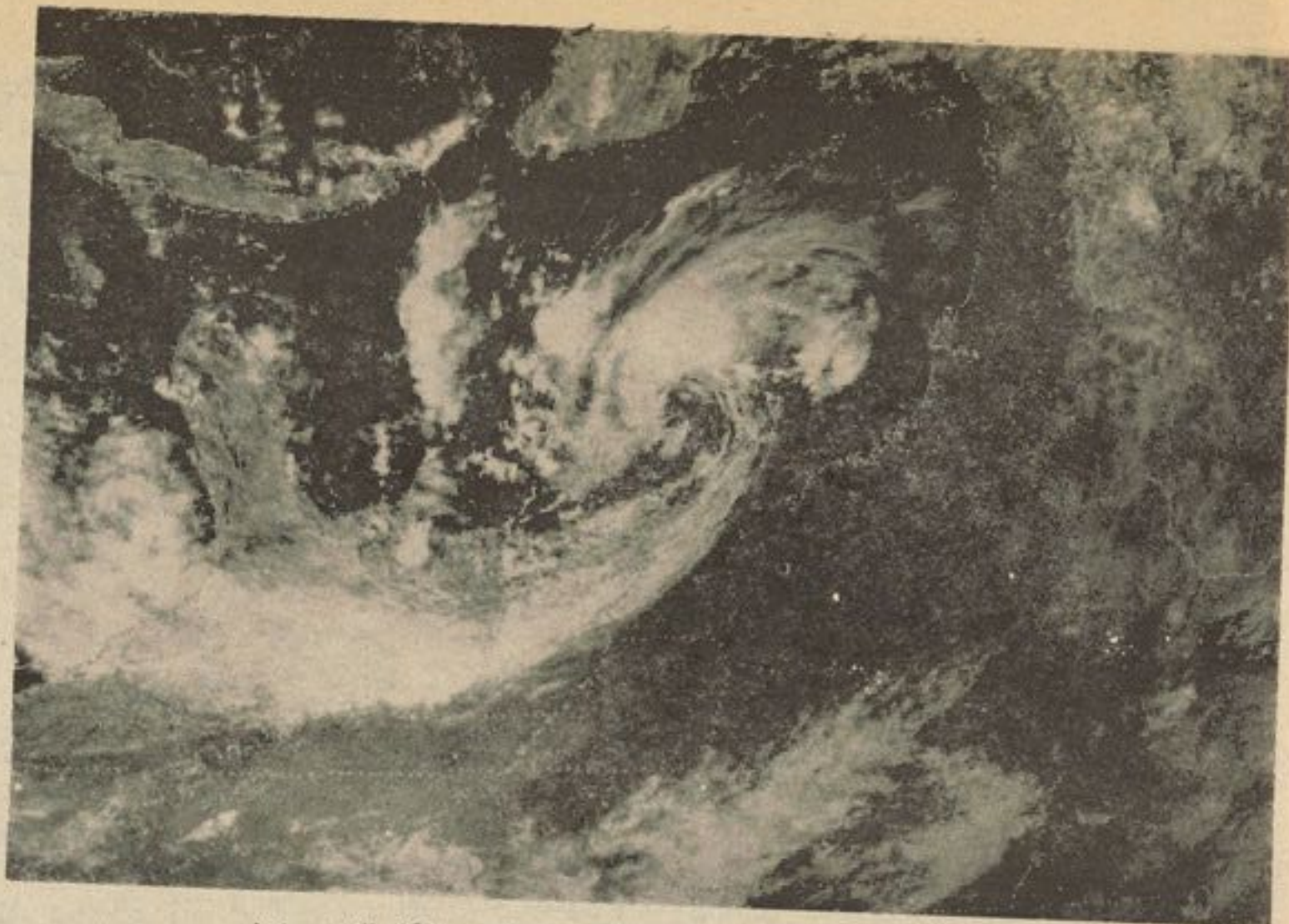
حوادث سال ۱۳۰۷ در کشور افغانستان
که بارندگی های شدید را در قبال داشت در
اکثر ولایات ضربات کوبنده ومدش را به
دببال داشت که کمتر نظیر آن را می توان
در چندین دهه های گذشته جستجو نمود

درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکم مرگ
کشیده شد ودر حدود ۷۱۲۰۰ فامیل به مشکل
بی سر پناهی وآواره گی مبتلا شدند .

نظریه احصائیه وارقام که در دست است
گفته میشود که این طوفان مدش در حدود
۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا ازین برد و
خسارات مالی وجانی نیز با آن همراه بوده
که در حدود (۱۷۳۲۴۷۶۲۲۰) افغانی مجموعا
خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده
است که بخوبی وبه آسانی میتواند وقوع
چنین حوادث ناگوار وتباه کن را پیش بینی
نموده وآلات ووسایل دقیق تخنیک که قدرت
پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در بدترین
شرایط دارد بواسطه زحمات وتلاش های
خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و
میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها
تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و
خطر ناک که در گذشته شمرده می شد به
بقیه در صفحه ۴۹



چند وند اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها وحين حالات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ج. آمنگر

چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشد

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود
واحضای شان ایجاد نمایند .

بعضی از طوفان ها که در قسمت های

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود
واحضای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان ومتخصصین اقلیم شناسی
توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها
و غیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام
سایکلون ها - هریکن وغیره یاد میشود
پیش بینی نموده واز وقوع آن قبالا اطلاعات
لازمرا در اختیار جامعه بشری قرار بدهد
تا به اساس آن بتواند قبالا در جساهای
مصون بود وباشد اختیار نمایند و مواضع
ومحل را که در آینده مورد حملات وتهدید
طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا
از اعمار منازل رهاش در آنجا خود داری
واجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث
است که خسارات مالی وجانی را به جامعه
بشری بوجود میاورد سرعت طوفان وگردباد
ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود
۷۴ میل فرساعت وزیاد تر از آن است وهم

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس
زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار
مشکلات وتکالیف زیاد بودند واین تکالیف
زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های
مدشس وسایر آفات طبیعی وسماوی بود، در
آن زمان که سطح زندگی نازل بوده وهمین
محدودیت های محیطی وجغرافیای در تعیین
شعور وافکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا
هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهنا ووسعت
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار
اجتماعی نیز همای آن رشد وتکامل می نماید .
روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها

با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی
افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و
نمی توانستند علل وموجبات ایجاد وبیدایش
طوفانها گرد بادها ، رعد وبرق وغیره را در
یابند بنا برین از وجود آن ترس وهراس
داشتند وبرای جلو گیری از آن دست به
تصرع ، توبه واستغفار میزدند تا به این طریق
توانستند باشند نیرو های مدشس وخطر ناک
را که به اساس قانونمندی های درونسی
علی پدیده ها وقوع آن جبری وناگزیر بوده
مطیع وآرام سازند همین نیرو های مسادی
ونرسی از آنها بوده که بعد ها با گذشت



مهاجرین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهسی کشید و چشمها نشی را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، ازلا بلای ستاره ها بیکه طور عجیب رنگت شده و از بین شاخ و پر کها بیکه به نمونه غریبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا پید. در دا حل اطاق: اشعه خورشید ما نند برف سفید می در خشید. انعکاس شعاع آفتاب از دست شو یی بر دیوار در حال لرزه بنظر می خورد. با کشودن چشمها نشی بیاد وی آمد که شام گذشته (پکون نجسار) برا یش گفته بود:

«حالا من رنگش خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت و وقتیکه صبح از خواب بر خاستی می توانی روی آن بالا شوی و بر وی.»

شام گذشته پکون با ساس خوا هس جدی نیکیتا يك تخته برفی برا یش سا خته بود، تخته چنین سا خته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای تراش کردن پهلوی میز کار نجار در گاراج ایستاده بود دو تخته و چار پایه تراشید، کنار های عمده تخته پائینی طموری اوریب تراشیده شد بود که در برف فرو نرود، پایه ها نهایت نازک سا خته شده بود، در تخته با لایی دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود داشت تارا ننده خود را محکم کرده بتواند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شده و آب بر آن ریخته می شد و در بیرون در هرای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بزند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی يك ریسمان نصب شده بود تا تخته برفی توسط آن کشش شود و در حال را نندن سمت حرکت آن در اختیار راننده قرار گیرد.

تخته برفی با ید حالا آماده و نزدیک در استاده باشه «پکون چنین يك آدمی بود، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلام با اندازه قانن راسخ خوا هد بود و انرا انجام خواهم داد.» نیکیتادر کنار بسترش نشسته و گوش داد، خانه خاموش بود هیچکس هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یش را در ظرف یکدقیقه می توانست بپوشد بدون اینکه رویش را بشوید و دندانها یش را بر سس کند، قادر خوا هد بود از دروازه عقبی بسه

حویلی دا خل شود و از حویلی تا دریا، جائیکه توده های برف در کنار نشیب انباشته شده بود يك سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بسترش برخاست و با نوك پنجه هایش در چار گوشه خانه که آفتاب آنرا گرم کرده بود حرکت کرد. در همین هنگام در باز شد و يك کله با عینک، ابرو های سرخ و بر جسته و ریش سرخ تیز نمایان گشت. کله چشمک زد و گفت:

«تو دزد کوچک، از خواب برخاستی»
ارکادی - ایوانو و یچ
آدمیکه ریش سرخ داشت معلم خصوصی نیکیتا بود - ارکادی ایوانو یچ از شام گذشته در تجسس بود و صبحگاهان عمدا وقت

حتی گردنش بشوید. بعد از این ارکادی ایوانو یچ از شما سه ها پیش گرفته او را بطرف اطاق نان به ما ر شپرد، ما در ش که لباس خاکی پشمی بر تن داشت کنار سما وار نشسته بود در حالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشس گرفته بود با چشمان روشن و درخشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او به ارکادی ایوانو یچ دست دراز کرد.

«خواب خودت چطور بود؟ ارکادی ایوانو یچ؟» او با دلجو یی بر سید: بروت های سرخس خندیده پهلوی میز نشسته به چایش شیر ریخت، پارچه قندی را در دست

در عوض اینکه ترجمه آلمانی اش را تکمیل کند برای دو ساعت پهلوی میز پکون نشسته و وقتش را تلف کرد.
ارکادی ایوانو یچ هیچگاه شکایت نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود. ما در ش در وقت ناشتا گفت که شب هنگام سرهای بسیار شده بود و مجرای بیلر آب را یخ زده بود و وقتیکه نیکیتا میخواهد بیرون برود با ید روپوش عسکری اش را بر تن کند اما نیکیتا گفت: «صافا دقانه می گویم که بسیار گرمی است.»

«لطفا روپوش را بر تن کن.» این سخن را ما در ش بر زبان آورد.

«این روپوش رخسارم را فشار میدهد و مرا خفک میکند. مادر! این روپوش مرا بریزش گرفتار میسازد.»
مادر به ارکادی ایوانو یچ و نیکیتا دید و وقتیکه گپ می زد آوازش لرزان بود.

«تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم بکه می مانی.»
ارکادی ایوانو یچ گفت: «بیا که بدرس های خود شروع کنیم.» دست هایش را طوری می مالید که گوپی خوشی بزرگتری از حل مسائل ریاضی دکنه کردن ضرب المثل ها و یا سخنانی که آدم را بخواب ببرد (خسته کن - مترجم) وجود ندارد.

نیکیتا در اطاق سفید بزرگ بیکار که نقشه دو نصف کره در دیوارش آویخته بود پهلوی يك میز که باداغ های رنگ و تصویرهای عریان پوش شده بود نشسته و ارکادی ایوانو یچ کتاب ریاضی را کشود.

«تا کجا خوانده ایم؟» با تندی گفت. بایک پنسل نوك تیز برا بلم درسی را نشان داد.
«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و ۶۴ کو پک و یک اندازه تکه سیار را.» بخوان نیکیتا. همزمان بان، طور معمول، اورا جع تاجر کتاب ریاضی اش تصور می کرد. او در یک بالا پوش گرد آلود دراز در نظرش می آمد که رنگت پریده و تر شرو بود - يك مرد سنگین، مدور و خاموش، دو کان

هدا به پسر نیکیتا الکسی
ایویچ تو لستوی با عشق عمیق
موتف

الکسی تو لستوی

طفولیت نیکیتا

يك

صبح

آفتابی

مترجم: دکتر خدایداد بشرمل

گرفته میان دندانهای سفیدش قرار داد و از پشت عینک ها یش به طرف نیکیتا چشمک زد.

طور ساده اگر گفته شود ارکادی ایوانو یچ غیر قابل تحمل بود: او همیشه سرخوش بود، پیوسته چشمک میزد، هیچگاه چیزی را روشن نمیگفت بلکه همواره جملات مرموزی استعمال میکرد و شخص را به تشویش میگذاشت طور مثال وقتیکه مادر بسیار ساده پرسید که خوابش چطور بود؟ او جواب داد: «اگر منظور خواب باشد، بد نبود، خوب خوابیدم» از همین جمله باید فهمید ه شود اما نیکیتا می خواست از ناشتا بگریزد و بسه در یا گوش دهد. دیروز نیکیتا

تراز خواب برخاست، ارکادی ایوانو یچ يك آدم عوشیاری و زیرک بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی داری در چهره اش نمایان شد و به طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد و وقتیکه یخ آن آب و آئینه صاف شد عینک ها یش را مرتب نموده از کلکین بطرف حویلی نگاه کرد.

«در آنجا نزد يك در،» او گفت: «يك تخته بر فی مقبولی استاده، نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی تر شرویی کرد. او مجبور شد لباس سس ببو شد، دندانها یش را پاک کند و روپوش را با گوشها یش و

نگاهی به اوضاع...

بین المللی راه زانو در آورد
 ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :
 امپریالیزم و انحصارات ممالک پیشرفته
 کابینالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع
 سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ
 اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک
 و تکمیل داشتن آنها در مدار کابینالیستی، دولت
 تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال
 خود قرار داده است . ولی در سالهای اخیر
 در اثر تعقیب و توسعه مبارزه سازمان آزادی-
 بخش فلسطین امپریالیزم برای کشتادن ممالک
 عربی در پروسه ضد فلسطین و ضد حل عادلانه
 معضله شرقمیانه مساعی زیادی بعمل آوردند.
 ارتجاع عرب در قلم نخستین رژیم سادات
 بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، تلافی
 خاص برای جلب کمک ها و مساعدت های
 نظامی و اقتصادی امپریالیزم از خود نشان داد.
 و در های اقتصادی خود را بی مهابا بر روی
 جیولگران استعماری گشود . ارتجاع عرب
 بازویند های که با امپریالیزم داشتند به
 نحو از آنها از مساعی برای حل عادلانه داعیه
 فلسطین و برایم های منطقه شرقمیانه سرباز
 زدند . و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار
 گرفت . ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی
 و روحه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه
 می ورزند . و اغلبا از کمک های مالی با آنها
 ایامی ورزند .
 ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار
 اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات-
 الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند.
 این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات
 ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشای نموده
 بود . بعد ازین تاریخ رژیم سادات همواره
 تقاضای کمک های نظامی و اقتصادی اسارت بار
 را از ممالک غربی و امپریالیستی می نماید .
 چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا و آسیای
 امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست
 ملیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است .
 جاکر متشی رژیم سادات در استان
 امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل بحدی ارتقا
 نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی
 منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقمیانه و حتی
 قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای
 مصری در پیش از ده کشور افریقایی مداخله
 نظامی می نمایند . رژیم سادات همچنان برای
 تشویق ممالک دیگر عربی در سازش های
 جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد .
 در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر
 میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد
 افزایش نموده است .
 وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و
 بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جا معه
 مصری باشد .

در نهمین مجمع عمومی موسسه ملل
 متحد که در بیست و دوم نومبر سال (۱۹۷۴)
 صورت گرفت . احترام به حق تعیین سرنوشت
 خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی
 ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد .
 فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین
 بزرگتری موفقیت بین المللی سازمان رهایی
 بخش فلسطین بشمار می رود .
 بعد ازین تاریخ پرستیژ بین المللی
 سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور
 روزافزونی به سطح عالی روبه فزونی نهاد .
 همچنان یک کمیته بررسی نامین حقوق مسلم
 خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد
 تاسیس گردید .
 سهم گیری نمایندگان موسسه آزادی
 فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد
 وارگان های آن اکنون به معیار قبول و
 پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده
 است . نمایندگی های این سازمان در بیش
 از صد کشور جهان تاسیس گردیده است .
 ستراتیژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال
 مناطق عربی ، لبنان، سوریه و حتی تمام
 شبه جزیره عرب رادر بر دارد . چنانچه
 اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد
 شوم خود ، اوضاع رادر جنوب لبنان فوق العاده
 وخیم ساخته است . و این کشور را به کمک
 ارتجاع سیاه لبنان و تجزیه طلبان این کشور
 به کانون جنگ و تبرد قوای متخاصم تبدیل
 نموده است . قوای بحری هوایی و زمینی
 اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری
 مجهز می باشد همواره به کمپ های مهاجرین
 فلسطین و قصبان جنوب لبنان کلوله باری می نمایند
 صهیونیزم اسرائیل همچنان خیال واهی
 نابودی ، نهبست مقاومت فلسطین را که
 نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد
 صهیونیستی در منطقه شرقمیانه استنداشت
 می شود نیز در سر دارد . درین مورد بیگن
 اظهار نموده است «که در اسرائیل ، جنبش
 مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین،
 در هوا، ویا اقیانوس ازین می برد» این گفته
 بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجاع
 بین المللی امید یی بیاورند . ولی در واقع
 این گفته شکست و نابودی ارتجاع حا که
 اسرائیل را باز گو می کند . ایجاد حکومت
 اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز از نقشه
 شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگری
 نیست .
 رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهرا با در
 دست داشتن آبار خانه های سلاح فراوانی که
 امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در
 اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر
 می رسد . ولی در حقیقت پایه های عینی این
 رژیم بحد کافی بی ثبات و لرزان می باشد .
 امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق
 های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد
 شد . همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیزم

مرتب نمود .
 «ام - ام» تمام حیوانات روی
 زمین مطیع و ساعی اند چرا
 خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمنا
 حالا تفریح کو تا می خوا میم
 داشت . ارکادی ایوا نوویچ در
 حالیکه لبهایش را روی هم فشار
 می داد، انگشت وسطی دستش را
 که ما نند پتسل معلوم می شد
 بحرکت داده و از اطاق در سسی
 خارج شده، در را هرو با ما می
 صحبت کرد :
 «الکساندرا ایوا نیتیفنا، آیا
 نامه دارم؟»
 نیکیتیا حدس زد که او - از که
 انتظار نامه را داشت - اما فرصت
 زیاد نبود - نیکیتیا یک جا کت
 کوتا پو ست گو سفندی را بر تن
 کرد، بوت های نمدی و کلاهش را
 پوشید، و روی او را پوشانید
 المازی انداخت تا از نظر پنهان
 شود و بطرف دالان دوید ..
توده برف ..
 حویلی پهناور از برف نرم
 و سفید و براق پوشیده بود و جای
 پای های عمیق آبی رنگ انسان ها
 ورد پله های متعدد سک ها در آن
 مشا عده می شد - هوا تند و بسیار
 سرد بود . بینی اش را غلفلک می داد
 و خسارش را مانند سوزن نیش
 می زد - گاراج، چتری ها و طوپله
 و کلاه های سفید سنگینی پوشیده
 بودند و به زمین نزدیک معلوم می
 شدند که گوا نی از میان برف
 رو نیده اند - رد پا ها نیکه
 از راندن قایق های برقی ما نده
 بود مانند دو تریسه شیشه بامتداد
 تمام حیاط بنظر می رسید -
 نیکیتیا از دالان از راه زینه ها نیکه
 آواز می کردند پائین شد - درپائین
 یک تخته برقی کاملا نو از چوب
 کاج ایستاده بود و یک حلقه ریسمانی
 که از الیاف نیابتی ساخته
 شده هم بالای ایش قرار داشت .
 نیکیتیا بطرف آن دید، محکم ساخته
 شده بود، آن را امتحان کرد تا با
 سانی فلغزد - تخته برقی را بالای
 شانه انداخت ، بیل را هم که
 فکر می کرد بدرش می خورد با
 خود گرفت و بتمام طول باغ تا
 نزدیک بند دوید . در آنجا درختان
 بزرگ بید ایستاده بودند همه
 شبم یخ زده پوشیده شده بودند
 و ساخته های شان طوری معلوم
 شد که از برف ساخته شده باشد .
 ناتمام

مانند یک معازه تاریک بود، بالای
 یک اطاق هموار غبار آلود دو پا رچه
 تکه گذاشته شده بود - تاجر دستش
 رادر راز کرده، تکه هارا از اطاق
 برداشت و با نگاه آرام بطرف
 نیکیتیا دید .
 خوب نیکیتیا، چرا اینقدر فکر
 میکنی؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید:
 بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه
 فروخت. چند متر تکه آبی و چند
 متر تکه سیاه فروخته خوا هد بود؟
 نیکیتیا عصبانی شد، تا جگر
 ساکت و دو پا رچه تکه در دیوار
 ناپدید و در گرد و غبار بالای هم
 انباشته شد ... ارکادی ایوانوویچ
 گفت - ای - ای - ای . و به توضیح
 پرداخت، اعدادی را با پتسل به
 سرعت نوشت ضرب و تقسیم کرد
 و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»،
 «ده بردو» - به نیکیتیا چنین معلوم
 می شد که در جریان ضرب این
 «ده بریک»، یا (ده بردو) از کاغذ
 به کله او مغزش را تکان
 داد طوری که دیگر فراموشش
 نخواهد کرد و یک احساس بسیار
 ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتاب
 بیکه بردو کلکین در سخا نه که
 توسط یخ با هم وصل شده بودند
 تابید - همیشه او را صدا می زد:
 «بیا بدریا»، بالا خزه درس ریاضی
 به پایان رسید و املا شروع شد -
 ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار
 بالا و پائین قدم می زد بایک آواز
 مخصوص خواب آلود، آوازی که
 هیچکس برای سخن زدن بکار نمی
 بردند املا گفتن پرداخت -
 تمام حیوانات روی زمین دایم
 در مشقت هستند و کار می کنند -
 شاگرد مطیع و ساعی است ...
 نیکیتیا در حالیکه نوک زبانش را
 بیرون آورده بود به نوشتن آغاز
 کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد
 و ترشح کرد .
 ناگهان آواز بستن دروازه بلند
 شد و او صدای تماس بوت ها را با
 ریخ می توانست از راهرو بشنود -
 ارکاد ایوانوویچ کتبا یش را پائین
 آورد کرد و گوش داد، آواز خوشی
 می از نزدیکی هاشنیده می شد ...
 - پوسته را آوردی؟
 نیکیتیا سرش را بطرف کتاب
 تمرینش فرو برد، و خند اش
 را خفه می ساخت. او به آواز
 یکنواخت تکرار می کرد. «ساعی
 و مطیع» «ساعی را نوشته ام»
 ارکادی ایوانوویچ عینکها یش را

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را عمل امیرالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و اکناف در شهر ها و دهات افغانستان مکدر شده در کلبه های زحمتکش و بیچاره گان آوای (غم) و اندوه - نجوا و بیقراری طنین داشت - در فابریکه ها و کستزارها کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکش و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تغیر - تعقیب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابتی حرمتی به باستیل بلچرخگی کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت در دردیفکسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی بی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع شد و خوشبختانه عده ای از زحمتکش و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشک نومییدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه بلچرخگی هر که را میبردند دیگر هیچ امید بی زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز کاران بنام (نام گیرگ) یاد می شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد *

نجات از جنگال

دژ خیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلاخان ناپود می شدند . در چنان روزگار غم آلود که گمانتگان امیرالیزم (بالد فاشیستی امین) مذبح خانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند تور را از سیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه ، آنهمه رنج و محنت ، آنهمه نجوا و فریاد های کودکان ، زنان ، مادران پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زحمتکش بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مغز سردار ستم را چنان پاشان ساخت که امروز خنجره امیرالیزم در مرگش نوحه سرایی دارد *

همی انداختند زنده بگور نموده ، تیل داغ ، واسکت بریدن و نشتر زدن چشم ها و غیره ظلم ها و اعمال ضد کرامت انسانی را روا می داشتند . امیرحافظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز ادره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بود و گمانته های امین هم همین باند آن ددصفتانی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون مرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپای کردند آن ددصفتان آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل مذکوره را تلاشی میکردند و اجناس قیمتی

و با ارزش آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی ، بشکل وحشیانه با دست و چشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندواین همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا ببرد که آن بیچاره رابه کجا میرند ، و گناش چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رایک باند سیاه وحشی تنگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگریایی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته های پشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختانند ، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متمادی توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پررویی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی و ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد .

گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه مانساخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوشان لفاظی و پررویی این فاشل عزاران و وطنپرست را تانید و برایش کف می زدند و بس : چه روشنفکران انقلابی ما آگاهانه و برویت استاد و مدارک میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امیرالیزم است و این وفاداریه امیرالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش ببرد و حتی در مراکز امیرالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . و این مستدریاست به کسانی داده می شد که او عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست با محافل امیرالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام فریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او یک فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زدوبندش را با محافل امیرالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته ها روی سخن نیست بلکه حقایقی است که دامهای قلوب هر هموطن مادفتری از بس رویدادها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان و وطنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران و با خاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین و وطنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند فبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در ناپودی این باند جنایتکار خوش نمده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانندیده باشند .

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و آدمکشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی رانها ، کپنه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاحا ، روحانیون محصلین و متعلمین را مورد تعقیب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالاخره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها را با تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرسانند .

رو به پرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت یک نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عقده بر دانش داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش اوالی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چپاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر یک از هموطنان ما بخصوص در سمت شمال چون لاله های صحرا داغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خانم و مادر و پدر شان را در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چان آن با پرتاب بم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور که هر وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نمی بود بدستور شخص والا حضرت عبدالله امین دستهای زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای اموو به دریای کوچک پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضوای ستم باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یک واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افسراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از آنحاء مورد ضرب و آزار باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم ما بود دچار شدند .

افتخار به مردم و وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون پرگاهی نابود ساختند .



مطالبت و اطلاعات را در خود جایز
از آن استفاده بکنند که برای همه
افراد يك نسل قبل دشوار زمی
نمود. سنگینی در مغز و حافظه یکی
از زیاد تا را حتی های عصر ما
است و در سرا سر جهان میلیونها
نفر از سنگینی بارفکری و خستگی
های روحی و دماغی رنج میبرند
آنچنان که در بالا گفته آمد خطر
اتی که در کمین مغز انسان خوابنده
اند سخت نگران کننده اند. بنسب
مغز انسان برای اینکه خود را با
شرایط نو تطبیق دهد تحت فشار
قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه
های نو جراحی روانی نیز ممکنست
بهترین یا بدترین شیوه باشد. بهر
حال نگران کننده اند.

مغز انسان به ما نند يك خـسـازن
بر قی است با ده میلیارد سلول که
مهم ترین عضو بدن است پروفیسور
سر جان الیکلز دانشمند آسترلیایی
و برنده جایزه نوبل می گوید:
اگر قشر خارج مغز گسترده شود
صفحه ی بدن می آید با طول
پنجاه سانتی متر، سه ملی متر
ضخامت سلول عصبی نشینگاه
همه تجربات در سرا سر طول
زندگی هستند با احساسات عوا
طف، ادراکات خاطرات و عکس العمل
های ما، اندیشه های ما همه و همه
از همین ده میلیارد سلول سرچشمه
می گیرند در جهان هیچ پدیده

وجود ندارد که پیچیده تر از قشر
خارج مغز باشد در زبان علمی
این سلول ها را نیورون گویند
هر نیورون میتواند با سلول های
همجوار خود پنجاه هزار را بطه برقی

مندی انسان به فرد مقابلش نیز
افزایش می یابد. در عین حال
انسان امروزی محکوم به سرخوردگی
دگی و تصادمات روزمره عاطفی اند.
زیرا در طول دوره زندگی نیازمندی
عاطفی افراد غیر از ضاکننده است.
پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز
مندی های زیاد و روان پریشی ها و
اضطرابات و انواع واقسام آن است.
سی برای اختلالات روانی پلا
ریزی می کنند.

داکتر کوردل معتقد است مغز
يك انسان امروزی مجبور است آنقدر
مندی انسان به فرد مقابلش نیز
افزایش می یابد. در عین حال
انسان امروزی محکوم به سرخوردگی
دگی و تصادمات روزمره عاطفی اند.
زیرا در طول دوره زندگی نیازمندی
عاطفی افراد غیر از ضاکننده است.
پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز
مندی های زیاد و روان پریشی ها و
اضطرابات و انواع واقسام آن است.
سی برای اختلالات روانی پلا
ریزی می کنند.

برگرداننده نصیر ابوی

از منابع خارجی

جراحی روانی شیوه خطرناک

بابازتاب امیدوارکننده!

مغز انسان که از ده میلیارد سلول ساخته شده بزگترین معمای
آفرینش است.

با جراحی مغز میتوان جنایتکاران و معتادان را معالجه کرد.

با این شیوه جلوگیری از خشونت های جنسی امکان پذیر است.

هم اکنون با جراحی روانی هوش، حافظه و استعداد های گوناگون
افراد رادستگاری میکنند.

سرعت و شتاب زندگی مدرن، و اضطراب های درونی و دهنها عامل
تحول سریع جامعه بشری که دیگر مغز انسان امروزی را در
باعث میشود هر روز فشار بیشتری معروض خطر شدیدی قرار داده است
بر مغز ما وارد آید بر خورد های هر چه تمدن بشری انسانها را با
نا مطلوب و ناراحت کننده، دلهره فور مول پیچیده در هم می تند نیاز-

مرکز خوشونت، مرکز غرا یسز جنسی و بالاخره مرکز رو یا. درین اواخر مرکز درد و لذت نیز تشخیص شده اند و حتی دانشمندان توانایی آنرا داشته اند تا با وسایل برقی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند و بطور مصنوعی ایجاد درد و لذت نمایند. مهمترین پدیده مغز ما حافظه است و چنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنیها و شنیدنیها عمل بیوشیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاک میتواند این دستگاه پیچیده را از هم بپاشد. شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال و دگرگونی نماید. «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل ناپذیر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد و هم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند. امار و احصائیه های یونسکو در مورد افراد بیکه از درگیری های روحی رنج می برند جالب است طی خبر آخرین این موسسه تعداد کسانی را که در حال حاضر به کارهای علمی و فکری مشغول اند نمود فیصد و نمود کرده است.

کارشناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان و معالجه بسیاری از بیماری هادر سال های دو هزار و فوق آن خواهد بود. اما آنچه مسلم است شاید انسانها بحدافرا طی به جراحی روانی رو ببرند و با دادن الکترو-شاک هاویا دهها وسیله دیگر مغز انسانها را تغییر دهند. دانشمندان نباید به استفا ده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود. اما این وحشت از آینده نباید مانع کار هردانشمند باشد. جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که یک داکتر پر تکالیف بنام آگاس لوئیز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام دارد. مطابق این اصل برخی از انسان را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند. ظاهرا عمل ساده هم است. بیشتری را در سر

بیمار فرو می کنند. و چند نسج را می برند. اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فتکان به انسانهای تبدیل شده اند گیسج و بی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شده بود که حتی نزد یگان شان به شناخت آنها موفق نشدند. اما امروز شکل تکامل یافته تری از جراحی روانی مغز در آلمان، امریکا از آزمایشگاه ها به شفاخانه هاراه یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشونت آمیز و انحرافات جنسی بیمار را از بین می برند. یک کمیسیون جهانی شامل پروفسوران بین المللی مأمور بررسی درباره این مسند جراحی شد. اعضای این کمیسیون سرریحا اعلام داشتند که میتر سنند در مورد اینگونه جراحی افراد بشود و از این روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمیسیون داکتر رایان اعلام داشت: جراحی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هوش و فراست آنها از بین برود و یا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود. از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی پیشرفت زیادی کرده است اما جراحان بخش مغز سعی می کنند که برای عمل خود حدود قاطعی تعیین و برای آن جامه ای قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد. ها کسلسی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزمایشگاه های علمی به جامعه سرایت کند. جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد. این بحث و منا قشات علمی، انتقاد و طرد فدا ری، طی سالیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کردند. یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ و فوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود. و دست اندر کاران و کارشناسان آزمایشگاه را صلاحیت قائلی نمود و مطابق بق به اجرا آت این کنگره پیاپی ده ساختن عمل روی بیماران روانی زکاتانیان و اطفال قبول گردید. و این وسیله همانندی که پیشگویی میشد میرفت تا داغ ترین موضوع علمی روز را بر

سر زبانها بنشانند اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد. در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در همان سال منعقد گردید. اساسات آن برای نخستین بار توسط داکتر کار لیل و داکتر جان فولتن بازگو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جراحی را روی انساج دماغ خوا با نیدند. در اوایل ازین طریق به عنوان یک فن تری

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به اوضاع...

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگی کارگران، دهقانان و غیره طبقات پایین و زحمتکش پیوسته تنگتر می گردد. سازش های مصر و اسرائیل مورد نفرت همه جهان مرفی قرار گرفت. و متوجه پروسه ضد سازش های خائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراک (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود. از مواد برگشته و فیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای سومالی و عمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود.

- ۱- وضع تغذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر.
- ۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر.
- ۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی.
- ۴- اخراج مصر از تمام سازمانها و اتحادیه های منطقه ای عربی.
- ۵- قطع صدور نفت به مصر.

همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه می ۱۹۷۹ در عدن به اشتراک هفتاد حزب و سازمان های سیاسی و یکصد و چهل و دو اتحادیه کارگری و سازمان های زنان و غیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها بر ضد سازش های مصر و اسرائیل مبارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکاری خود را با تمام ممالک مرفی و بطور اعم با کلیه کشورهای جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند. کنفرانس ژوبن و خواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لسزبن مرکز پرتگال کنفرانس تساند و هبستگی با خلق فلسطین انعقاد یافت. درین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حالت وختناک را برای کلیه خلقهای شرقیانه و بخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید و سازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی و ملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید. و پالیسی صیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح و دینان در منطقه شرق میانه و سراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در یسن کنفرانس پیرامون ستراژی های امپریالیزم ارتجاع عرب و ارتجاع حاکم اسرائیل که حال

یا دهانی میگردند، نه یک اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس مناسقه را ثابت ساخت. در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیا یی و استفا ده از الکتروشاک باعث پیشرفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانبی و مخالفت های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت

بقیه در صفحه ۲۶

در زدوبند و اتحاد نامقدس با هم تشریک مساعی می نمایند بحث صورت گرفت. نمایندگان حلقه های سیاسی مرفی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم را در قبال داعیه عرب و تمام پرابلم های ناشی از تشنجات بین اعراب و اسرائیل. را مورد تکووش قرار دادند. اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین و بیانیه های پرتحرکی بیشتر گردید.

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود. و او همچنان از کمک و پشتیبانی یی در یف تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود.

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که با بد تمام قسوی اشغالگر اسرائیل بدون قید و شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند و حقوق طبیعی و مسلم فلسطین را مبتنی بر تشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد.

درین کنفرانس به آئنده از کشور های که تا هنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید ناهر چه زودتر این موسسه را به رسمیت بشناسند. در خلاصه تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شرق میانه مسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند. زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب و بدون اشتراک موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی و سطحی خواهد بود. و در امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود.

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دینان و امنیت بین المللی.

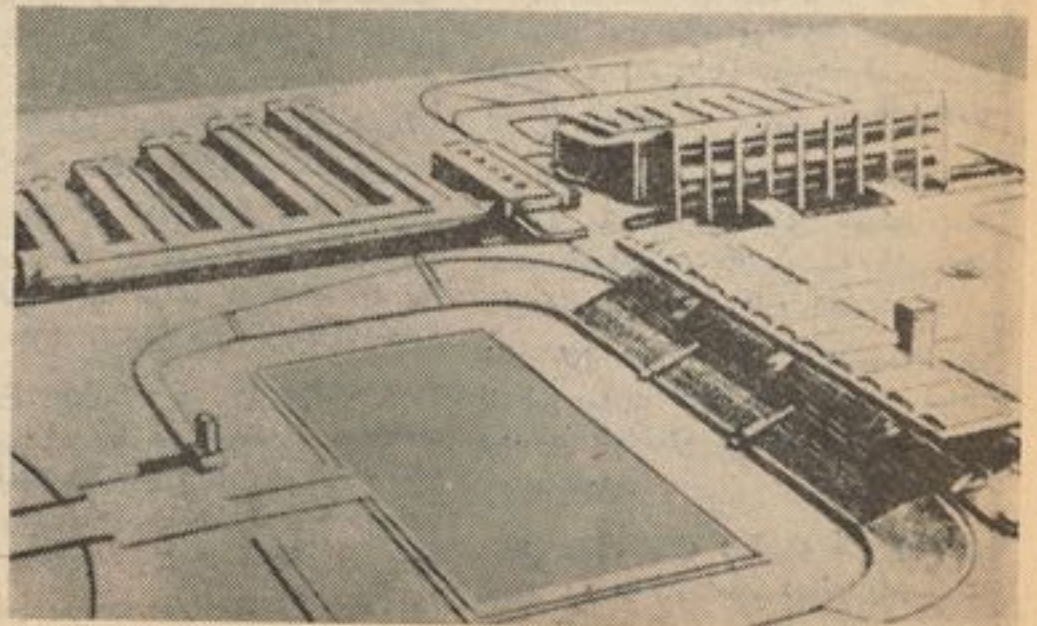
پلان اعمار شهری برای اسپ سواران



مشق و تمرین های ورزشی در ستد یو می که برای المپیا ۱۹۸۰ ساخته شده است .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی يك ستد یوم بوده زیرا مردم به که در آن در سال ۱۹۸۰ مسابقه آسانی نمیتوانند از هر نقطه شهر او المپیا جهانی دایر میگردد شهری به آن جا رسیدگی نموده وهم برای اسپ سواران و مسابقه اسپ در پهلوی مناظر طبیعی خوش دوانی در منطقه بیستا که در حد و آب و هوای قرار دارد . این ستد یوم بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگردد .

است . يك گروه مهندسين و انجمنان اما مهندسين در مورد تعیین مو قعیت ستد یوم مذکور دچار های بلند و زمین های هموار وجود تردید و سردرگمی های می باشند آورند . خشت پخته و چوب مادی اما عمده به این نظر اند که این است که روی سا ختمان ستد یوم را منطقه محل مناسب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای

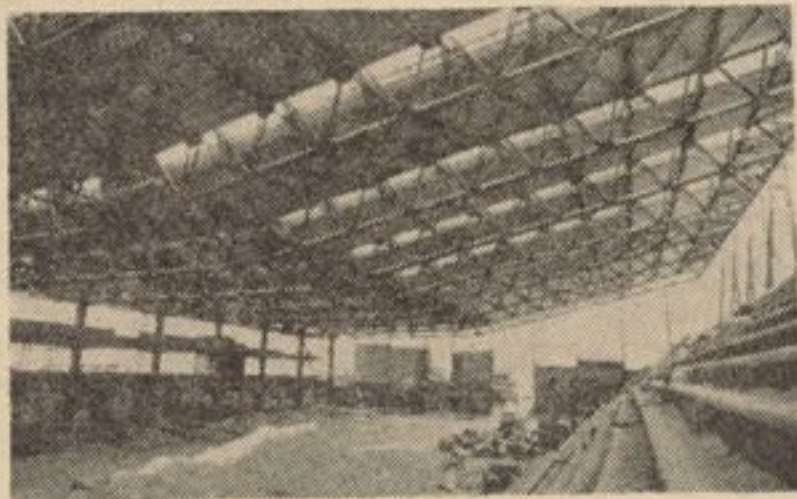


مدل و نمونه سا ختمان ستد یوم ورزشی برای اسپ سواران در منطقه بیستا .

خارجی ستد یوم مذکور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می سازد . عمده ترین قسمت این ستد یوم را محل جست و خیز و تمرین تشکیل میدهد در حدود دوازده هزار چوکی در روی زمین ساخته شده که در سه قطار قرار دارند هر قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می باشد .

قسمت های درونی ستد یوم از چوب و مواد نرم ساخته شده هشتصد متر بطور مدور بوده و بیست متر فراخنا دارد که در درون حلقه های دو شش محل برای تمرین و آماجگی برای مسابقه در نظر گرفته شده است .

تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن در ستد یوم مذکور نمیتوانند از نقاط دور از مراکز و زمین های هموار نیز مسابقه رانماشانمایند . در ستد یوم مذکور دو محل مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



يك ستد یوم سقف دار برای مسابقه اسپ دوانی در اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تبدیل کا لا وجود دارد یکی از این محل ها که سراسر کشاده بوده دارای یک هزار و پنجصد

چوکی بوده و دیگری آن دارای دو هزار چوکی است این محل که دارای دو هزار چوکی است سقف آن کاملاً پوشیده است و طوری دیزاین و طرح ریزی گردیده که اشعه سقف آن در هجده متری طرف دیگر تا بیده و قسمت با لایی در تبدیل هوای آزاد کمک میکند .

بقیه در صفحه ۵۰

باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت -
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل -
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج
دالر، زمینی بیست و سه دالر.
وجه اشتراک مجله ژوندون در
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوایی
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کپول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، کو شانی و
و جراید یو لندوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،
زمینی پنج دالر برای محصلین،
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر وجدی تردد خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز
را بشما برساند و مجلات و جراید
محبوب خانواده هارادرمو قشش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند.

وقت گرانبهاست، از زودترین
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراک پایان
میابد.

مرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج
افغانی یکسال روزنامه در خدمت
شما است.

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در
هر نقطه کشور که باشد با پرداخت
یکهزار و شصت افغانی و اگر شاگرد
و محصل هستید با ارائه تصدیق و
پرداخت دوسدو پنجاه افغانی
یکسال شما مشترک ما هستید.

مجلات و جراید ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود:
مجله ژوندون:

سالانه پنجمند افغانی برای متعلمین
و محصلین با ارائه تصدیق چهار -
صد افغانی.

کمکیانوانیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کپول، آواز، فرهنگ خلق،
هنر، کتاب، کو شانی و جراید
یولدوز، گوراش و سوب در داخل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق
چهل و پنج افغانی.

سجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت
افغانی برای متعلمین و محصلین با
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا اخیر حوت بمدریت عمومی
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاری وات
مراجعه و اشتراک نمایید و یا وجه
اشتراک تا ترا از مرکز و ولایات
بحساب (۶۰۰۱) و ارداد
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیما
عنوانی مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات انصاری وات
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور با فرور یختن مرز
تفاوت وجه اشتراک شپروده در
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها
جراید و مجلات است.

بخط اینکه در سال نو کلیه
روزنامه ها، جراید و مجلات بتوانند
دروازه های تمام مشترکین را صرف
نظر از شهری و روستایی یکسان
بگویند، مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میپذیرد.
دوستداران روزنامه ها، جراید
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و بر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر
میبرید....

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پرخیم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراک یکسان در
جمله مشترکین روزنامه ها، جراید
و مجلات ما با شید از داغ ترین
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی
بیابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت
انقلاب نور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰
افغانی یکسال بشما روزنامه
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شاگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روزنامه رسان درب منزل شما را
میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا نثار

زن و شناخت مسوولیت هایش

در فامیل

همانطور که مردان در مقابل فامیل و اجتماع خود مسوولیت های دارند و شناخت مسوولیت های شان باعث خوشبختی و سعادت آنها میگردد. زنان نیز درحالی که نسبت به مردان حقوق مساوی دارند، در مقابل خانواده و اجتماع مکلفیت های قابل شناخت دارند که به شناخت و ایفای وظایف خویش میتواند از بسیاری مشکلات و نارسایی های فامیل بکاهد.

بطور مثال: اگر خانمی با وجود داشتن مصروفیت رسمی روزانه در محیط کار شش کمتر در امور منزل سهم و علاقه گرفته و منتظر آن باشد تا پسر، دختر و یا شوهرش هفت ساعت در دفتر کار مینماید، دیگر از همه کارهای منزل معاف است، واضح است که، وظایف خود را آنطوریکه لازم است نشناخته، شوهر و یا دیگر اعضای فامیل بخاطر گذشته که دارند، شاید بعضی کارهای محوله او را تا اندازه انجام دهند و یا شاید نتوانند قسمی که لازم است به ترتیب وانسجام امور منزل سپیم گردند.

زیرا یک مرد نمیتواند، طوریکه

موفق باشد. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و ناراضا پتی از خود نشان میدهد.

چه از اثر همین موضوعات پیشین با افتاده و ناچیز خانوادگی، کشمکشها بحدی میرسد که بصورت حتم با یکدیگر از شوهر جدا شده و اطفال شان که سه

تر بیه و غمخواری اشد ضرورت دارند بی سرپرست مانده و در نتیجه هر دو با عالمی از پشیمانی و مایوسیت حیات پسر پیرند.

به مصداق این گفته با یک نگرش سطحی اوراق دو سیه های بررسی موضوعات فامیلی نشان میدهد که در بعضی فامیلهای موضوعات بسیار ناچیز که اصلا با لای آنها حساب نمی شده آنقدر کسب و خا مت کرده تا سبب از هم پاشی کا نون گرم فامیل و جدا شدن شوهر از خانم گردیده است.

پس بهتر است، آنقدر زنیان و مردانیکه به این امر کمتر رقی میگذرانند با شناخت وظایف و موقعیت خودها جلو تمام این گونه سو تفاهات و بی اعتنائی هار گرفته و نگذرانند که با این فرو گذاشتها، برعلاوه خودشان اطفال آنها نیز پریشان شده و از محبت و لطف مادرا نه و پدرانه محروم گردند.

برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مردوزن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. در بادی امر با وجودیکه آنها خوبت شده و بدون مشکلات زندگی مینمایند، در آیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتیها و مشاجرات گردیده و هیچگاه ضرورت احساس نمی شود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بر شمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن قسمت کی ملامت و مقصر است؟

از این چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خا مت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهر شش بیک نگرش همه جانبه، مسوولیت ها را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

مادری به اطفالش رسیدگی و هموایی مینماید، بهمان کیفیت و کان در قسمت تربیه طفل و یا تهیه غذا

ترجمه و نگارش

عبدالله «محب حیرت»

زنان یوگوسلاویا

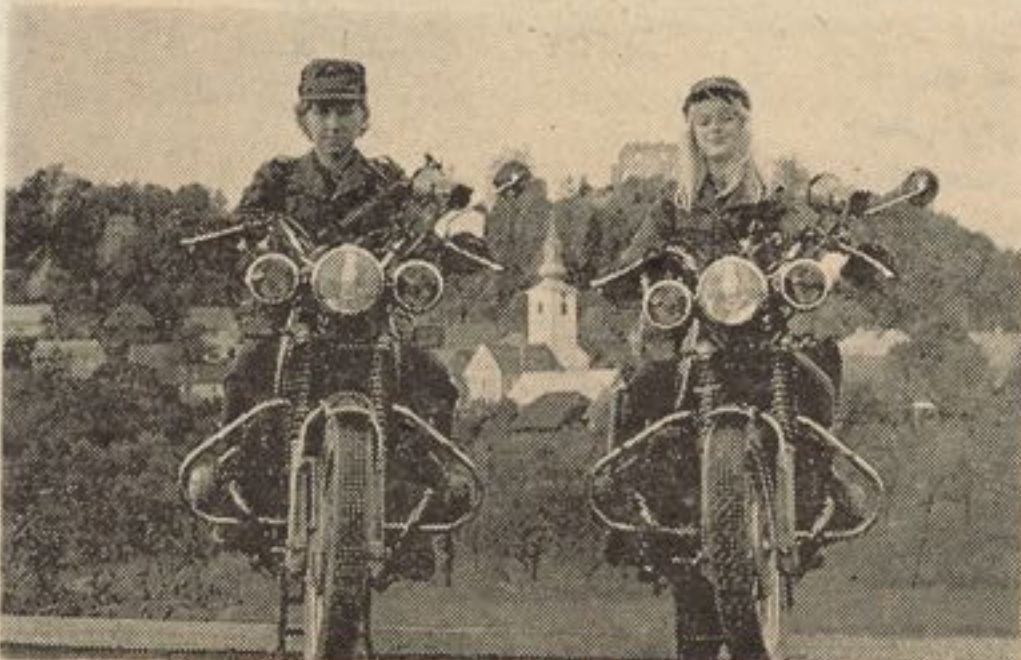
وسهمگیری شان در امور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، بتاریخ ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ عضو مؤسسه ملل متحد شده و تاریخ سرویکم جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت و بجهت یک کشور آزاد غیر منسلک تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور بیگیر گامزن شده و بوقتیتهای مطلوبی نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه بیرونیها و حصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل

تجاوزات آلمان هتلری و نیروهای تبهکار و بیرحم فاشیسم، صفحات تاریخ از خودگذریهای ملل آزادخواه و با شهامت اروپای جنوب شرقی را بر رنگ و زین ساخته است.

البته در بهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله تامین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی و دفاع ملی مبین شان



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا مربوط به گروه پار تیزا نان هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالباس و ساز و برگ ستر واخنا



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی و نظری تعلیمات عسکری در دشت و دهن به تمرین و مشق می پردازند .

گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بنالیون و قدیون معروف «پوهورجی» طوری تربیت و تنظیم شده بودند که عملیات شان بر روی زمینها و شهرت نیکوی نظامی آن قدیون میافزود. طی جنگهای این دوره (۱۹۴۰-۱۹۴۱) بیست و هشت هزار زن پارتیزان مقتول و چهل هزار زن جنگجو مجروح شدند. آن عده زنان و دوشیزگانی که جان سلامت بردند، دوهزار تن شان بمقام افسری و آذری رسیدند و زودتر آنان بعالیترین مقام و القاب نظامی و دارفندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند.

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آتریان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی و قتلش گفت: «من بختیار و مقتدرم که قومانده و رهبری چنان قدیون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شمار بزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گمانه میتوانم که آنان با روحیه شجاعت و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر اجداد دشمن نقش و سهم بیشتر و قابل ملاحظه داشته اند، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند، از آنرو این انگیزه افتخار آمیز و آیدیه بانگور ملی مردم یوگوسلاویا بر سر مرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند.....»

بعد از پایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، به قصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا، بحیث کارمند و محاسب، نرس و دکور طب، بدون مقید شدن یاملبس مسردیدن با یونیفرموم مخفی نظامی، وظایف محوله شانرا ادا می دادند. بدینترتیب در یوگوسلاویا زنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسم و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحة دفاع ملی و دفاع از وطن آماده فداکاری و سپهگیری میشوند، یادا و طلب میگردند بشمول طبقه ذکور (مردان) طسور عموم از سنین شانزده تا شصت و پنجساله، اعضای چنین نیرویی را متشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگردند.

فعلا در قدیون یوگوسلاویا، دکتر مریمین «روزابا» بحیث یک جنرال زن ورزیده از طبقه نسوان مصروف خدمتگذار است که هنگام جنگ دکور پارتیزانان همین خود بود و در قبال ارزیابی و قدردانی از کارگزاریهای مداومتش توانست تا در سال ۱۹۷۳ بمقام و رتبه «میجر جنرال» نایل شود. وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده و تاحال بیش از شصت اثر علمی او بر اعتبار و شخصیت علمی اش افزوده است. همچنان چندین زن و دوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوهای اختصاصی بلگراد و سایر ایالات و شهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند. به تعقیب روشها، سنن و طرز العملهای جنگ پارتیزانی و تداوم معائل رفتار و شیوه های بازمانده نسل کهن و پیشین، کلیه واحد های زنان و گروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده و فعال است. بطور مثال بقیه در صفحه ۴۹

میباشد که محتوای این بحث، صحنه و صحنه از آن دگرگونیهایی مترقی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد.

تاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دستهای سر بازار آلمان در شهر کوچک «دروار» واقع ایالت بوسنیان (بوسنی) سرازیر شده و به قصد عملیات دستگیری واز بین بردن بزرگترین سران و رهبران نیروی آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند. درین وقت گروه های متعدد و بیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند، بنحویکه ساحة جنگهای پارتیزانی بهرگز شمه و کنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عدد تانک کوچک و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه مداوم و بیگیری بردشمن متجسساز ضربات سنگین و مرگباری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سر بازار آلمانی طی یک لحظه کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچه پیشروی تانک که محل دید و تشخیص تانکران است، برده را بکشند و سر بازار داخل تانک را از مشاهده و ترصد ماحول شان محروم کنند. بدینترتیب یگانه وسیله نعلیه پارتیزانان در عالم نابینایی و محیط درماتره حرکت کتان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد و از حرکت بازماند. درین اثنا یکتنس زن سر بازار مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی را که بکنوع آن محترقه و مخرب است از روزنه تانک بداخل آن پرتاب کند و بدینوسیله آنرا با سر تیتیمان پارتیزانی اش ازین ببرد ولی همزمان با چنین رویدادی، یکتنس جوان یوگوسلاوی که مترصد و مراقب آن صحنه بود، خردا از میان یک گسروب اسیران و طهرست که بدست سر بازار مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده و بسمت تانک یسار شده پیشرفت و با شجاعت و تهور حیرت آوری بارجه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد و آنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه و طهرستانه، یکسور لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه و سوراخ سوراخ شد و تسانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی و محاروبی خود را از سر گرفت.

با اثر فداکاری ییغله «میکابوسنیک» آن دوشیزه شجاع اسمش در ردیف قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد و ییاد بود و ی دیگری همزمانش بزرگداشتهایی بعمل آمد. همچنان موصوفه نقش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپا تو دم بود» موقفانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است. در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند. آنان رزمندگان و جنگجویان، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسمان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان و تدابیر مجروحان درمانده بودند که لمحی از تداوم وظایف مقدس شان باز نشستند. بدینترتیب از زمره یکبزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پروتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند. در «سلووینا»

زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند و تقریباً هشتاد و پنج فیصد تولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حالی که افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خود را بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از بازده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد و مجموع تولیدات پوست کبود اتحاد شوروی کمتر از بازده فیصد می باشد لطفاً بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و تسع قره قل از نگاه تجارت و بازاریابی چطور بود؟

- امسال از نظر تجارت پوست قره قل افغانی خیلی خوب بود در ایلام های امسال تنها هشتاد و پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید. پوست قره قل که در چند سال اخیر

راضی و متیقن شدند که تجارت ما بحالست عادی جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و جنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود.

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند؟

گفت: مجموعاً در حدود هشت میلیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد. مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاندرنوی در قدم دوم قرار دارند.

پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشورها اند؟

در پاسخ گفتم: افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند. بصورت عمومی تعداد پوست اینکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد چهار میلیون از افریقای جنوبی، سه میلیون از اتحاد شوروی و یک میلیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد.

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیساده تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگ طبیعی و گلپهای مقبول و بی نظیر خریداران

از مد افتاده بود. مخصوصاً در سالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره قل بحری پایین آمده بود که حتی بکتهاد تاجر اورشکتک نموده بود و در جمله پوست باب ارزاترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منک و پوست قره قل یک برابر بود مگر فیلا قیمت پوست قره قل چهل فیصد قیمت پوست منک را تشکیل میدهد.

در طول امسال مادر پنج ایلام که سه آن در لندن و دوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعاً یک میلیون و سه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست و هشت میلیون دالر رسید.

- عوامل بلند رفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد؟

بقیه در صفحه ۵۱

نگاهی تجارت تقریباً بی سابقه می باشد. در ایلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و (۲۳۴۲) جلد پوست تتر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و بیست و شش جلد از فروش باقی مانده است. در سابق اتفاق می افتاد که بکتهاد پوست از یک ایلام تا ایلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد. مگر در ایلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد.

وی افزود: رژیم جدید افغانستان که چشم دشمنان ماراکو و نموده بالای مؤسسات تجاری که با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بود که خوشبختانه در مشاهده اینکه در ایلام لندن با آنها صورت گرفت کاملاً

در هشتاد و چهارمین ایلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز و مدت پنج روز دوام نمود مجموعاً (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمت مجموعی یک میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده.

مایرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل، عبدالنسی پایا که چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور ایلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله زوندون تقدیم می گردد. وی در جواب سوالی گفتم: مطلب مهم و باارزش در قسمت ایلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از



ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیان را انعکاس میدهد که زیر ساطور امین جلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تهرفیکه در مطلع آورده ام از شاعرۀ بلند پایه آن پوزش میطلبم.



۱۳۵۱: به قربانیان فاشیزم

درس و گان آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشه قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال و پرزدن آموخت
● ● ●
باقلب گرم فاجعه را دیدم
تودر شط شقاوت خونین

سخریق نام

۱۴۱

«ما انبوه کرگسان تماشا»
درسولا آن سپید عزیز، آن غرورپاک
آن دشت آفتابی پرگل

تنها گریستیم

● ● ●

گفتند:

قلب هزار ماهی مرجانی
دوبرکه های زنده گی افسرد
اکنون به سایه درشب آن هول
هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری؟

● ● ●

نام شعا عزیز تران، دانم
چون مرده ریگ هستی همراهان
«تبت است بر جریده عالم»

۱۴۱-

داغ جبین آن که ترا گشت
یا استخوان هستی ما را

بشکست

در بولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشک، مصیبت
هواره تیره است و سیا هست

● ● ●

اکنون تو نیستی که بینی
ملت به سوک یاد تو در خونست

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانه هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم

گلگونست -
در جستجوی گور تو همسین

د رناکجای این شب تاریک
گل بگذارم؟

زیرا .
حتا .

با سنگ ایستاده خالی
دیوان بی شرافت، بدنام
نام ترا چوقامت آن دار

- سوی اوج
برپانکرده اند

رویین

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم ازمارسان بصبحی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیصبروز
ازین گور تاریک شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را نشاید فراموش کردن
بدو گ شپیدان گریبان دریدی اگر
بفروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمه نو و فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حتی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی بساده تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن و قوشه بسیار چون سرخ توفان
ازین لاشخواران مملخ بریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خو این
سخنهای پیکار خو این شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمسون را
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شنیدایی خفته در خاک ما را
گل سرخ و حتی کجایی شنیدی اگر!

سلیمان لایق

۱۳۵۸/۳/۱۰



عالم و عابد

صاحبدلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
نا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدرمی بردموج
وین جهد می کند که رهاندغریق را
سعدی

شهیدانو و روڼو

ما چی دعا در ته کو له
یا می حق خبره کړ له
سترگو اوښکه تویو له
زړه کی مینه پاریدله

چی زندان ته په در تلمه
په سرو سترگو ژپیدمه
گو نکه خوله به در ید مه
له یخنی به ریید مه

په ژړا وی خو یندی میندی
ور سره دکا کو پنهایی
بری وهلی یی ملنهایی
ډکی مرو خنی کندی

په کو رو ننو تل به
ما شو مان یی ډارول به
هم بکسو نه یی ماتول به
دغلو پشان یی وږل به

ما به ته خنی غو بستلی
دوی به سترگی برگولی
او ویل به یی فرار دی
زړه دی ولی بړی پرهاردی

نه یی رحم و په زړو کی
نه یی پوهه وه مغزو کی
هسی خوشی شان وحشیان و
بس زموږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موپرو
هم ولاپورته نو کر و
خوله پوهی نا خبر و
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو
په ریښتنی مینا نو
«افغا نیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغا نا نو

ظا لما نو ډا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

خوانخوار انو ټیل وهلم
په بر چو به یی وهلم

تاته یی کله پرینولم
په بر چو به یی وهلم

په ټیلو به یی ویستلم
په بر چو به یی وهلم

پدی شان یی غو لو لم
په بر چو به یی وهلم

شپه اوورخ به خور یدلم
په بر چو به یی وهلم

تل غمو نو کړو لم
په بر چو به یی وهلم

دشپنی کله ویدیدلم
په بر چو به یی وهلم

کار نامی به مو تل لولم
ولولی به مو تل لولم
«در محمد افغا نیار»

حانه رعیت

غافلې را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی
تاخراته سلطان آباد کند بی خبر از قول
حکیمان که گفته اند :
هرکه خلق خدای عزوجل را بیازارد تادلی
بدست آرد، خداوند تعالی، همان خلق را
برو گمارد تا دمار از روزگارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست
واذل جانوران خرو با تفاق خرابر بر به که شیر
مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون یار همی برد عزیزست
گداوان و خران یار برادر
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملک را
ذمائم اخلاق او بقراین معلوم شد . در شکنجه
کشید و بانواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گمان نجو یی
خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن تکوی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر
سر او بگذشت و در حال تباہ او تأمل کرد
و گفت :

نه هرکه قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگزارف
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت
ولی شکم بدره چون بگیرد اندر نای

نماند متمکار بد روزگار
بماند برو لعنت پایدار

سعدی



یادونه :

در لولوستونکویه اته خلویښتمه گنه کی دشفق

زړه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«منگر وال» شعر دی

از گلستان برچیده ایم

از این بعد، هر چند گاهی وزمانی یابوسته
ودایم ، سیر و گشتی به دیوانهای اشعار
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما
نوقمندان شعر و ادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراق زرین سعدی را به توری
گرفتم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او
که بر مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند
انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی نشان
ونامی و تجدید یادی باشد از ابر مردان
میدان شعر و ادب .. و از جانبی برانگیخته
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه
و مراقبه در ادب و فرهنگ بر بار ما ...



بنیاد ظلم

آورده اند که نوشیروان عادل را در
شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود .
غلامی بروسارفت تا نمک آرد . نو شیروان
گفت : نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود
وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدر چه خلل
آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول اندکی
بوده است هرکه آمد برو مزیدی کرده
تا بدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آورد غلامان او درخت از بیخ
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد
زند لشکریانش هزار مرغ بسخ
سعدی

و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین تهاداب ها علاوه می شود تا لیر این کار ها و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر می گردند طور قابل ملاحظه به تهاداب های ارتباط و بستگی دارد که توسط فامیل گذارده شده اند . همین است علتی که می گویند فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را تعیین می نماید . این در داخل فامیل است که روابط خاص در حیات انسان بمیان می آید و در آن صورت وقتی که خود ما بوالدین تبدیل گردیم می توانیم از برخورد و تماس خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات انسانی این بخش جوان نوع بشر - بسزراگان خود را در عوقنی قرار می دهند که در آنها ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .

(پایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین صورت گیرد .

روانی پرورش دهند و باین صورت می توانند به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و مسائل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته ها است و این یک تهادابی است که در رشد و ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد . غفلت درین ساحه جز علم تناسب و ایجاد تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی آرد . آری این فامیل است که تهاداب اصلی شخصیت ها را گذاشته و برخورد او را در برابر دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین و معلمان در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

تولید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین روحیه را در تمام شاگردان بیک نسبت به وجود بیاوریم بعضی از آنها تما یسل بیشتری همگاری دارند و عده به علت تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان داشته اند مایل به همگاری نبوده و دا یمایند مزا حمت میسایند .

در مدارس و فعیتهای مناسبی برای نشان دادن رعایت حال دیگران به کودکان و چو دارد موجودیت دسپلین مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

طوری که همه میدانند اطفال در صنف سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمینیکه حتی در مورد تاخیر صفتش ساکت و آرام است معلمی است که برای اداره صنف از همگاری و تعاون شاگردان خود استفاده میکنند و با آنها رفتار دوستانه دارند . معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان خود با آنها همکاری میکند و خود را با آنها وابسته نشان میدهد بدینسان شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

نویسنده : یوری ریوریکوف مترجم : دیلاشومل

مواظبت جسمی و روانی طفل

کاملا جدیدی صورت گیرد ، بالخاصه با اساس ضرورتیکه انقلاب علمی و تخنیک بیساعت آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند . از همین دلیل است که تنویر علمی وسیله بسیار مهمی است در بهتر ساختن تمام شرایط فامیلی و اجتماعی ساختن بیشتر هر نسل جدید - باید تدابیر وسیع و متین به یمانه سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ شود و همین اصل باید در پروگرام درسی مکاتب ثانوی گنجانیده شده و برای والدین جوان هم کورس های آموزش و تدابیر مشابه اتخاذ گردد .

در عصر ما تربیه طفل بمراپ نظریه زمان های گذشته ، که عمدتا کودک از نظر جسمی مواظبت می شد مشکل تراست . در مراحل اولیه حیات بشری بخش روانی طفل منسل جنبه تکامل خود بخودی را داشت .

مواظبت دقیق و درست والدین از طفل نه تنها به توجه جسمی بلکه به مقدار قابل ملاحظه توجه دماغی و روانی نیاز دارد - قابل تأسف است که بیشتر والدین تنها در بخش جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن ، شستن لباس و سایر خدمات همانند توجه خود را مبدول میدارند . و جنبه تعلیمی آن را به مسجد ، مکتب ، کودکستان منحصر می دانند و از نقش پراهمیت و با ارزش خود درین بخش اطلاعی ندارند . آنها پدر بودن و مادر بودن را یک کار شاق و یک بار خسته کن دانسته و خود را نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها همچنان یک اسلحه نیرومندی رشد خودی را نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی و انسانی و این نیروی خلاقه را ضایع مینمایند . اما نشو و نما مثبت و صحیح کودکان باین کار نیاز دارد که والدین برای تربیه خود بذل مساعی نموده و کیفیت پدر بودن یا مادر بودن را در خود از نظر اخلاقی ، ذکایی

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل باید رهنمایی و مواظبت شود در زمان مابیشتر احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل راهنوز هم مشکل ترمی سازد . مخصوصا با انقلاب علمی و تخنیک پیشرفته و آرزو هاییکه این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند . اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند ،

فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد اجتماعی است - دکتر ها مشاهده نموده اند که در حدود پنجاه فیصد والدینی که فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند چطور باید زندگانی طفل مرتب شود . در ساحات تربیه اخلاقی ، ذکایی و روانی حالت

هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیر قابل تحمل است ، چه مابه کار همیشگی و فعالیت وسیعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی که با اساس دست آورد های جدید علوم بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تخنیک در نیوری و عمل تربیه طفل تغییرات جذری بوجود آمده . در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند بکر میکنند

افراط پیموده شود از صورت نیک و پسندیده خود خارج میشود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و ظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اشیاء با زیاده روی است. تو اند آنگاه ریکه دلش میخواهد با زیاده کند خیلی زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودک بعلمت تاکید آن توسط اطرافیان است قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچک خبلی ناراحت میشود - کما نیکه به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بسی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشود در همین قماش اند - بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا و ظیفه د شواری دارند اینها کودکانی هستند که علل پدر و یا مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و یا نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که با نیستی در زندگی مسئولیت پدر و یا مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودک است یا نیستی این احساس مسئولیت را در سایر موارد و کارهای که کودک انجام میدهد متاثر میکند بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی و بر حرا رت و اهل بگو و بخند هستند بیک عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان را نمی بینند.

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود سال و هم کودکان بزرگسال صدق میکند - در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد با نیستی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودک احساس کند که شما با توجه به علائق زیادی دارید - بگذارید کودک حس کند که شما حتی موقعی که خسته نیستید به فکر او میباشید بعداً به تد ریح شما میتوانید با احساس علم مسئولیت فرزندتان خود مبارزه کرده و او راه تد ریحاً و دار به قبول مسئولیت بیشتری بنماید شما بتد ریح میتوانید به فرزندتان یاد دهید که چگونه مسئولیت خود را بپذیرد یا سایر کارها ریکه شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فراموش کنید از تطمیع کودک در چنین مواردی با نیستی به شدت خود داری شود و لسی بعضی وقتها بر پا ساختن چنین به خاطر کودک میتواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این چنین اینست باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید.

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد؟ - هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

دارند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه بعلمت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را متصرف بداند.

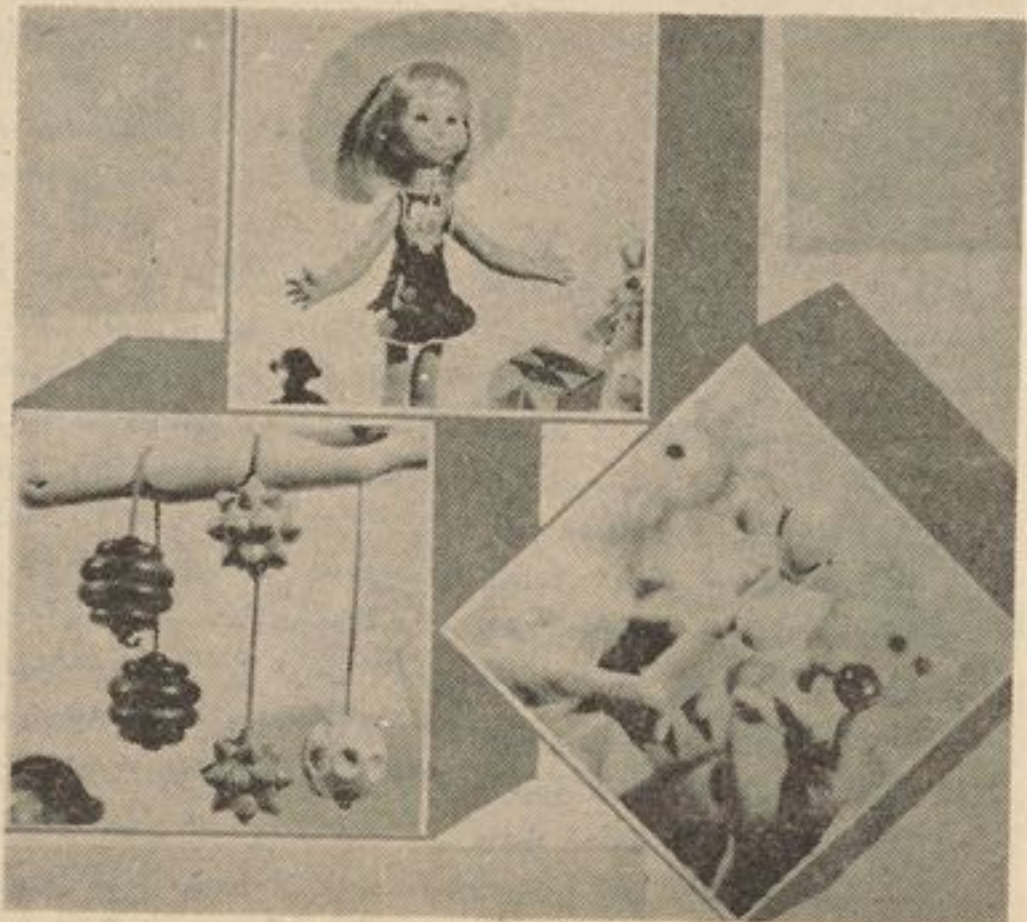
ممکنست کودک در شرایط مخصوصی که علاوه بر مسئولیت با شد و لی در وضع دیگر، دارای احساس مسوولیت نماید همینقدر که فراموش کرد که کی از لحاظ جسمی ضعیف باشد یا شدت یگر کوشش برای مسئولیت بار آوردن او چندان مشرب نخواهد بود.

آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد؟ آیا بجز این راه راه دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است؟ اگر کودک علاوه بر غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی عاطفه و بی حال نیز باشد و یا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای مو هوم ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیقی دارد - مراجعه بشما و برین اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودک کی علامتی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر میرسد که کودک به رشد خود به طو در رشایت بخش ادامه میدهد.

از مدارس متوسطه مدبران و امر پس حتی یا را از این دایره فراغ تر نمانده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خود را به کوه دکستان و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کودکان در پوشیدن لباس های کما کما کنویا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدین شان سپرده و یا از مسیبر ترا فکی آنها را عبور دهند - چریا ناین عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا دوا طلبانه و به نوبت در انجام آن سهیم شوند و علاوه پاک نگه داشتن صنوف و واحاطه با زی مرتب ساختن کتابخانه - کارکردن در سالون ، غذا خوری اینها همگی به ایجاد حسن قابل اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند.

این نکات مندرکه بیان گران روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت نمینماید میباید پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک که در خود احساس مسئولیت نمیکند چگونه باید رفتار شود - وقتی که کودکی علی الرغم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با نیستی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد است یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسوول را با کودک فوق العاده کار دانی و قابل اعتماد مقایسه میکنیم.

غیر مسوول بودن دایمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاص باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسوول فکر کند که پدر و مادرش به برادران و خواهران او توجه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجزیوی که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشهاد شده اند

(مجموع الاعراض) است و عموماً در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از يك سال عمر دارند. و عوامل ذیل باعث بوجود آمدن آن میگردند.

۲- کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند. بالآخره تغییر شکل اختیار می نمایند. در نزد گا هلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترافق با او سیتو پوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلمت عدم توانایی استیو بلاستها در ته نشستن در متر یکس استخوان) ظهور میکند. همچنین نشو و نما

جوانان نشو و نما تشو شات عمیق تشکل عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهایات و نقاط نشو و نما عظام تصادف مینماید.

همچنان تشکلات جدیده عظام و نشو و نما دندان متوقف می شود. بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضویت پائین آمده و افات انتانی بخوبی شفا نمیشوند.

۴- کمبود ویتا مین (ب یک) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بوجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند، ضعف، بی اشتها، باختن وزن، تشوشات

عضوی و سیستم عصبی نظاً هر مینماید و تحت نام پلاگرا مطالعه میگردد. وجود میآیند که عبارتند از بوجود آمدن يك نوع احمرار و اذیما در نواحی مكشوفه جلد که معروض به اشعه افتاب میباشند، خشك و تفلصی شدن جلد و تظاهر يك نوع تفرحات در نواحی فوق الذکر، عدم اشتها، تنقیص اسید یسی معدوی، قبضیت و اسهالات، بی خوابی، خستگی سر چرخ، سر دردی، تشوشات عقلی که بالآخره منجر به دیوانگی میگردند.

۶- کمبود ویتا مین (ب ۱۲) :- از اثر فقدان این ویتا مین يك کمخونی خبیث بوجود میآید که درین کمخونی لوحه خون تغییر نموده و مقدار هموگلوبین نور مال خون تنقیص مینماید. بر علاوه اعراض و تشوشات هضمی و عصبی نیز در نزد این مرض یضان دیده میشود.

ج: کمبود مواد معدنی :-
۱- کمبود آهن : کمخونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید.
۲- کمبود مواد ایویدین دار: جاغور اند یمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در يك محل وجود داشته باشد)
۳- امراض ناشی از افسراط و تفریط فلورین.

در صورت تفریط: کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میداشته باشد.
- در صورت افسراط: فلوروز- زیس بوجود میآید.

۴- کمبود کلسیم و فاسفورس : در اثر کمبود و قلت این دو عنصر استیو مالا سی (نرمی استخوان) بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم و فاسفورس از آن) و استیو- پورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید.

حال که معلوم است کم و بیش راجع به سو تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سو تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم و قایوی را تحت بررسی قرار دهیم.
بقیه در ص ۴۸



سوء تغذی اطفال را با این روز می نشاند:

دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پروتینی عادی و معمولی خانواده گی به اندازه ناکافی و غیر متوازن رسم و رواجهای نامناسب بعضی از فامیلها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر، تخم، میوه جات، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حلق استفا ده دارند. و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند. استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند. گذشتن امر اض تب دار مانند: ملاریا، توبر کلسوز، سرخکان، سیاه سر فیه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازند. وضع نامناسب اقتصاد دی و اجتماعی: بیسواد دی، غربت و والدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید. حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره.

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیما (پندیده گی)، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی، کسالت و سستی، تغییرات موهای نازک، باریک، صاف پیرنگ سست و جلا دار میگردد. و از بین رفتن رنگ جلد، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخا موی و شحمی، طحال ضخا موی، کمخونی و اعراض و علائم کمبود ویتا مین های مختلفه میباشند:

ب: ویتا مین ها :

۱- کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کوره عین خشك شده و به کوری تمام منجر میگردد. همچنان در اطفال فقدان این ویتا مین حجات اپتیل در اکثر نقاط عضویت تقلص نموده

دندانها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشوند.

۳- کمبود ویتا مین سی :- از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند. درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سرعیه نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده پیره ها به التهاب دچار شده و متورم میشوند.

دندانها مقا و مت شان را از دست داده و بزودی تخریب میشوند. در نزد اطفال و نوزادان

هضمی، درد های عصبی اعراض پیشقدم آن بوده که مترافق با تشوشات روحی میباشند در واقعات پیشرفته و شدید اعصاب حسی و حرکی دو چار تشوشات عمیق گردیده و عضلات ضمور مینمایند. فلج اطراف ظاهر شده و قلب مریض بزرگ میشود و يك پرش قلبی شدید شنیده میشود. اینرا هم باید دانست که مریضان مصاب (بری بری) بعضاً از یمائی بوده و یا اینکه بشکل خشك تظاهر مینمایند.

۵- کمبود نیا سین :- از اثر فقدان این ویتا مین يك دسته عوارض که معمولاً در جلد جهاز

اگر کودک نتواند از پدر و مادر معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود ، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد . بنا پاسخ به سوال کودک آنهم بشکلی که کودک را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمان جوان است .

آزاد گذاشتن کودک در بعضی از مسائل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمان به کودک موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگی بخود متکی گردد و در آینده این اتکاء بخود، او را جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد .

پس ای جوانان، شماکه مسوولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با کودک خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست .

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می خواهید که فرزندتان جوان آزاد ، با دانش و معقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید و این کار را یک بازیچه نه بندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید .

و برداشت او از وطن و مردمش معقول و مثبت باشد .

مادر فهمیده و معلم آگاه و پدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند .

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم کودک را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد .

این طرز پیشی آمد به کودک موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد .

مناسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف پرنسپ های قبول شده امروزی با اطفال و کودکانشان رفتار مینمایند .

مثلا بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و با کودک شان از آنها سوالی در موارد مختلفی مینمایند والدین به قهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است .

نباشند . در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اومی خواهد .

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود یک شخص بیابد . هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد . پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یک کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصا دختران .

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تصمیم کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگی مشترک خانوادگی را بسازند از یک سلسله مسائل کوچک صرف نظر کنند و به بیغت و خوشبختی خویش پشت بمانند .

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد . خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن یک زندگی مشترک خانوادگی اند چه میشود ؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد ؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه ، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلوپسی نشان داد .

زیرا آینده راهیچکسی قدرنیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد .

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هر وقت دیگر مهیا گردیده است و میتوان با خیال راحت زندگی مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان مانند قدر خرده گیر در این مساله حیاتی

نوشته شیرمحمد «هاج»

جوانان و راه و رسم

زندگی جدید

دادند و به قدرت چابراه آنان خط بطلان کشیده شد . امروز خلق مآتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عنا و یمن مختلف تقیر نمیشوند . پیروزی انقلاب زنجیر شکن ، گذشته از اینکه بهانه بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در بارور شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد .

امروز دولت انقلابی مآتحت پروگرام های اکتشافی و اقتصادی که بزودی ممکنه در معرض اجرا گذارده میشود ، با روحیه انقلابی از انرژی سر شار آنان استفاده مینماید و به زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد .

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و ابتکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران ، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و امحای کامل بیسواستی کار مینمایند ، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و ابتکار انقلابی اند . پس با درک این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هر نگاه آماده خدمت به مردم بوده و با در نظر داشت راه و رسم زندگی جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل ، مبارز طوریکه از آنان آرزو می رود در ابتکار با نابرابری ها ، بی عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند .

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را مینمایند و در جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال را مینمایند وظایف و مسوولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی بس سترگ است .

در افغانستان انقلابی با در نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی و بنیادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسوولیت جوانان عاراستگین تر ساخته است . جوانان بسا نیروی سر شار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا مینمایند . پس باید با جرأت اظهار نمایم که : جوانان انقلابی ماکه مجهز با دانش و ابتکار انقلابی اند ، و با درک خصوصیت های طبقاتی ، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و ابتکار مینمایند .

زیرا بعد از پیروزی انقلاب نظر آفرین ثور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شئون حیات خلق ما رونما گردید ، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند . در گذشته ها خصوصاً در زمان فرماقرمائی خسانواده فاسد نادری ، خلق ما در زیر شلاق چابراه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنج دیده ما قابل نبودند .

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب نظر مند ثور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنهمه بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه

مسوولیت پدر و مادر در برابر کودک



اما یک چیز که همیشه مدنظر بوده و همه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودک باید مطابق به محیط و زندگی مردمش تربیت گردد . این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده کودک را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد . یعنی تربیت او طوری باشد که کودک در آینده چون به جوان برومند مبدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد

هر پدر و مادری حق دارد فرزندش را تربیه نماید ، اما چه نوع تربیتی ؟ این سوال برای آینده کودک که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است . تربیت کودک از طرف والدینش یک مساله حیاتی برای کودک شمرده میشود ، و اولین خشت های زندگی او را میسازد . در مورد تربیت درست و معقول کودک امروز جروبخت های مختلفی بسن دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودک صورت گرفته

این ستاره را می‌شناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردید آیا میدانید که او کیست؟ واز کدام کشور جهان است؟ اگر موفق به شناختنش شدید برایتان چند جلد کتاب جایزه میدهم.

این چشم هاز کیست؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحبش چاب نمودیم مربوط یکس از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این عکس چیست؟



چه فکر میکنید آیا کدام تبه است ویا کدام حصه از پوست کجا لو اما بدانید که هیچک از این ها نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم او را با اسم لکه های سیاه ای که بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید.

زوندون

سرگرمی ها و مسابقات

تیه و تنظیم از صالح محمد کپسار



جدول کلمات متقاطع

الفی :-

بسیار میباشد ، حاصل نیشکر ، ۷- تون بی تون ، یک حرف ودوخانه ، ضمیر اشاره ، ریگزار ، ۸- دربین بلبل ، خودم ، کلمه ربط ، انفجار آن بسیار خطر دارد ۹- از آن طرف ضمیر اشاره

ضدمرد ، پراکنده ۱۰- غطر میدهد ، درد ، محل ، دروضو میباشد ، ۱۱- نمد نامکمل ، رفیق سوزن است ، از جمله تبه های موادمخدره ، ایستگاه بزبان پشتو ، بازهم حرف ربط است ، ۱۲- چیزی که پیدا

نشود ، نصف وداع ، خودم میباشم ، لباس ندارد ، ۱۳- بال شکسته ، طرف ، حشره مقصره به زبان پشتو ، مریض بسیار خطر ناک ، ۱۴- مات شد اما بی آغاز ، صنم ، دو پنج ۵ در

پشتو ، ماده حیاتی ، ۱۵- مرگ نارسیده ، دربین غبار ، مادر عرب ، در پستان گاو است ، ۱۶- دویک راجع نمایند ، با آواز یکجا میباشد ،

کنند به زبان پشتو ، از خزندگان ، ۱۷- پوش بردگان است ، از تسکیلات عسکری ، نیز ردیف آن است ، ناقل آب ، ۱۸- با ادویه آنرا درمان کنید ، گردنبند ، ۱۹- فصل آن رسیده است ، نوعی از موسیقی ، طرف ، ۲۰- دونیم ، سماخ را نصف سازید ، زیاد نیست ، جام پر سر ، پام ناکمیل ، ۲۱- آرامی ، عکس روز ، وظیفه سپهسالاران

میباشد .

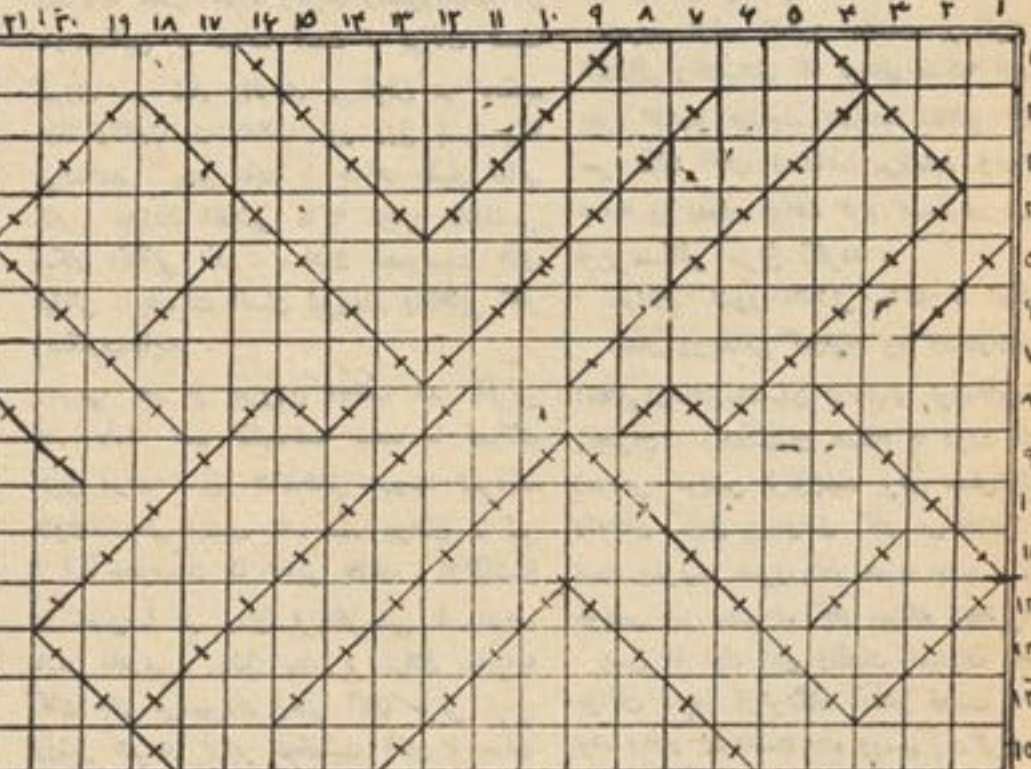
این دو چهره کی هانند؟



این دو چهره را که میبینید از پدر و دختری میباشد که برای آزمایش ذهن شما چاب نمودیم این دختر از دختران بزرگ پسر خود است در راه پیش رفت و معروفیت میباشد . یکی از فلصهایش بنام (میخواهم دستبایت را بگیرم) است حالا از شما میخواهم که اول اسم پدرش را و بعد اسم دخترش را برای ما بنویسید .

از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان پشتو ، از ولایات باستانی کشور ما ، فریب به زبان پشتو ، سبب به پشتو ، از فلزات ، ۱۲- برگ نامکمل ، میسوزد ، ضمیمه پشتو ، در مقابل این مرض مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات دهقانی ، ۱۳- بارخ خون است ، گنگ نشده ، ایستگاه پشتو ، چست نشده ، کندوی آرد ، چهره ، ۱۴- مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن ، لام کوتاه ضمیر اشاره ، بید نارسیده ، ۱۵- معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است ، مساوی به دو صد لیتر است ، آتش پراکنده - عمودی :-

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ، ۲- باده لوده است ، آرت ، و پای نا تمام نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره ۴- از حیوانات ، در حال دیدن ۵- نه میشوند ، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ، ۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش



طرح از :- ملکه سلیمیا نخیل از لیس سیدنور محمد شاه مینه . یادآوری : به علاقمندان و همکاران این صفحه مزه میدهم که هرگاه تا اخیر سال جاری ، جدولی به مناسبت سال نو با محتوای ارزنده طرح و به ما بفرستند به بهترین آن جایزه میدهم و بقیه آنرا به نوبت با اسم و فوتوی طراح بجا میساریم .

| | ح | ز | د | ج | ب | ا |
|----|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | + | ● | * | ● | ■ | ▲ |
| ۲ | ■ | ○ | * | △ | * | + |
| ۳ | * | △ | + | ○ | ■ | ● |
| ۴ | △ | ● | * | * | ● | ○ |
| ۵ | ▲ | ■ | ● | △ | ○ | + |
| ۶ | ○ | + | ○ | ○ | * | ▲ |
| ۷ | ■ | ● | * | ● | ■ | ○ |
| ۸ | * | ○ | + | ○ | ▲ | * |
| ۹ | * | ● | △ | ● | * | ▲ |
| ۱۰ | ● | △ | ■ | * | ○ | + |
| ۱۱ | + | * | ● | △ | ● | ○ |
| ۱۲ | * | ■ | ○ | + | ○ | * |

درین جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه و سفید و مربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجاییده شده اما درین همین جدول در یکی از خانه ها ترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هرکس که در یکی از دوائر کار میکنند اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این جا چاپ نمودیم اطلاق کاریک نفر را نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئید) دنیا آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنخ را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حد سر مارا در یک زیر زمین و حدگر مارا در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعدها فانهایت و رسوور درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود و اودر سال ۱۷۴۲ در چه حرارت صدقستی (سانتر گراد) را درست نموده است .

حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که در سال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند از این پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و بنیبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمک یک کارگر که در زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بسکار انداخت حالا بگوئید این دو نفر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جا فطلی را ببینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شمابه این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه می دهیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

ما حصه از کتاب یک نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح میدهم از شمالنا داریم تا اسم کتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید . در صحرای بودم صحرای بزرگ و حزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روز گردش میکردیم با برادریم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که مرکز در فکرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمی اورم . صحبت میکردیم و بارها هگلرمان مصادف میشدیم از یک زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همایه مان بود و تا در آن کوچه منزل داشت جلوی پنجره ناقش که همیشه باز بود کار میکرد . در صحرا درختی نبود . مردی را دیدم که از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه همراهش خاکسترو سوار بر اسبی بود به رنگ خاک این مرد مو بر سر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر چشمتش اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مورم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلو ما گذشت و چیزی به ما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا یک جاده نمود افتاده بود که بته خاری و برگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاک بود پس از چند قدم دیگر وقتیکه حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که دیگر برادرم همراهم نیست به دهکده بی که در آن نزدیکی دیدم وارد شدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد . (رومنویل چرا ؟)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه ای که از دیوار های این دو کوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم و از وی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجا هستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه بی باز است درون شدم اتاق اول خالی بود به اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یک باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سر گردان ماندم و ناگهان مشاهده

کردم که این یک شهر است همه کوچه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از کوچه ها نمیگذشت هیچکس در اتاقها راه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هر زاویه دیوار پشت هر در پشت هر درخت مردی ایستاده بود که مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیک بهم باشند . این مردان بانگاه دنبال میکردند از شهر بیرون رفتیم و در صحرا راه افتادم پس از مدتی کمی سرگرداندم و دیدم که گروهی دنبال ما می آیند همه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمی رسید اما از من تندتر راه می رفتند کمترین صدا از راه رفتنشان شنیده نمیشد در یک لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاک بود .

آنگاه اولین مردی که در شهر دیده و از وی پرسشهای کرده بودم به من گفت کجا میروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده بید دهان کشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگه پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریک بود از جابر خاست سوی پنجره رفت باز هم ستاره بی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره ناقش حیاطخانه و کوچه نمایان بود هماندم صدایی خشک و سخت ناگهان از وی زمین برخاست و چشم او را فرود آورد زیر پنجره دو ستاره سرخ که روشنایشان به وضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکرش هنوز در تاریکی رویا غوطه ور بود با خود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشتگی افکارش بر طرف شد صدای تازه ای شبیه به صدای نخستین بیداریش را کامل کرد با دقت تکریمت و دانست که این دو ستاره دو چراغ یک در شکه است در روشنایی

ایستادن چراغها توانست شکل در شکه را تشخیص دهد این یک آکاسیه دو چرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبل از گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود . مادلن با خود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است . هماندم کسی در اتاق رابه آهستگی کوپید .

میرزا آقا

قسمت دوم

اینرا گفته و سرعت خود را بدو خسل
 حویلی و محوطه دفتر رسانید ، دفتر
 باز بود . در برنده عا رضین زیاد جمع
 شده بودند . ما مور و میرزا و عسکر و
 نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس نو
 و حتی تکه و نشان طلائی هم به سینه
 داشتند ، بعضی ها شمشیر های مرصع
 در غلاف های زر انبوه بر کمر بسته بودند
 زمینداران بازو باشه شکاری خود را
 نیز با خود آورده بودند .
 پولیس ها با کمر بند و سر شانه
 برای ق و جلادار خود ملک ها و خانه های قریه
 با سر و زنجیر های رسمی خود ، همه در
 آنجا بنظر میامدند . قدیم هم خود را در آن
 قطار رسانند و شناسای خود را پیسداو
 خویشتن را خم و آهسته اظهار کرد :
 صاحب محترم ، عرض دارم . شکایت
 است . بجا کم صاحب عرض دارم .
 شکایت از چه ؟
 صاحب ... از سبب آب . و بعد از آن ..
 دیگر چه ؟
 خیر . دیگر هیچ . مالک چا یخاله وعده
 داد که آقا پیدا کند . در ست شد .
 چه را پیدا کند ؟
 دستمال نان مرا . شب گم شد .
 هی ... از کجا هستی ؟
 از چو لو .
 کالایته جل اسپ میماند .
 همه کسانیکه در برنده دور قدیم جمع
 شده بودند بلند بلند خندیدند . ما مور
 دفتر بیرون بر آمد و جیب زد :
 غافل مغال چیست ؟ سر فلر صاحبها کم
 صاحب قهر میشود .
 این نفر غافل مغال میکند . کالایته به
 جل اسپ میماند .
 چه گفتی ... کدام جل اسپ ؟
 چند نفر از جای خود دور شده و راه
 را باز کردند . یکی از آن میان به
 قدیم اشاره کنان گفت :
 اینست .. صاحب ... ببینید ... فقط
 جل اسپ را پوشیده با شد .
 قدیم خیلی آزرده و غمگین بود . میرزای
 دفتر جاب او دید . پرسید :
 چه میخواهی ؟
 صاحب ... آب ...
 میرزا به جو بیکه از میان محوطه
 اداره میگذشت اشاره و علاوه نمود :

البته نمیدانی که چطور همای گیلان
 آب نوشیده میشود . به لب جوی برو
 دست های خود را بر زمین پان سر ترا
 های خود را بر زمین بمان . سرت را
 پان کن و مثل گاو و آب بنوش .
 بیچاره گاو نیست . زیر جل اسپاست .
 چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش
 شد و خودش صدا زد :
 صاحب ... صاحبها
 فقط جل را پوشیده با شد . و چندین
 نفر باهم خندیدند .
 ما مور گفت :
 آقا یان ... خاموش باشید حاکم
 صاحب به قهر میشود . اگر غافل تا سرا
 شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه
 ما و شما غضب میگرداند .
 خوب ... تو از کجاستی ؟
 آقا یان اینجا یک دفتر است یا یک
 بازار ؟ قدیم جیب زد و این سوا ل را
 پرسید .
 ساو هو .. ببینید . زیر جل اسپ .
 من یک تبه آزاد هستم و برای یک
 شکایت اینجا آمده ام .
 در مقابل این گفته قدیم ، کسانیکه
 در برنده ایستاده بودند گفتند مارا غو
 کنید . ما شما را نمی شناسیم . آقای
 جل اسپ پوش و همه شان بقا بل قدیم
 صف زدند یکی از آن میان گفت :
 راه بدهید باقای عا لبقدر تبه
 آزاد !!
 تبه آزاد برای یک شکایت زحمت
 آمدن تا اینجا را متقبل شده اند !!
 قدیم یک قدم بجا لب دروازه پیش آمد
 اما خود را با زمین مردم محصور یافت .
 یکی از آن جمله چنین گفت : ما هیچ
 فکر نمی کردیم که یک با دار جدید بخیر
 اینجا تشریف آورده اند . آقا یان ! قدیم
 بعدی بلند جیب زد که حاکم صدای او را
 در داخل اطاق خود شنید . ما مور دفتر
 رانزد خود طلب کرد ولی خودش سو را
 وبدون معطل شدن برای آمدن ما مور داخل اطاق
 بیرون بر آمده به همه حضار نظر خشم
 آلود انداخته پرسید :
 اینقدر غافل مغال برای چیست ؟

عنا لبقدر ایک نفر دیوانه پیدا شده !
 - کو؟ در کجا ؟
 - اینجا حاضر و تیار است .
 قدیم به پریشانی و بد پختی خود
 فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او
 را دیوانه معرفی میکنند فریاد کرد :
 دیوانه کیست ؟ مرا دیوانه میگویند؟
 سر دار حاکم جالب او قدیم پر داشتو
 به شدت پرسید : چه میخواهی ، دیوانه؟
 - آب میخواهم ، سر دار !
 وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف
 او صدای زهر خند واستهزا بلند گسردید
 چند نفر گفتند .
 - دیوانه ... بیچاره جوی پان طول و
 عرض را اینجا دیده نمیتواند .
 - راستی دیوانه است .
 سردار امر کردند . او را بگیرند و ببرید
 اگر نجا وز و نا آرامی میکرد بسته اش
 کنید ، را سا به دیوانه خانه شهر . بلی
 او دیوانه است و با ید هما نجا با شد .
 باشین این امر سردار حاکم
 رنگ از رخسار قدیم پرید و پریده بریده
 گفت : چه ... چه ... چه بعدا احسا س کرد
 که یک پره کوه بر سرش افتاد . با صدای
 لرزان و شکسته نا لید : سر دار صاحب
 رحم کنید . من آب میخواهم . دیوانه
 نیستم . با دار من دیوانه نیستم . من قدیم
 اعظم او غلی هستم .
 حاکم با زبا و نزدیک شد . خوب بسرو
 صورت او دید و گفت راستی دیوانه
 شده .
 او را به دار المجانین ببرید .
 حاکم بعد ازین امر بد فتر خود را خل
 گزید . ما مور به محافظ گفت که قدیم
 را ببر . قدیم مقا و مت وزید . لیکن
 اشراف و زمین داران همه یک یک تله داده
 و قدیم بیچاره را از زینه پان را قلدند
 قدیم یک سکه نقره بی بکف دست محافظی
 که او را بیرون میکشید مساند و احساس
 کرد که محافظ از او دست برداشت . قدیم
 فوراً به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ
 بر آمد .
 تمام بدنتش درد داشت . راه رفتن برایش
 مشکل بود . اما از راه روان پرسید
 پرسید . جای مقصد خود را یافت که
 یک نفر از قریه خودش نزدیک دروازه آن
 ایستاده بود . با خوشحالی صدا کرد :
 - هی غلام علی !! سلام علیکم و سپس
 تویید و او را به بغل گرفت غلام علی که
 خودش پشه دهقانی داشت و داغهای جیجک
 روی او را فرا گرفته بود ، در حالیکه
 عریضه خود را قات کرده و به جیب خود
 می گذاشت از دروازه یک دفتر بیرون میر
 آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دراز
 غلام علی چسبیده و با صدای لرزان اضافه
 نمود : اوه غلام علی . اگر بدانی که من
 چند ر بد بخت ام . تصور میکنم یک
 سال شده که از خانه بر آمده ام . معطل
 من باش ، کار خود را زود خلاص میکنم
 و بده هر دو یکجا میرویم خانه .
 - قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به
 کار و انسرای مانده ام . میروم که ببینم
 بجای خود است یا نه ؟

کارت را زود خلاص کن . هما نجا یا
 با هم خانه میرویم . من منتظر ت میباشم .
 غلام علی اینرا گفت و روان شد . قدیم مثل
 طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا
 زد :
 غلام علی ترا بغدا قسم که بیمن نروی .
 - نمیروم ، خاطر جمع با شد .
 قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود
 که در یک کج گردشی از نظر غایب شد
 و پس از آن به اداره مهرزا کمال بیگ
 داخل گردید . دید که میرزا کمال بیگ
 شصت های خود را به جیب دو طرفه او سکت
 گرفته و روی فرش خست دفتر از پس
 سو بان سود واز آن سو با پنبه قدیم
 میزد . همینکه قدیم را دید پرسید :
 - اوه رفیق ... بیایا ... چه خبر خوش
 داری ؟
 - صاحب ... من بر عکس خبر های خبر
 خواب دارم .
 - چرا ؟ چه واقع شد ؟
 - هما نظور که گفته بودید ، آنها سخن
 مرا نفهمیدند ... نه تنها سخن مرا نفهمیدند
 بلکه مرا دیوانه هم گفتند .
 در کج دفتر یک میز مانده شده بود .
 میرزا کمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر
 طرف میز رفت و به عقب آن دور خورده یک
 دست خود را روی میز ماند و دست دیگر
 خود را به سرب می و طاس خود گذاشت .
 نیده و علاوه نمود :
 - بلی ... عارض با ید عریضه تقدیم
 کند . حرف ما و شما مردم دهات را کمی
 درک نمی کند . فقط عریضه میخوانند . و
 شما با ید عریضه بدهید
 وقتی که عریضه دادید ، آن وقت
 آنرا خوانده نمی توانند و اگر با صد زحمت
 بخوانند معنی آنرا فهمیده نمی توانند
 و زبان می پر سند .
 ولی بهر حال هیچ عارض با ید بدو ن
 عریضه تحریری بد و ایر برود و وقتیکه
 رفت با ید عریضه تحریری با خود داشته
 با شد .
 دراست میگوئی برادر ! اگر غمهای
 عارضین کم میبودن مانند جوبخشش
 و لاغرو زرد و زار نمیشد .
 اوسینه خود اخارید و قدیم سر خود
 شور داد و بعد گفت :
 - صاحب همینطور است ، همینطور است
 اگر آدم های مثل شما نمی بود ، من
 نمیدانم که احوال ما غریب ها و بیچاره ها
 چطور میشد ؟
 مرغها چشم ما را و حیوانات جسم ما را
 می خوردند .
 - راست میگوئی برادر . اگر آدم
 تنها بشکر خود با شد ، زندگیش آسان
 میشود . مثلا برایت قصه کنم . یک نفر ،
 درین نزدیکی یک غرقه دارد . همین غرقه
 سو م از بنجا . از من میخواهد که همایش
 شریک باشم . برای من میگوید تو آدم
 فهمیده هستی ! همین حساب و گنا برآزیر
 نظربگیر و کار آنرا بکن ، من مثل بر سرهای
 خزان برایت پول میدهم . اما من برایش

گفتم که اگر من همای تو شر یک شوم
برادران غریب و غمگین عارضین من چه
خواهند کرد؟ کی عریضه شای ترا خواهد
نوشتند. وقتیکه عریضه نزد حاکم میرود،
اول باید به کتاب نسبت فید گردد.

قدیم پرسید: به کتاب نسبت؟
رفیق من، تو چه فکر میکنی؟ معلومدار
به کتاب نسبت رسمی اباز آنرا مدیرشعبه
به دو سیه میماند. که نوشته و نشان
نمایی در آن چاپ شده. عریضه را که
در میان دوسیه میماند باز خود شی
آنرا نزد حاکم میبرد. دوسیه را بدست عارض
داده و هر دو پیش حاکم خود را خم میکنند
میبینی که احوال عارض زمان از چه قرار
است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود
هر لحظه درد زیاد تر حس میکرد. دیگر کتاب
ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی
زمین اطاعت نشست و سر خود را برای
تصدیق گفته های میرزا کمال بیگشور
میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های
فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب
کند. قصه منم ازین قرار بود. حال عریضه
من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده
و عکس تراز هم که در دیوار نصب است
از همان بالا بر عریضه من مینگرده. اما
اگر از دست خود همین آدم کسلان عرض
کنم چه میشود؟

کمال بیگ دست خود را به عقب گوش
خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمیم؟
یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار
حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم
چه نتیجه خواهد داد؟

چه شکایت داری از حاکم؟

تمام جانم و تنم از دست شان درد
میکند. تمام ما افکار شد و نالو تا مرا
دیوانه هم گفتند.

با شنیدن این مطلب میرزا کمال بیگ
بشست میز و سر جوگی خود نشست. آرنج
خود را بالای میز و پنخ خود را بالای مشت
خود مالد. پرسید: همین بعد عریضه
ات؟

که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا
بدی؟

بلای صاحب من با دیدن دیروز آنرا برای
توان میگفتم.

میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر
خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.

قدیم هم خو است که ایستاده شده
حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد:
همانطور نشسته حرف بزن... آزاد استی
اینجا دفتر سرکاری نیست.

قدیم چار زانو روی فرش اطاق
نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ
میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر به

میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
میرزا کمال بیگ شرح داد وقت سرگذشت خود را تمام
کرد چنان از خشم می لرزید که صدايش

تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:
بلای میرزا صاحب... بخود با شاه

بزرگ بنویس. آقا، صاحب، عریضه

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه
نمود.

هر چه ضرور و لازم بود نوشتیم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را سا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمید
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نون واهم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حاکمی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا ندرا
میکند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بز و دی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمکین
و غرقه پیش کتان از آنها پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
غرقه مریوطه را یافت و گفت:

عریضه بدر بار شاه... گفت و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیکردم.

وقتی بدست خود بادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.
چنین جوابی آنها از جانب یک دهقان
ساده میرزای پوسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. پول را
بگیر.

ولی بادش آمد که با دیدن بد خلقی نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.

او برادر جان... میرزا صاحب...
قریان... لفظا تو چه کن که همین عریضه
من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.

کتاب پوسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دلعتا اینطور تغییر کردی
سر که به یکبارگی آب شد!

از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.

آب با توجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لفظا بگیر و رسید بدو و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر نزد تو میایم و تمام گم و سخن
را برایت نقل میکنم.

ساره... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

میرزا کمال بیگ، یقین داری که هر
چه را برایت گفته ام نوشته ای؟

بلای... همه چیز را نوشته ام.
و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته
ای؟

بلای... در باره رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه
نمود.

هر چه ضرور و لازم بود نوشتیم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را سا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمید
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نون واهم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حاکمی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا ندرا
میکند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بز و دی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمکین
و غرقه پیش کتان از آنها پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
غرقه مریوطه را یافت و گفت:

عریضه بدر بار شاه... گفت و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیکردم.

وقتی بدست خود بادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.
چنین جوابی آنها از جانب یک دهقان
ساده میرزای پوسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. پول را
بگیر.

ولی بادش آمد که با دیدن بد خلقی نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.

او برادر جان... میرزا صاحب...
قریان... لفظا تو چه کن که همین عریضه
من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.

کتاب پوسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دلعتا اینطور تغییر کردی
سر که به یکبارگی آب شد!

از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.

آب با توجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لفظا بگیر و رسید بدو و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر نزد تو میایم و تمام گم و سخن
را برایت نقل میکنم.

ساره... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

میرزا کمال بیگ، یقین داری که هر
چه را برایت گفته ام نوشته ای؟

بلای... همه چیز را نوشته ام.
و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته
ای؟

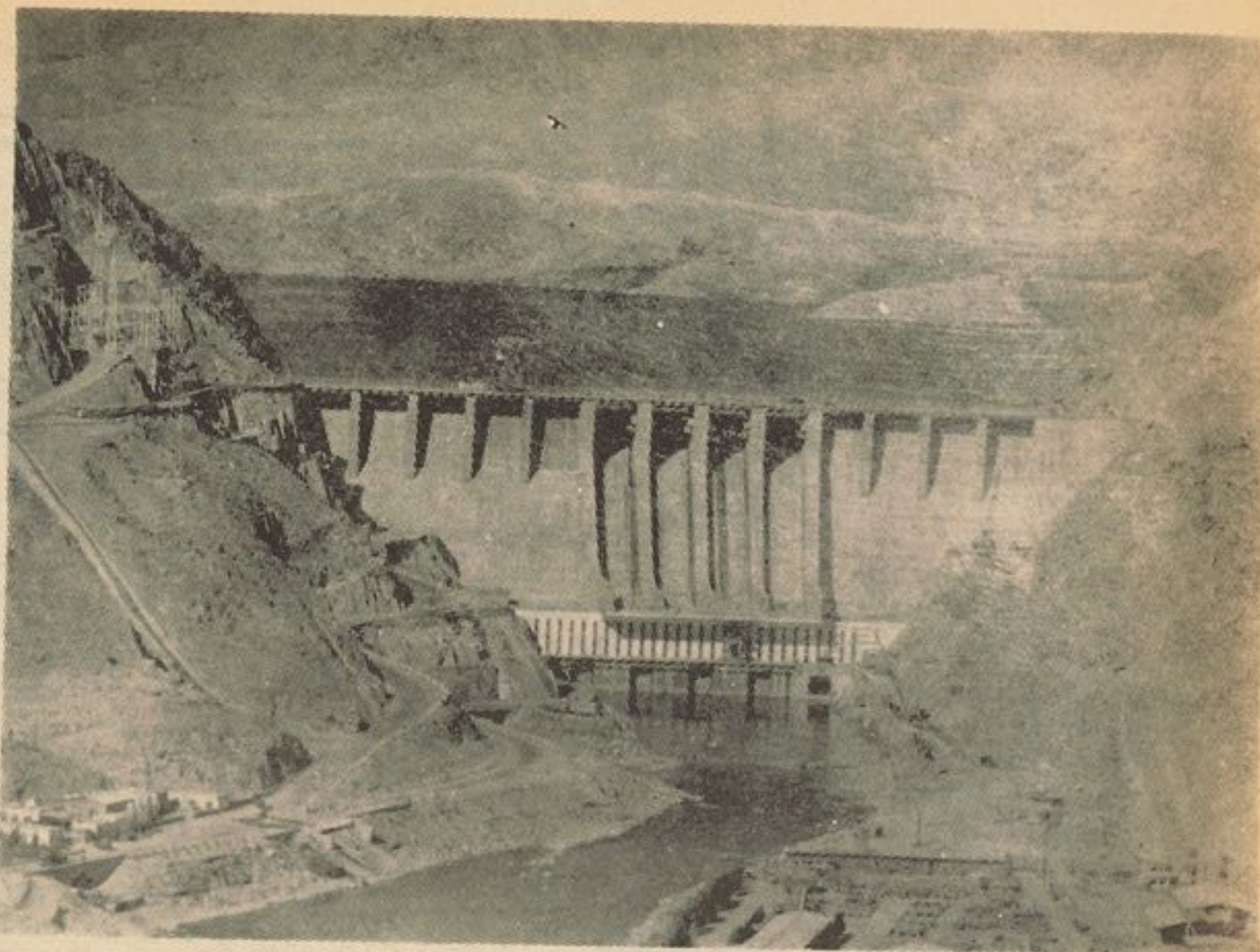
بلای... در باره رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

خادتر و بفرنجتر گردد، نمی توانست بشکل
 قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای
 خا نما نمودن بود قوع نمی یوست و یا در
 آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح
 پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد و آن زمانی
 میسر شده میتواند که جهان ما تا بسج
 یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد
 که دموکراسی واقعی بنفع کارگران،
 زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم
 بر تو افکن گردیده و بشر دست بدست
 هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ
 از استثمار زلندگی با همی اش را ادامه
 دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از
 طرف کارگران و زحمتکشان بنیان یابد
 منابع انرژی طور عادلانه در خدمت انسان
 قرار میگیرند و با برکت علم و تکنولوژی
 عصری و بکار بردن پشه خلاق و دورانساز
 طبیعت کارگر خلق های دورانساز که در
 کنج و کنار این کره خاکی بصورت پرا-
 گنده زلندگی میکنند، منابع جدید انرژی
 کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند
 که بدون تردید اندیشه و نگرانی سراسر
 آورناشی از کمبود انرژی و بحران آن در
 آینده بر طرف میگردد .

جنگلات، مواد نفتی، ذغال سنگ انرژی
 برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین
 منبع انرژی درجهان، در روشنی صلح
 و همزیستی مسالمت آمیز طوری در خدمت
 انسان قرار خواهند گرفت که از عر حین
 رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می
 پذیرد که با بخش و گسترش اندیشه مترقی
 و آید یولوژی دورانساز طبیعت کارگر
 خلق ها بیامی خیزند و طراح برنامه های
 انکشافی خود می شوند و با بکار برد
 نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش بدون
 تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه
 مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات
 سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی
 با همی شان ادامه میدهند و با در خدمت
 انسان قرار دادن انرژی اتم و آفتاب، بر
 بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در
 آینده خاتمه میدهند .

با یاد گفت که استفاده صلح آمیز
 از انرژی اتمی جوامع بشری را از
 بحران انرژی در آینده نجات میدهد،
 مشروط بر اینکه دست امپریالیزم جهانی
 از سر خلق های تحت ستم کوتاه نگردد
 و کاههای ظلم و ستم استثمارگر اندر
 پیش پای زحمتکشان و واژگون نگردد و
 جوهری حدو حصر امروز امپریالیزم جهان
 که بر خلق های تحت ستم جبرناک دارد
 بر طرف شده و بخواسته های قانونی
 زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت داده
 شود، صلح دایمی درجهان برقرار میگردد
 که در روشنی صلح و زندگی با همی
 ابناء بشری تسوانند از منابع انرژی به
 صورت عادلانه استفاده نمایند .



نمایی از سربند برق نفلو (یکی از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی در جهان

آفتاب به حیث بزرگترین

منبع انرژی

قسمت دوم

جو امع بیش ازین انکشاف کنند و در پرتو
 صلح و صفا با تامین مزایای عالی
 دموکراسی در سراسر جهان یوغ بردگی
 را از شان نه های همنوعان بر دارند و برادر
 وار بدور هم گرد آیند و از منابع کشف
 شده و نا منکشف بصورت عادلانه استفاده
 نمایند .

همانطوریکه ریشه تمام بحرانها از
 صلح ناپایدار آب می خورد و با کشیدگی
 و تشنج در گوشه ای از جهان صلح جهانی را
 بخطر مواجه میگرداند، بحران انرژی و
 کمبود مواد سوخت نیز امرات ناگواری
 بر جوامع مترقی و روبانکشافی میگذارد
 و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارت وارده
 ناشی از بحران انرژی گزیر نمانده است
 و نخواهند داشت .

قرار احصایه های تخمینی طرف پنجاه
 سال گذشته که دهم جنگلات پاره ای از
 جزایر حاره ی ناپدید شده اند، جنگل
 های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله
 قرار گرفته اند که استفاده بشکل ابتدایی
 از جنگلات مقدار انرژی زیادی را که در
 انکشاف آینده کشور های روبانکشافی
 از آن استفاده مطلوب صورت خواهد گرفت
 بهدر رفته است زیرا گروههای زیر
 فشار نیازهای فوری، منابع انرژی
 را طوری بغارت می برند که اگر توان
 بکار برد علم و اندیشه مترقی از آن استفاده
 نگردد بحران ناگواری بدنبال می
 آورد که جبران میسر نخواهد بود.
 مسأله بحران انرژی که بشریت امروز به
 آن مواجه شده و در آینده شاید این مشکل

باجاکرفتن اندیشه مترقی در نهایت انسانهای
 تحت ستم و پیروزی انقلابات
 دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن
 حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت
 های امپریالیستی جنگ طلب، بدون شک
 استفاده از انرژی اتمی بدست خود کار-
 گران پیروز مند عمو میت پیدا میکند و انسان
 پالنده و دورانساز اتم را بصورت واقعی
 در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله
 های ذروی را که جهت کشتار انسانهای
 قدر افراشته برای کسب حقوق انسانی
 شان رهبری شده اند، برای همیشه نابود
 میسازد و افق های تاریک انسانهای
 تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی،
 نورانی میگرداند .
 درجهان سرمایه داری استفاده از مظاهر
 جدید زلندگی عالی شکل طبقاتی داشته
 که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه
 پیدا شده با شد و ازین سبب استفاده از
 انرژی آفتاب نیز درجهان کپیته لیستری جنبه
 طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از
 نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

خوا بچند ساعت با ید طول بکشد؟ آیا اشخا صی هستند که بکلی نمی خوا بند؟ برای خواب نورم منا سب و معین مو جو نیست و همچنان اشخا صی هستند که در صحت و سلامتی زندگی نمی کنند.

از تجارب چندین ساله در قسمت مر یضان مبتلا به بیخوابی نتیجه ذیل بدست می آید، آنها یکسه از بیخوابی شکایت دارند در حقیقت خواب هستند، بهتر است در این مورد از گفتار روان شناس معروف فرانسوی پیر و ن یاد آوری شود (شخصی هیچگاه نه می خوا بد که همیشه خواب است این نوع اشخا- صی برای مدت کم خواب میکنند اما بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال کم می خوابند. پتر اول، ناپلیون، شیلر فقط پنج ساعت در شبانه روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در شبانه روز می خوابید. تعداد زیاد مردم در یک شبانه روز در حدود شش ساعت می خوابند اما مشخصات جسمانی آنها به حالت بهتر آن باقی می ماند. در عین زمان اشخا صی یافست می شوند که مدت خواب مکمل آنها تا ۹الی ده ساعت طول کشیده و بعد از آن خود را آرام حس می کنند.

طبق ارقام معلوم ویدست آمده در بسپاری مما لك انكشاف یافته دو سوم قسمت مردم از خواب خراب خود شکایت دارند. در اتحاد شوروی در شهر مسکو تحت یسك پروگرام معین از شش هزار نفر درین قسمت پرسش بعمل آمد.

قسمیکه معلوم شده در حدود چهل و پنج فیصد آنها از خواب خراب خود شکایت داشتند. در این جمله بیست و یک فیصد آن خواب خراب و چهارده فیصد اشخا صی هستند که از خواب عمیق خود رضا یت دارند اما مداومت آن کوتاه است. (این نوع اشخا صی را کم خواب می نامند) وده فیصد آنرا اشخا صی تشکیل داده که زیاد خواب میکنند اما نه چند ان عمیق. گروه اشخا- صی کم خواب را معمولاً متعلمین و محصلین تشکیل می دهند.

گروهی که از خواب خراب خود شکایت میکنند معمولاً دارای سن اضافی از چهل سال مسی باشند. این اشخا صی به زحمت می

ترجمه: س. احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خواب بند در شب چند مرتبه بیدار میشود و خواب های خطرناک می بینند و معمولاً از نا سلامتی ارگان های داخلی و یا از ترسیدن، عادات تلقین شده، خرابی مزاج و خستگی شدید رنج میبرند. حسب معمول ازدوا های خواب آورو مسکن استفاده می کنند.

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر از همه کارکنان و سایر حمل و نقل (ترا نسپورت) از خواب خود رضا یت داشته اما زندهای که در خانه مصروف امور منزل اند و کسدام مصروفیت دیگری ندا رند و متقاعدین یعنی ما مورینکه مدت کار آن به انجام میرسد و تقاعد می نمایند از خواب ناراضی می باشند.

کارگرانی که با آلات اهترازی، غالمغال و مواد شیمیایی سروکار دارند موقعیت وسطی را در بین دو کتگوری فوق دارند. اشخا صی در رشته های که جنبه فکری و روحی داشته باشند بسیار بیخوابی می کشند.

قسمیکه در یکی از موسسات پرسش صورت گرفت فقط نژده فیصد کارکنان فکری از خواب خود رضا یت داشتند. علت این حادثه کارهای شدید فکری، نپسودن خستگی جسمی و از دیاد معلومات و اطلاعات است. در جمله کسانیکه از خواب خراب خود شکایت دارند زنها قسمت اعظم آنها را تشکیل میدهد. یک خصوصیت با ید تذکر داده شود از سابق این نکته معلوم است که انسان در قسمت خوابش خود بطور عینی قضاوت کرده نه می تواند. پرسوئل طبی و اشخا- صی نزد یک با کسانیکه صبح از

عینی فعالیت مغز انسان در زمان خواب رجوع کردند. از تحقیقات مذکور نتایج ذیل بدست آمد: اشخا صی وجود ندا رند که بدون خواب زندگی کنند. بدین لحاظ در حال حاضر استعمال اصطلاح بی خوابی درست نیست. این لفظ از نقطه نظر ما عیت خود نیز صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر شرایط ناگوار روحی را بار مسی آورد حتی اشخا صی که از خواب کردن بکلی انکار می کنند مدت خواب آنها به بیست و چهار دقیقه می رسد در حالی که نورم ایسن اشخا صی ۵-۱ دقیقه می باشد.

در این مورد اشخا صی را که خواب خراب داشته باشند چگونه میتوان کمک کرد؟

در این قسمت بهتر است از استعمال دوا های متعدد پرهیز شود و در عوض رژیم استراحت، کار و تغذیه بطور مناسب تعیین شود. در این قسمت انتخاب کار از اهمیت بسزایی برخوردار می شود. بد نیست که در اینجا نکته چند از آما- دگی برای خواب سخن گفته شود تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه چینی برای خواب است. در ایسن مورد باید به عادات مقرر از احتیاط کارگر فته شود. یک شخص بعد از تقریباً پنج ساعت خواب مسی کند.

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب کرده نمی تواند اما برعکس بعضی ها را این کار مانع نمی شود. بصورت عموم بهتر است که قبل از خواب کمی تفریح شود و از خوردن غذایی قبل از خواب خودداری شود حمام گرم بگیرد. اما عادات در این قسمت از هر نوع توصیه ها مهم تر است.

بطور مثال تعداد زیاد دی عادت دارند قبل از خواب مطالعه می کنند. داکتران چشم اظهار نظر می کنند که این کار اثرات منفی بار آورده و مضر است. اما اگر در صورت خلاف رفتاری از این کار خواب برهم زده شود بهتر است تا آنرا ادامه داد. علت برهم خوردن خواب بطور ثابت اختلال سلسله اعصاب مسی باشد. اگر چه مبارزه با این اختلال کاریست بس مشکل اما میتوان آنرا مغلوب نمود.

بقیه در صفحه ۴۹

خواب بیدار میشوند و از خواب خراب خود شکایت می نمایند از خواب عمیق آنها که گاهی با خروپف نیز همراه می باشد شبانه دت می دهند.

در تحقیقات متعدد دی با لای مر- یضا نی که از خواب خراب خود شکایت داشتند حقیقت فوق به اثبات رسیده است بطور مثال اغلباً این نوع مر یضان را قبل از خواب یک صفحه کاغذ و قلم می دهند تا در هر نوبت بیداری خود با لای صفحه کاغذ یک خط بکشند معمولاً دیده شده است که صفحه کاغذ بدون کدام خط به حالت اولی خود باقی مانده است.

در یک قسمت تحقیقات حتی تو- سط آلات ولوازم مخصوص حرکات مر یض در زمان خواب تثبیت گردیده و دیده شده است که در یک وقت معین به حالت آرام باقی مانده این حالت در وقت بیداری هیچگاه به نظر نه می خورد.

علت چیست؟ ممکن است مریم بطور شعوری خود را در این مورد تلقین می کنند و فکر می کنند که خواب خراب دارند؟

قسمیکه معلوم است این طور صورت نمی گیرد زیرا نخست اینکه شخصی، شب در مدت بیداری تصور می کند که وقت دیر تر میگردد. دوم اینکه بعضی از اشکال فعالیت روحی را که در خواب می بینند مانند بیداری فکر میکنند. سوم اینکه حالتی موجود است که در صورت آن موجودیت خواب نفی میگردد. تعداد زیاد دی از سوا لها زمان حل گردید که علما به ثبت

جراحی روانی...

واقف میشد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز نو شکل گرفت همگام با تکنولوژی معاصر روش های لوپو تو می ابتدا می متروک و بجای آن عملیه های منجمد سازی ، انساج ، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکتروود ها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرند. طریقه های گفته شده شامل فرو ریزی وانهدام یک عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحان مغز رد دستشما نرا آهسته ساختند و عمل را محدود واعلام داشتند که در بسی واقعات نادر منحنیت آخرین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر برژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. وی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر برژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن ، تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب ساختن حساسات وعواطف چیز دیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت وعلاوه کرد چون نتایج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطرناک ، ازسوی دیگر :

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد . که نتایج خوبی به دنبال ندارد .

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت ، عادت و منش فرد دارد .

حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم ، ببینیم مدافعان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میاورند: دانشمندان جان دو نلی روان نشنا-

س امریکا می در داغترین روز های انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می شود . وجهان طبابت نمیتوانند از موجودیت همگانی آن انکار نماید. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او بسا اندکی تعدیل ودست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می روند تا نیرات گروهی داشته و نصب الکتروودها رانیاز مند است با آنها فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد . نظر به گفته های بالا بیمار میداند که شیوه جراحی

ریکارد بودو

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استفادده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتی که کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سا لوت شش جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست . برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند . سا بق کیهان نوردان به فضای آزاد در روز های اول پرواز خود می بر آمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکترها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارینخ پا نزده اگست در مرا حل اختتام کار خود این عملیه رانیز به پایان رسانیدند و علاوه تا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمد طرا حان استیشن میخواستند بدانند که در دریچه های استیشن چرا کمی تا ریگی ایجاد شده بود. ریومین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود وحمل) است مر یضان روحی که به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تدابیر را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند .

نظریه آینده :- سالیان آینده دو هزار و فوق آن هر چه بیشتر باز تاب فشار ها یش را بر مغز ما وارد خواهد کرد و بیماری های روانی و روان جسمی را در دنیای طسب بخش خواهد کرد که امروز آن نامی نیست . بهر حال اگر در گیری های روحی وخستگی روز بروز زیاد میشود ومغز ما را تسخیر می کند،

گسترش وتحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سالهای دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عوامل بیماری زا در تقلا خواهد بود ا

تو سطر دستمال کاغذی مخصوص در پیچه را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریومین ولیا خوف یک ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سیری کرد و سه روز بعد سیوز سی و چهار در منطقه معینه به بسیار نرمی پا نین آمد . به این ترتیب ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضا سپری کرد تا هنوز این رقم ریکارد جهانی در قسمت بودو با ۱۵۰ در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد وطویل کدام خطرات را بار می آورد . علما این مسایل را بطور مو فقا نه حل مینمایند ووسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری هاترح میکنند . این نکته هم اتفاق نیست که مدت اقامت در فضا روز بروز طولیتر میشود بطور مثال یوری روما ننکو و گیورگی گرچکو نود و شش شبانه روز و ولاد یمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضا سپری کردند وحال ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را بلند بردن با لتر تمب مدت ساخت

۱- این اصول در آینده در صورت حدا یت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل پوسیده کمیته ها بر رسی گردد . موافقت مر یض با عمل در زمینه در صدر مسئله است .

۲- این وسیله بیشتر بسالی بیماران روانی وزندانان و اطفال تطبیق خواهد شد . پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادر های حقوقی واصول های جامعه قابل قبول است و کمیته اچ ای ویلیو همه امور مربوط را کنترل می کند.

جراحی روانی بدون شک به حیث یک بعد قابل بحث ودر عین حال جنجالی در روانشناسی مدرن باقی خواهد ماند . فردا نوبدی است با دست آورد های نو شش در جهان دانستنی ...

اقامت در فضای کیهانی آینده بشریت را تشکیل میدهد به این ترتیب این سفر دور و دراز فضا یی نیز خاتمه یافت . حال علما از تحقیقات وتجارب اجرا شده آنها نتیجه گیری می نمایند اما سا لوت شش هنوز هم به کار خود ادامه میدهد . این استیشن برای اولین مرتبه دو سال قبل به فضا پرتاب شد تا حان هفده سفینه با او ملحق شده علاوه تا شش سفینه بار بر مواد محروقاتی نیز به استیشن سا لوت شش سفر کرده اند. اضافه ترازی یکسال کیهان نوردان در آن کار کرده و تا هنوز چهارده نفر به آنجا سفر کرده اند . اساس گذار سفینه های فضا یی اتحاد شو روی تسلیا لکو فسکی آرزو داشت تا در فضا شهرها ایجاد شودند ، دستگاهای ساخنه شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین ناممکن است بدست آیند استیشن های برق فضایی ایجاد شوند تا از انرژی آفتاب به این ترتیب در زمین استفادده شود. پر واز آخری وقتیکه نشان داد انسان میتواند برای مدت زیاد در فضا باقی بماند و در حالت بی وزنی زندگی میکند در آینده نزدیک آرزو های تسلیا لکو فسکی را بر آورده خواهد ساخت .

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مریض، ثبت تاریخ مریض و وقایع مربوط به او با داکتر مربوطه همکاری نموده و حتی در قسمت معاینه آنها نیز تلاش و فعالیت به خرج میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاینه پزشک نتواند کاری را انجام دهد با دکتور مربوط ارتباط برقرار میسازد و در مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی و هدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحتی کاملاً بعید بوده تماس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالتی از طریق امواج را دیویی و مفاهمه تیلیفونی حل مطلب می نمایند و حتی از طریق مفاهمه تلوویزیونی و راه دیویی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند.

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید یک پزشک انجام دهد منوط به عملیات و جراحی مریض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی و هدایت های لازم است که چگونه مردم میتواند کمک های عاجز و اولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند و نتوانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحتی حیات شانرا تضمین نمایند.

اصلاح متحده خدمات صحتی عاجل از طریق هلیکوپتر صورت میگیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگت را از بین ببرد.

یکی از متخصصین مربوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحتی روی دست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته و در حدود اضافی از هشتصد حملات قلبی مریضان به صورت فوری تدابیر و علاج گردیده و این بزرگترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است.

متخصصین مربوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار و هلیکوپتر های مربوط کاملاً با آلات و ادوات صحتی مجهز بوده تقریباً شباهت نزدیکی به یک شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گونه تدابیر میگردد. در امریکا در چنین موسسات صحتی عاجل اکنون اضافه از یکمیزان ششصد متخصص طبی و یکصد مکتب صحتی موجود است که پرسونل مورد نیاز تربیه و تعلیم می دهند.

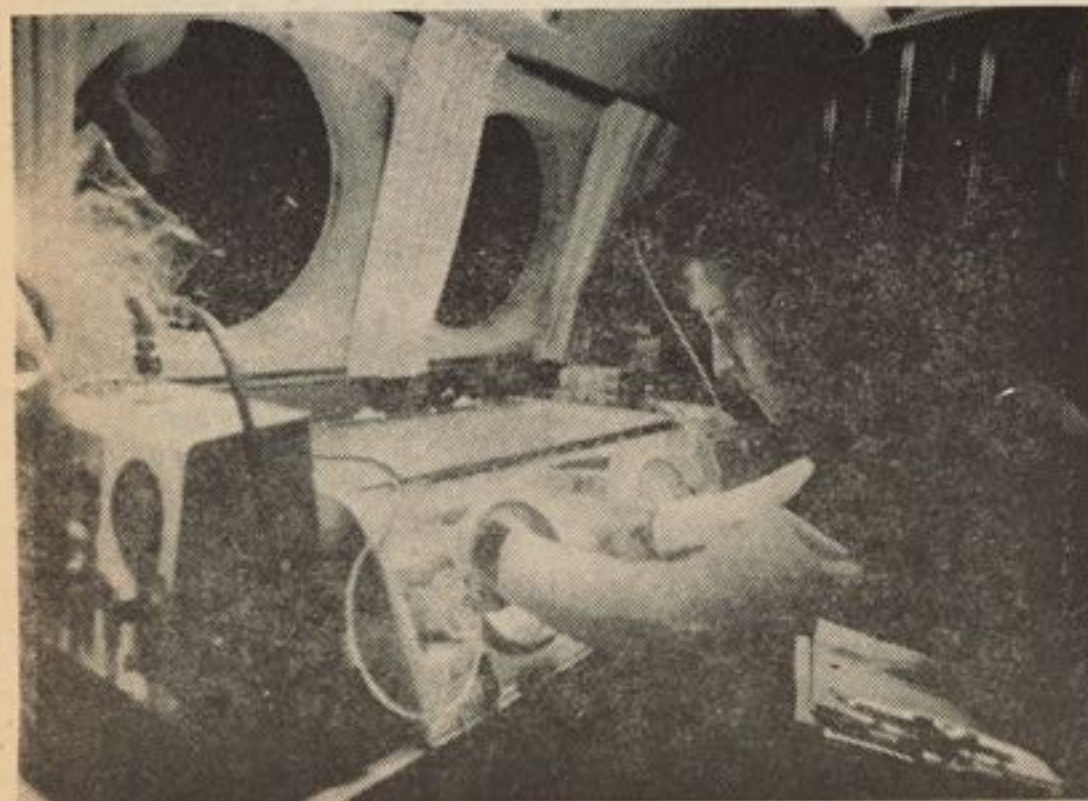
در هر یکی از امبولانس ها و هلیکوپتر ها داکتر معاینه و نرسها وجود دارند که نرسها



صحنه ای از خدمات عاجل صحتی که در امبولانس هلیکوپتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد.

مترجم: حفیظ الله عا دی

سایینس در راه مبارزه با مصائب ناگوار در جامعه بشری



یکی از عملیات طبی بداخل هلیکوپتر

درین اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد و این امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی، حریق و غیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مرکز صحتی قرار دهند چنانچه در بسا نقاط

جلوگیری از سوء تغذی

۱- ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبرو انکشاف :
تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادگی تکثیر نفوس را سبب میشود .
۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .
۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بنام می افراط جامعه
۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی :
عده از باعث فقر و بیچاره گسی قادر بخیرید مواد غذایی او لیسه نیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی نمیتوانند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :

بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، افات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده شده نمیتواند) ، امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت (از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) ، سند روم نفرو تیک زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بولی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند .

۵- ضرورت زیاد بمواد غذایی :

مثلا در زمان حا ملگی و شیر دهمی ، کار زیاد و شاته خصوصاً در هنگام سر ما که در ینصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند . عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها و کمبود آب خصوصاً در موسم کشت ، زراعت یک نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب و غیر فنی زمین زراعتی ، آتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی ، موجودیت حشرات پرانه گان و

جونده گان که بحا صلات زراعتی ضرر میر سانند و استفاد ه ادویه جات ضد حشرات نباتی بصورت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حاصلات زراعتی شده و بصورت غیر مستقیم در وجود آوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .
جنگک و جدال و بحرانات گونا گون :
زیرا از یک طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپورتی مواد غذایی بصورت صحیح بد سترس مردم قرار نمیگیرد .

صعود نرخها و احتکار مواد غذایی

نبودن کار و عدم استخدام مردم بیکار در اثر بر هم و در هم بودن توازن اقتصادی شان نمیتوانند غذا های مفید و لازم را خریداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران و اطفال که گروه حساس فامیل شان را تشکیل میدهند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که بولدار و قادر بخیرید ، هرگونه موادغذایی ضروری و مفید اند . بدون در نظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پر ستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضروری و غیر پرو تینی شیرینی دار مانند بیسکوت ، کیک ، کلچه ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفاد ه قرار داده یا اینکه همیشه بر نج را بصورت یک نواخت صرف مینمایند و خود را از غذا های ضروری و اصلی محروم گردانیده به اینتر تیب بدست خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخاطره میندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پر ستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر بودری تو سط بوتل یا جو شک میدهند (اگر نظر به عللی ما دران مجبور میشو ند که

مطالعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل موثره آن دریافت و تشخیص نموده و بعد از آن مطابق به علل و اسباب در یافت شده تدا پیرو و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تداوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوسی سوء تغذی :

- ۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصادی بصورت عمومی و از بین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .
- ۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، مالذاری و غیره .
- ۳- تاسیس و انکشاف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیست و کیفیت بصورت کلی و همه جانبه ،
- ۴- تربیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .
- ۵- تعلیمات تغذی به اولادین اطفال ، بخشش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو بهای مختلف مردم شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تربیوی معارف و گنجاییدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یزیون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پامفلتها در بین مردم پیشبرد پرو گرامهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .
- ۶- ترویج استفاد ه از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .
- ۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و صحی .
- ۸- فاصله بین دو حمل بایسد مطابق به اساسات (بلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیآورد .

بیمو حیب

به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده از کار مندان یک لاریکه مشروب سازی مدعی است که از یک نوع سمارق الکبول و نوشابه های الکبولی استحصال داشته است . پس سمارق اینک میتواند بجای الکبول نیز کار دهد . ازینرو در جهت شناخت نوعیت و خواص اینرژیک و طبی سمارق ها مطالعات همه جانبه ای ادا ه دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

اطفال شان را شیر بودری بدهند با ید اولا شیر رادر گیلاس و یا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند . در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقا دیرر زیاد شیر ضرورت داشته در حالیکه شیر بودری گران بها بوده و اکثر وایلین مقادیر ضرر و زی شیر را خریداری نموده نمیتوانند . و از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحوی سمانیکه شیر در آن تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبهای گونا گون در شیر مو صوف اولا باعث ایجاد امراض انتانی و بعدا باعث سوء تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفاد ه از شیر بودری بر علاوه گر سنگی اثنا نات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یک عده مواد غذایی غیر مفید و بی ارزش تجارتنی توجه مردم را جلب وایشان رابراه غلط رهنمون نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگردد .

بخت و پز نا مناسب و نا تمام مواد غذایی .

یا اینکه باعث عدم هضم و جذب میگردد و یا اینکه در اثر بختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب و غیر قابل استفاد ه گردیده و به اینتر تیب راه را بطرف سوء تغذی باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلو گیری نمود لازم است تا اولتر از همه در پی دریافت عوامل آن طوریکه فوقا تذکار بعمل آید شتافت که برای این منظور بایسد قبل از همه بتال وژی اجتماعی را

های مذکور یکتوع دیگر سمارق میتواند امراض مبتلا به سرطان را از شر این مرض مهلک و جانگناه وارهاند و پس از تداوی مداوم در بهبودی زخم ها و کاهش و محو آرمور های سرطانی کمک فراوان میدارد . سمارق های شفا بخش از گسترش و انتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبارزه ضد اختلال معالجه طبی است زیرا در حال حاضر طبی بت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تا ثیر مثبت داده رد میکند .

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته میتواند . اغلبا به معالجه روانی روز پیشرو داده میشود در ضمن قسمت اعظم معالجه مر بوط به خودمریض نیز می باشد .

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مثال غم لغال جا ده ، ترا - نسپورت شمرده شود اثرات منفی بار می آورد . معمولا اشخاصی که در محیط پر شور می کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار راحت می خوابند و اگر محیط بکلی آرام باشد این اشخاص خود را آرام حس می کنند . اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نه می رسد چندی بعد شکل عامل اصلی به خود می گیرد و چون نکه تمام افکار متوجه عامل خارجی میشود همیشه باعث اختلال خواب میشود .

بقیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

حاضر اضافه تر از پا نزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدوا های خواب آور استفا ده می کنند . اما اگر دوا های مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الخره شخص مجبور میشود تا هر روز از آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ خواب کرده نه می تواند .

اگر از استعمال آن در این وقت نپن ناوخ قستض عنقند آه صرت صرف ظر شود فشار روحی زیاد را بار می آورد . دوا های خواب آور معمولا رژیم خواب را بکلی تغییر می دهد . قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سر یح ایجاد شده و تفریب ده دقیقه ادامه می یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را میگذراند و در اوقات صبح مر حله خواب سر یح سی تا چهل دقیقه طول میکشد . تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سر یح را که برای انسان ضرور است بر هم زده و به تد ریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته های عصبی را بر هم میزند . بدین ترتیب اگر از تو صیه های بدین ترتیب اگر از تو صیه های فوق استفا ده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید .



گرویی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، دوطلبانه سهم می گیرند .

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

در «سلوونیا» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سرامری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می کردند ، امروز از بنایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک تعلیم و تربیه اساسی را فرا گرفته اند بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی ، میتوانند با استعمال بمبها و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند . این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه ها » شهرت داشته و از یکتعداد شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و متشکل میباشند که واحد های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک ، چون موروملخ یا بسان مگمان زهرناک بر سر روی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد نارنجکها در امجای آنان دلیرانه دست بکار میشوند .

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کار مندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشكل منظمتر و پیشرفته تر آن ، موضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسائل دفاع ملی کشور ، فاکولته (پوهنخی) مجبزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد . همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب ، نوع چنین پوهنخی بی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعلا نه در طریق آموزش عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد . بنحویکه این تجویز به استقبال بر حرارت زنان دختران مواجه گردید و شمار ثبت نام درین رشته بیک معیار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد . باید متذکر شد که قسمت زیاد اموردفاع ملی بشكل آموزش عملی آن ، خارج از محیطه پوهنخی و آموزشگاه نیز دنبال میشود و این

انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حس شهادت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد . بطور مثال : پیغله «سوزانا چکوفلزوویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای فعال دسته کتافان و پیگردان (مربوط به سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایسالت «صربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان پسر افتخار «پارتیزان کشاف» یا «کشاف پارتیزان» منتخر و موفق گردیده است ، ضمن مصاحبه به خبر نگار مجله ما هانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است :

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمائش و وظیفه محوله و نه بحث فاسد پارتیزانی بود که در قبال سیر و منات خود را بدان معتاد ساختم . چنانچه بکروز تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از انتظار و تکسایوی پاسداران و پاسبانان طسوری گذشتادم که آنان گاهی بشكل دسته جمعی وزمانی بطور پراکنده در جستجوی من بودند تا مرا دریابند ولی موفق نشدند . در آنحال پس از یکسلسله عملیات تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان بهدق مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد . تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت و مهارت براه طولانی روان شدم که پاسداران حتی رده قدمها و راه پای مرا هم پیدا کرده نتوانستند . هنگامیکه با فراسات، مواظبت و هشیاری عمیق راهپیمایی میکردم، کلیه آنچه بیا میباری محوله و سپرده شده را بخاطر می آوردم که از رهگذر یک عملیه آزمائشی بین تقسیم و محول گردیده بود .»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر پوهنخی های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در مفردات درسی همه پوهنتونهای غیر نظامی آلتکتور ، مضمون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آرا باولع و اشتیاق تمام می آموزند .

عیار نمودن...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زما نیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریخ و یامدارسیاره زهره بر سند دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن بسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیو ریتمو لوزی کیهانی (مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لوزیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرفات از حالت نور مال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع درحین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشتنه و هزینه انرژی) در حالیکه زمان خواب بحال نور مال نگهداشتنه شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

مادامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نور مالش نگهداشتنه شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بسالی عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

بر یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجها بیک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی بپرسد که او با تکنا لوزی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را با پر یود های طولیل یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرفات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرفات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) توافق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تاثیرات خارجی

پلان اعمار شهری

جها نی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه و نزد یک شدن انسا نها وشنا سایی یکدیگر نقش بزرگ را ایفای نماید او علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکه زیاد تر صورت گیرد به همان پیمان میتوان در رفع کدورت ها و درک های نا در ست مردم از یک دیگر قدم برداشته و این امر در

باج

نوی وخت داسی خو نبی وزیر ولی چی دمحمد عمر کو چی په شان دیر نور غم لړلی کو چیان د داسی بد بختیو څخه خلاص شول چی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی دخوازانو مینه بکی وه د زړه سواندو څپسو نغمی بلبلانو و غبرو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارو نه یی هر چا گټه اخسته . دشرق ځلانده دیوی دیری تیاری خونۍ رو ښانه کړی .

دمسلمانانو...

داسلامی هیوادو نو سپو رت مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا بری کړی؟ هو ولی نه! ددی له پاره چی سپر کال داوړی په مو سوم کی دالمپیک نړیوا لو لوبو په وخت کی د اسلامی هیوادونو ور زشکارا نو او سپو رتی تیمو نو ته زیاتی آسانتیا وی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورده خوا همدا اوس یو لړ پلانو ښه طرح او تر اجرا لاندی نیول شوی دی . ددغو پلانو نو له مخی دتو لو هغو اسلامی هیوادو سپو رت-

مینانو ته چی د ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نړیوا لو بوکی دبرخی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له کپری چی دمسکو په جوما تو نو او اسلامی مرکزو نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنورونبارونوپه جوماتونو کی اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی کبله چی دمسکو د ۱۹۸۰

کال دالمپیک نړیوا لی لو بی دروژی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ور خو سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دبورده له خوا ددغه

مبار کی میاشتی دمهذبی مرا سمو دتر سره کو لو دپاره ضروری پرو-

گرامونه او تدبیرونه تر اجرا لاندی نیول کپری . ددغه پروگرامونو په تطبیق او عملی کو لوسره هر مسلمان

ورزشکار او سپور تمین کولای شی چی دالمپیک دنړیوا لو بو په ورخو کی روژه ونیسی او خپل مذهبی مرا سم په خای کاندی .

اعظم لاکبر ددغه اختصاصی مرکز کی په پای کی هیله څرگنده کړه چی دنړیوا لو مسلمانانو دسولی او نړیوال امنیت دپینگښت په برخه کی دهیڅ ډول مرستو او همکاریو څخه ډډه ونه کړی .

تجربید شونده هر کدام شان (پسر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل کشتی فضا یی دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

استحکام پای های دو لتی - صلح وترقی وشکو فانی جامع بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسابقه گفته میشود که درین جا در حدود بیست و هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشد وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که درینجا محل مناسب برای آب بازی - جمنا ستیک نیز بوده و کسانیکه علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت رهتمایی مشاوریان به آموزش آن بپردازند .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خواند شو . دکور خواند شو دعزت خواند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی دتیرو زړو خاطر و لپاره بکی خای نه و . هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی ددیرو بسی وز لانو لپاره بکی د ژوند خو اواره زیری پراته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی . اتبو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سرگر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود ، په سرو او تو دو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زړو مناسباً تو رپرو لی وو .

(پای)



رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن ولینتگراد معلومات میدهد .

دیه صفحه ۳۰

پوست قره قل افغانی...

- انستیتوت قره قل يك موسسه غیر انتفاعی می باشد که جهت انکشاف تجارت قره قل فعالیت می نماید .
وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد .
مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی انتقال بمارکیت های بین المللی ، عرضه و فروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست افغانی .

این انستیتوت پوست قاجر انفرادی رامثل يك اتحادیه جمع ودر حقیقت يك خدمت به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند از جوان گرفته تا فرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و تشریح هم می نمایم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این بود که پنجاه هفت هزار جلد پوست تجارتی انفرادی را در یک بارتی بزرگ مخلوط و بنام انترسورت بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظریه اتر سورت از چندین سال پیش نهاد شده بود مگر در زمینه کام عملی نهاده نشده بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تجار را قانع بسازیم و البته پول پوست هر تریه تنا سب کیفیت پوست آن داده شد که تجار از نتایج آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر انترسورت نمایم .

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ، مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد آموخته اند که چگونه گوسفند تریه و جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که جنسیت قره قل ما عالی و کم نظیر هم میباشد .
در آخر از عبدالنسی پایا خواستیم تا مختصر معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی خواهد بود و امید ما بتوانیم صادرات پوست را انکشاف دهیم ، یک زمانی افغانستان سه ملیون پوست قره قل عرضه می کرد .

عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید می نماید تغییرات مد و فیشن، بحران ارضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند، خوشبختانه امسال در اثر برفباری های اخیر گوسفندان از ناحیه کم آب و خشکسالی آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستیم تا بگویند که مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند قره قل در اتحاد شوروی و افریقای جنوبی و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟
وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد شوروی و افریقای جنوبی با ید گت که تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکائیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل سروکار دارند از عدسیت ها، شاپهای کلان و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند، به اصلاح بازی با قره قل را آغاز نمودند از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، پلاپوش، کرمی، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و جیمبر بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نهایتگاه فرانکفورت که اکثرا ترند بمارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصا خانها به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع شد که بطور طبیعی بنفع قره قل افغانی تمام می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل شروع به بلند رفتن نمود که البته برای تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام پوست هاییکه جمع آوری و به عرض لیلام گذاشته شده بود بفروش رسید .
فعلا از وضع بمارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زیادگیهای رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

ها در آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها و عکس هایی که از این چهار نفر دانشمند رفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت های علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد . او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت لیز» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند . «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جا معه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد . رفیق او «میتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

ها تحقیقات و تئوری های علمی او زنده است وبرعینای همان تئوری ها خصوصاً تئوری نسبیت او است که تکامل علوم بر سابقه تر شده و انقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تئوری نسبیت را بی ریزی نمود .

هیئتگوه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعه آکس را می توان از کرسنل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود .

درین او اخر یاد بود از چار نفر دانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هرچهار این دانشمندان در طفولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق ودوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸ ، «اتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹ ، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «ماکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم جهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش و فعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خودش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر بیک شخصیت علمی بین المللی محسوب میگردد همه کشور ها مخصوصاً دانشمندان و دانش پژوهان هرکدام صرف نظر ازینکه از کجا هستند و به کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالمت های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت هسپری و تبعه بودن او را از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنها خصوصاً انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق و دوستان صمیمی جهان

کند . بعبارة دیگر لازم است تا درین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سبورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟

از وقت است گفته شود که انسان درین موزه های غیر معمولی چه احساس خواهد داشت و آیا میتواند بزودی با موزه های مذکور عادت کند . بعبارة دیگر لازم است تا درین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سبورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟



اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله رمة خود را اداره کند . جیودیز بست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند . اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میک» نیزه شده . را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آت را تهیه کرد ومورد استعمال قرار داد ..

موزه های موتور دار

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بردارد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

با این موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتعاش پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این لکه نیز ضرور است تا یو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

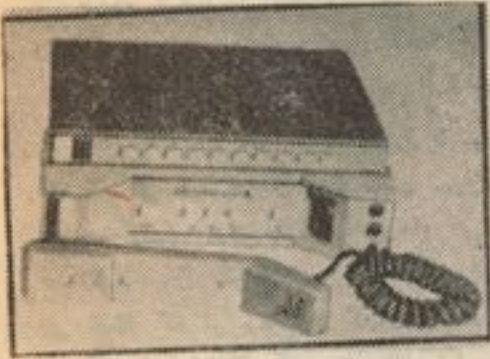
اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بردارد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

با این موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتعاش پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این لکه نیز ضرور است تا یو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

عصری ترین وسيله ارتباط

متخصصین اتحاد شوروی سیستم ارتباط رادیو تیلیوئی را درین اواخر طرح ریزی کرده اند .
این آله که بنام «النای نرم» یاد میشود در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، بروند مورد آزمایش قرار گرفت و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سهولتی شهر مسکو و دیگر شهر ها را با هم مرتبط میسازد .
بالا مذکور میتوان از موبوترون تیلیفون مورد ضرورت را دایر نمود و حل مشکل کرد حتی از داخل موبوترون باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیک مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع دستگاه های بکار انداخته خواهد شد .



ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید بیج و تاب های تازه ای داده شده و مسیر های بیج در بیج و مغلق اشخاصی راکه در ریل هوایی سوار شده اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد .
ریل هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است و جای وسایل قدیمی راکه در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود گرفته است .
این وسیله مرکب است از یک ریل سرباز با کمر بند های که روی شانه نصب میشود . بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلدورنیا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع دارد و طول مسیر آن یک کیلو متر است و در پایان راه از یک دایره ۲۶۰ درجه ای عمودی عبور میکند .



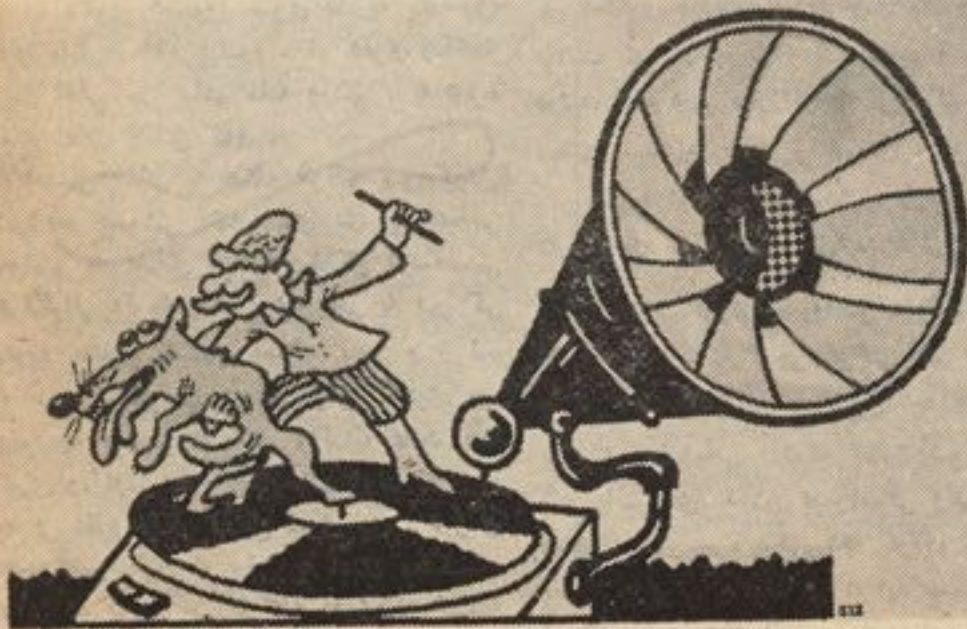
ترجمه رازق علیمی

گرگ و رقص

تانگو

گرگی بود که یکی از ساوخورز های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده بود .
بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچویدند . هر چند که کوشش میکردند گرگ را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار میشد ، حتی هر بار صید را نیز با خود میبرد .
مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کشت علف سنگها را ثبت کردند اما گرگ بزودی این راز را درک کرد هر چند فرار می کرد در عقب خود سنگ ران میدید .
در یکی از شبها تکپایان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده باشند کشت بانبت تانگو را می شنیدند . یکی از تکپایان طوری حس کرد که کسی موسیقی

را همراهی میکند . همینکه موسیقی را خاموش کردند دیدند که گرگ در یک فاصله نرسه و زوزه میکشد . گرگ تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که تکپایان به بسیار آسانی و بیدون سلاح آنرا دستگیر کردند و بعد به باغ وحش لیننگراد آنرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لیننگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود : «تانگو را بسیار دوست میدارد .»



صحنه ای از دستگیری گرگ توسط موسیقی خاص ثبت شده در کشت

جلوگیری از پیشرفت سرطان

ادویه هایی که تاکنون ساخته شده رقابت خواهد کرد .
تاکنون در حدود پنجاه نوع آمادگی طبی طور معمول در تداوی سرطان در تمرینات طبی در جهان بکار برده شده و تا هنوز هر ماده که جدیداً کشف گردیده با امیدواری زایدالوصفی مورد استقبال قرار گرفته است زیرا تومورها طور عموم بیک سرعت سرسام آور رشد نموده و مقاومتی که در مقابل ادویه های جداگانه دارد «تکتیک» های خاص معالجه را جهت تغییر مداوم و ثابت آن ایجاب میکند .

یک تیم علمی تحت رهنمائی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید .
آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی ازین مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با مؤثر ترین

خوش و سامان جراحی را خوب شسته و تعظیم نمائید . با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای بدن یک شخص به شخص دیگر می باشد .

از جمله مهم ترین این دستگاه های هم دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده یک شخص به شخص دیگر میباشد . همچنان این دستگاه الکترونی قادر است که در اتنای عملیات قلب و شش وظیفه قلب و شش را برای انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده اند که بعضی از اعضای سالم یک انسان مرده را بیک شخص زنده انتقال دهند و فعلاً انتقال فرنیه چشم یک مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده و اکنون دکوران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بمثل چشم و گرده از یک شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از ماقبل تاریخ آغاز شده و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خود را طی میکند و فعلاً این علم در اثر کار و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .
در اینجا یک نظر مختصر به سیر تکامل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :

در جریان قرن زده باستور اظهار نمود که اجسام غیر مرئی زنده باعث انتقال امراض میشوند و بعد از آن جوزیف لیستر به اکثر عاقدماند که اگر میخواهید مریض تان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتر دستهای

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

زه په پریشانی سره خپلو نویو ملگرو ته گورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسې ښکاری چې کمیسار او خوی یې هم پدغو خبرو اترو کې او دهغې نتیجې په برخه کې مینه او ونډه لري . کارخانه لرونکی خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

- ډیر ساده کار دی ښاغلیه، زه چې دلته راغلی يم د موضوع پرتولو خواو باندې مې ښه سوچ کړی دی او هغه مې ښه خپرلې دی او په وروستی پړاو کې دی نتیجې ته رسېدلی يم چې باید خپله فابریکه دهیلو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظریه پدې هکله څه شی دی؟ دجوړولو دپروې هېوکی لرونکی کا نسرو دجوړولو دستور العملونه خورا ډیر دي . هغه ښاغلی چې گوري (سرطاس سړی) خواته اشاره کوي دپوی مغازی مدیر دی چې هلته خوراکی شیان پلورل کېږي او ټاکل شوی دی چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسو ته پیشنهاد کوم چې دفابریکې دفتري رئیس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښایې اقرار وکړم چې دپوچولونو سره مخامخ يم، په ډېه سوالو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان یې هم حیران او هک پک دی .

- هوکی، موږ کولی شو چې دالوتونکو کانسرو جوړ کړو . البته دغو پو سره له ډیرو غوږیو سره . زه گمان کوم چې موږ پدې توگه کولای شو چې دامریکا لپاره په غیر داسې خواږه جوړ کړو چې بیا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زموږ په هیواد کې ساتی نلري . زما هیله داده چې دفرانسې د پخلی ټول شاهکارونه په یوه قوطی کې ځای کړو او بازار ته یې وپاندي کړو .

زه دکوی دمسوول سړی دپاره پلمه خپل نوی ملگري څخه بیلیم ، خو هغوی زما څخه ژمنه اخلې چې بیا هم هلته ورشم ، په ډیره مینه خدای پامانې کړو .

دداسې خلکو په هکله څرنگه سوچ کولای شو؟ په ایپوښې اخته شوی دی یا دتعمومي حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعې څرنگوالی دتوجه وده ، دوی چې په لېر کې دلوړو مقاماتو څښتن وودلته به یې و ز ل و او بیا خلکو تبدیل شوی دی . دوی چې پخوا په پرتیب او آرام ژوندانه عادت پیدا کړی و، اوس په ویجاړ حالت ژوند کوي او په بې دفاع خلکو تبدیل شوی دی . دوی د اردوگاه دقانون له مخې په اعدام محکوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تیریم راته غبرگوي او زه هم ورته سلام ورکوم اوځوی اهمیت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل یوه بپایه جوړوم چې دکښیناستوخه ځان وژغورم . دغو څلورو تنو ته بهر ته د خط لیکولو اجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو لیکونو خواب ته منتظر دي . یوه شپه خبررسېری چې دپولیسو کمیسار ته یوغږ پاکت رسېدلی دی، دغه سړی په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دپېر څخه ورته یو پاکت رسېدلی دی . زه هغه شپه ملاقات ته یې ورغلم ځکه ډاډېم چې سوچ ولکړی چې زه ورڅخه کوم شی غواړم ، سبا سبا کله چې دڅنگ څخه یې تیرېم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغېر څخه وروسته په غمجن غږ راته وویل :

- وحشتناکه ده، ښاغلیه، ډیره وحشتناکه، همدانې شپه زما پاکت یې غلا کړی دی . ملگري یې چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداری ورکوي :

- غصه مه کوه زما لپاره به زیاته اندازه کانسرو ولیري ... زښته زیاته خودغه کانسرو هېڅکله وله رسېد، خواته ورځې وروسته دغه بندیان دواړه مړه شول . ناروغ بندیان دورځې له خوا اجازه لري چې متراح ته دتللو لپاره دروغتون څخه روځې متراح هغه لوی اوبی دروازی انبار ته ورته ده چې په پوخت کې دوه سوه کسان کولای شي څنگ په څنگ کښی او خپل ضرورت رفع کړي . متراح ته دڅنگ په وخت کې هېڅوک کالی نشي اغوستی . باید دپو لیکر او بیان سره سړی هلته لاېشي . دغه ورځنی وتل دپریکې ټینگولو لپاره یواځنی وسیله ده . موږ پدې توگه کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په یوه ټاکلې ځای کې دملگري ((دیده)) سره گورم . او په فرانسې کې د ((دیده)) سره ښه آشنایي درلود، هغه دپو عباراتو په ترڅ کې په سختې سره تپي شوی ؤ او سره له دې چې ډیر ناروغ اوضعیف دی دخپل روحی قدرت سره پدې بریالی شوی چې دبنديخانی شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندې مقاومت وکړي .

دغه داوسپنی کارگر چې یوځلی هم دخپلې وضعې څخه شکایت ندي کړی، په غیر مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شوی دی . ښه چانس دی، دآش یوه اضافی ونډه ورته رسېږي . پرسمیره پردې هغه کولای شي چې بطلون اوکرتي واغوندی او باید دسپار له تریگاه پورې دبنديانو سر اوږیره وڅړي . تصمیم نیسم چې د((دیده)) په ملگر تیا

دفرانسویانو په منځ کې دورورگلوی (د غلیم سره دښمنې) سازمان منځ راوړم ، ددغه سازمان مسوول به هغه وی . داځکه چې هغه دخپلې دندې په اساس تل دبنديانو په منځ کې وی . د بنديخانی دنورو برخو سره دغه داپیکسې دټینگولو مسوول په هماغه اسپانوی وی کوم چې هر سبا د ((تونی)) له خوا ماته لیرېدل کېږي . وروسته بیا دروغتون په هر بلوک کې یو ملگري ټاکل کېږي چې دغه سره به تماس کې وي اودغه ملگري هم یو بل ملگري دمرستیال په توگه وټاکي ترڅو چې دروغتون څخه دوتلو په صورت کې دهغه دندې سرته ورسوي .

دتونی دلیکونو څخه یو هیرم چې په اردوگاه کې هم زموږ دتکلیاتو مستی آښکړی . خواته فرانسویانو چې دپېر څخه خواږه لاس ته راوړي ، دغه ژمنه یې کړې دی چې ددغو شیانو یوه برخه دناروغونو دپاره بېل کړي . نور څو تنه چې کار نه کوي اویا په سپکو کسارونو گمارل شوی دی هم ځنی وختونه دپوښې ټوټې په ناروغانو ته ولیري . پدې توگه کېدای شي چې په اولی کې دوه ځلی دخوړو وده غوټه ناروغانو ته ولیري . له بده مرغه ضعیف ناروغان دومره زیات دي چې نشو کولای دغه لېرشانه خواږه د ټولو ترمنځ وویتونو څکه تر ټولو ډیر اړ ناروغان لټوي او هغوی ته یې ورکوي .

دهغو گذارشاتو له مخې چې هره ورځ دپلاک مسوولین ((دیده)) ته ورکوي تصمیم نیسوي چې دفرانسویانو دوضعې دڅرنگوالي په هکله یو رپورت جوړکړي، وروسته ییادهدغه رپورت له مخې دخواږه هغه غوټې چې لاس ته راځي دهمدغه کمیسون له خوا وویشل شي . دخوړو په اوږدو کې دغو ټولو کارونو ته ترتیب ورکړ شو . ((تونی)) هغو ونکس لیکونه ماته را لیري . هره ورځ گڼ شمېر نور فرانسویان زموږ دورورگلوی دغه سازمان سره یوځای کېږي . دورورگلوی دسازمان لپاره مبارزه موزته یوه پرتیمه مبارزه ده ، داځکه چې دبترې افرادو ژغورنه ده د مرگ څخه . یوه شپه ((دیده)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چې زما دپلاک لپاره تخصیص ورکړ شوی ؤ ماته را کړ . دهغو څلورو کسانو څخه چې باید ددغه خواږه څخه گټه واخلې یو فرانسوی سړی هم دی چې ((ژروم)) نومېږي، موزدهغه په لټولو پیل کړو ورو ورو دکټونو دڅنگ څخه تیریم او دنوموږی ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په یوتیاره گوت کې پیدا کوم . یوه ښه یې ماته ده له همدې کبله نشي کولای چې دکټ څخه ښکته شي .

زه خپل دهغه دپو وپتوال په توگه ورپېژنم اوغوټه دخپل کفیه څخه پام او هغه ته

وړاندې کوم :
- واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه خواږه یې دتا لپاره لیرلی دی اودتعمومي دورورگلوی دسازمان په واسطه یې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم .
- نه ډاډه یې چې دغه غوټه یې ماته لیرلی دی ؟
- مگر ستانوم ((ژروم)) ندي ؟ مگر هج کې په اردوگاه کې ((واو)) نه نومېدی ؟
- هوکی .
- ښه وروسته ستامال دی . ما اشتباه نده کړی .

سړی غوټه خپل سینه باندې پدې خو د خلاصولو جرأت یې نلري . او وروسته بیا جرأت کوي او غوټه پرانیزي . پدغه ټوټه پوښې او تری ټوټې قندپه هغې کې وه .
- اوه ! مننه هلکانو . دانو ډیره فداکاری ده ... ډیره ...

- داخبرې پرېږده . ترڅو چې زه دلته يم دبستن لاندې هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه یې غلا کړی .
- نه هم لږ تر لږه یوه مړی خو واخله . ((ژروم)) خپل مخ گرځوي او دستر گو څخه یوه قطره اوبسکې پر مخکې لویږي .
- که وپو هیږي چې خومره خو شحا له نوم ... که وپو هیږي ... که وپو هیږي ...

او دغه سړی چې بیر ته دژوندون خواته ځي دژبا او خندا په حال کې خپله پوښې خوړي . زه پداسې حال کې چې ورته گورم، زیاته خو شحا لی احسا سوم .

اوس بیخي دا امکان شته چې دمرگ څخه دملگرو ژغورنه پیل کړو .
(ژوندون ته بیرته مستبد ل)
- نوم دی څه دی ؟
- سره
- دکوم ځای اوسیدونکی یې ؟
- دموورانتن

- خو کلن یې ؟
- ډیر ش کلن .
- سولی ونیول شوی ؟
- ددی یو ښتی خواب دی ډیره اوږده ده .
- څه فرق کوي مگر موږ ډیر وخت نلرو !
- ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنی ډول ور سره په غږ پیدا پیل کوم او اوس زما دوروستنې یو ښتی د خواب لپاره ځان چمتو کوي خوشیې مخکې زما دچیر کمپ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه دیو بل یوگو- سلای قیدی سره چې ټول ځان یې پلمتردی په یوه چیر کمپ کې پروت دی . هر څلور ویشت ساتنه وروسته دغه یوه ټوټه پلمتر سوری ، سوری کېږي او بد بوی ورڅخه جگپړي . له لیکه مرغه پدغه وخت کې هغه یې دکنې لپاره وږی دی او موږ کولای شو چې په هو سا خاطر یو بل سره وغږیږو زما هم چیر کمپ (هغه سړی چې زما سره په یوه چیر کمپ کې دی) ماته خپل ساپولسی او ویده ده .

ښه رنه ، ته وویلی چې ؟
- هوکی ، ترټولو ښه نومې ښا یې وپوهیږي چې څه یو فصل جوړونکی يم . پلار مې- آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډیر ژوندی لکړه ده . هغه دجگړې دخلورو

منته

سر

وه خو بنا يي جي ڪومه مهيه ڏنڊه يي ڇڏي
 لودله د اڻڪه جي به ڏيره آمارا نه تو گه
 غيڙ ڀڙ له او ستر گهي هيڃ ڏارنه درلودلي.
 سستا سو به سيمه کي ڪمو ڀيستان هم
 وه؟
 - هوکي وه، خو مون حق نه در لودل چرله
 هڻوي سره اه يڪي ڀيڻگي ڪري .
 - او ته سو چ نه کوي جي دهغو وسلو
 يوه برخه هڻوي تهور ڪري واي ؟
 - نه ڪا ملا موافق وم ، ڇڪه زه پوهيد م
 جي هڻوي به دغي و سلي به ڪا رواجوي.
 خو پڌ نه هڪله تميم نيول زمو ڀحق
 نه و .
 - گوره (رڻه) ، يواخي هغه وخت غليم
 باندی برياليتوب امڪان لري جي ته
 او دقا به خير نور جنگيا لي خلك سره لاس
 يو ڪري .
 (رڻه) پس له دغه خبرو اترو ڇڻه سا
 سره ملگري شو . هره ورڇ دڇيل ڏڙو ند
 سيمي ، ڊڪور ، ڀنڃي او ڪوچنيا نو پيه
 هڪله غيڙ ڀڙ له . زه او س يو هيڙم جي
 ددوي ڊوڙي به ڇونه کسي يوه او دسپني
 ڇڻه چوپ شوي گل شته جي خپله رڻه
 هغه چو ڊ ڪري ٿي .
 زه اوس ڀنه يو هيڙم جي دباليست ترڻنگ
 يي يو وڇ ڇراغ شته سڄو وڪونو د ڇرا غونو
 په خير . زه اوس يو هيڙم جي ڀنڃه يسي
 شر ميلي او ڏيره خونه ده . زه او س دهغه
 په ڪور کي ڀنه بلد يم . پلار او مور يي
 هم پيڙنيم . مينه وال ، ڪاونديان اوان
 د دهغه ڏوڏا نه ڏيري وڃي ٽڪي با ندي
 ڀنه يو هيڙم . (رڻه) يو نجيب ، ساده او
 ڏوڏانه ته اميد وار ڪار گري ، هغه به
 عين حال کي چمتو ٿي جي دڇيل هيواد په
 لار کي خپل خون خان چار ڪري . (رڻه) ما
 باندی ڏير گران ٿي .
 تن سهار پڇيل ورڃني ليک کي (تو ئي)
 ماته ڏير مهم خبرونه در لودل . (رو ڀر)
 جي پنڃه ميا شتي مخڪي زمون نه يسل
 شوي و بيرته اردو گاه ته راغي . هغه يي
 پارس ته پوي لي وه تر ڇو جي د گشتا يو
 په وڻاندي يو خل بيا ورڃنه استنطاقو ڪري
 هغه يو سلو پولس ورڃي د (فرن) به چيل
 کي ڪوته قلعي وه . اوس هغه دقرنطينه په
 برخه کي په اولسم نمبر بلوڪ کي سا ٿل
 ڪيڙي . ڏير ڏ ٿگر شوي ٿي خو (تو ئي)
 ڪو لي شتي جي هغه ته په ورڃ کي يسوه
 ڏوڙي ور سوي .
 بل خبر ڏانه جي ڪو لي شو دهغه په
 واسطه بنديان در گڻ ڇڻه وڙغورو. ليننگراد
 بيخي خپلواڪ شوي ٿي. دا پوه هڏيه د ه
 ستا لين ته د سور پوخ دڻڻڻه وڻشسي
 ڪاليزي به وڀار . زما په خنڪ کي يو
 فر انسوي پروت ٿي جي دهغه خبر په وڻاندي
 بي تفاوت ڀنگاري ، خو (رڻه) خو شحاليري
 اووايي :

- ڪله جي ڀير ته ڪورته ستون شو ڏينمي
 شبي نه دري ساعته تيره شوي وه . ڀنڃه
 مي خيلا ستلي نهوه او ڊپلار او مور ڊڪو ئي
 ڇراغ هم بل و . پلارمي به ڀيره را ڇڻه
 يو ڀيڻه وڪره جي ڊڪار نتيجه ڇڻه وه ؟
 او ورو سته بيا ڙير خا ئي ته لڳي او سو .
 بوتل شراب يي راڻو . ڊڪورني ٽول غري
 خو ڀي او خو شحال ڀنگا ريڊ ل .
 - ڇه ڀنه خلك !
 - ڇه ٿي وويل ؟
 - هيڃ اڏانه وڙڪره .
 - وروسته بيا ڊڪار ڀنه بدلون ومو ندله
 زه نور دبرجونو ڏنرو ڏيو لپاره نه تسليم .
 په تيره بيا دهما ڇه يو ڇلي نه پر ڳهيا
 هيڃڪله ڊڪو مڻي به چا وڌو او لاس پوري
 نه ڪره . مون يواخي ڏيڻار نه بهر ٿلو ترڇو
 هغه و سلي جي ڊالو لڪي ڇڻه مون ته اجول
 ڪيڏل تر لاسه ڪري .
 - تاسو ته ڊيرا شوت سره هم و سلسي
 اچو لي ؟
 - هوکي هره شپه جي آسمان شين و ما
 ويڙل جي اوس به (روڙه) راڻي . او هغه
 هم را ته ، او مون پڇيلو با يسڪلو نو
 سپريڊو او دلسونه تر شلو ڪيلو متر و
 پوري ڏيڻار ته بهرو ٿلو .
 - تاسي يواخي دوه ڪمه واست ؟
 - نه نور خلك هم وو . مون به ٿل به
 تا ڪلي خا ئي کي پنڃه يا ڇلور ڪمه وو . ما
 ٽول پيڙانده ڇڪه جي هلڪان به ز مو ڀڏ
 ڪو ڇي خلك وو . دهڻوي به منڃ کي يسوه
 تنه يوه لاري مو تر هم در لوده ا وهما ڇه
 سپري و جي و سلسي خا ئي ته رسول .
 (رڻه) ماته دوسلي دتو بلو ڇرگوالي
 شرح را ڪوي .
 - تاسو ددغو وسلو سره ڇه چا ري سرته
 رسول ؟
 - نه پڌي هڪله ڇه نه يو هيڊ م ڇڪه جي
 مون دغه و سلي ديو ڪيلو ال ڪور ته وڻا او
 هرو مرو به نور ڪمان دغه و سلي ڪو م بل
 پت خا ئي ته وڻل . خو هغه شتي با ندي جي
 زه ڀنه يو هيڙم م ڏانه جي مون د ۱۹۴۳ ڪال
 ڏوڙي په مياشت کي وڻيول شو . دوسلي
 اڪثره پت ڇايونه ڊالما نياو له خوا ڪشف
 شوي وو .
 - نو پڌي رنگه ڏاڻولي و سلي هيڃ په درخونه
 خود ؟
 - هيڃ!
 - ستاسو رئيس ڇولو؟
 - زمون ڀن سيمي رئيس (روڙه) وه . خو
 دهغه پور ته هما ڇه سري و جي مون يسي
 ديوتر سره بله ور ساوه . دهغه سري نه
 پر ته يوه ڀنڃه هم وه جي ڪار ڪو له ، خو
 ما يوه ڇلي هغه وليد او هغه هم يوه شپه
 وه جي يو ملگري ڊيرا شوت سره ڀنڃه
 ڪيڏ له ، هغه ڀنڃه دغه ملگري په موٽر
 کي ڪينا وه او را هي شوه . زه يوا ڇسي
 دومره يو هيڙم جي هغه يوه انگليسي ڀنڃه

مواد مو دتو موري برج لاندی ڪنڀينو ڏاو
 او ر مو ورته وڃول او و ٽپيندو . ڪله
 جي برج چا وڊيده مون ڏيڀني له خا په
 ڏير ڀيري وو .
 - ڀنه ڪار و ، آيا سستا سو ڊڪار وسايڻ
 لڙ نه و ؟
 - اوه ، هيڃڪله ، تر ڇو جي موزيه غوڻه
 چا و ڏونکي مو پهواڪ لڙل .
 زه دهغه برج په هلڪه سو چ ڪو م جي
 بنا يي ڊبا ريس په سيمه کي دور انڪاري
 لومري ڀيڻه وه . هغه داسي يو برج و جي
 (تامپ) په سيمه کي ڏير ستر برج و زمون
 دوه ڏله ملگري په دري ڪمپزه تو گه پڻي
 هڪله سلا مشوري يي ڪولي . هيڃ چاوڏو لڪي
 مواد يي نه درلودل ، يواخي د او سڀني د
 تراشونو سامان يي درلودل دناچاري له
 مخي يي ڊبرج دستو په ڇو ڇو لو بيل
 وڪول . پڌاسي حال کي جي د دغو ڏوڏو لو
 ڇڻه يوه ڏله په ڪار بوخت و بله ڏله بهره
 (ڇاڙهه) ڪوله .
 ددي لپاره جي دا خا ئي ڊسٽرڪ په غاڙه
 کي و او همدا راز ڏير ڪورونه او مفا زي
 ورته نڙدي وي ، زمون ملگري ٽوله شپه
 پڌ نه ڪار بوخت و او هيله مند و جي د
 ستو دغو ڇيلو سره سم به برج وڻر يري
 خو ددوي هيله تر سره ٿيوه ڇڪه سره له
 ٿي جي ٽولي ستني يي ڇو ڇي ڪري لا هم
 برج پڇيل خا ئي وڻاڻو او سره له ٿي جي
 هغه شپه سخت با دلگيدنه خو ڪومه بله
 ڀيڻه منڃ ته را نغله ، سبا سهار جي آلمانين
 دگزمي لپاره راغلل ددغه ڪار ڇڻه خبر شول
 او ڊبرج ستني يي بيرته چوڇ ڪول زمون
 شير تنه ملگري دغه ڪار با ندي سرو نه
 ايني و خو دسا مان د نشتوالي له ڪبله
 پر يا لي نه شول . دهغه غي يي اغيزي
 فعا ليت له امله ، (رومن) نه وويل جي د
 چا و ڏونکو موادو دلاسي ته راو ڊ لو به
 هڪله سو چ وڪري . هغه اته ورڃي وروسته
 ماته احوال راڳي جي سل ڪيلو گرامه
 (ديناميت) چاوڏونڪي مواديسي تپيه
 ڪري ٿي او په مخصوص پت خا ئي کي يي
 ايني ٿي . ددغه دينا ميت لپاره خپله
 (رومن) اقدام ڪري وڃي مني مجبور شوي وڃي
 د (سن - گه - مارن) اڻبار ته جي ڀنڃه
 بگڻي بلد و لڳي شتي ڊالبار سا ٽوڪي وڻي
 او ڊالبار په موجودي لاس پوري ڪري . دلته
 بايد اعتراف وشي جي خپله ساتو لڪي هم
 مفا ومت نه و ڪري . وروسته بيا ڦٽيلي
 او دارو ته اه وو . ددغه ڪار لپاره يو بيل
 ملگري د (لوار) اڻبار تر نظر لاندو ٿيوه او
 په وروستي پراوڪي دملگرو له خوا لو مري
 بله وڃا وڌول شوه پڌ نه ڪار کي لس تنه
 ملگري گهڻون ڪري وو . دغه فعا لستد
 ۱۹۴۱ ڪال دمي دلو مري ورڃي جشن سره
 سمون خود .
 په هر صورت اوس راڻو د (رڻه) ڪيسي
 نه جي داسي اڏانه وڙڪره ڊ

ٽولو نو به اوڙوڪي دڇنگري په ڏگر ڪري ،
 نو مره درته و ايم جي هغه د (يو شا نو)
 سره ڪو مه اڀيڪه نلري ، نيڪه مي مڙشوي
 ٿي خو زه لائر اوسه دهغه سمين وڻيستان
 په ياد لرم د ۱۸۷۵ ڪال په جگرو کي يسي
 گهڻون ڪري و . زه هم په ڪال ۱۹۴۰ جگري
 نه داخل شوم ، په حقيقت کي زه يوا ڇي هڻه
 لڙم خو نشو ڪولاي جي ور با ندي دڇنگري
 نوم ڪنڀيرو . زه ددي لپاره جي دغليم له
 خوا بندي ٿيم ، پس له ٿي نه جي فرانسوي
 لوتونه ماني وڪري خپل ڪورته لڙم او پڇيل
 پلرني ڪار باندی بوخت شوم . دا هم بايد
 درته ووايم جي زه دڇيل پلار او مور سره
 يو خا ئي او سيم .
 - ڪو چنيان نلري ؟
 - سولي ، يو ڇلور ڪلن خوي لرم . زما ڪار
 خا ئي زما ڊپلار ڪار خا ئي و ، بنا يي اقرار
 وڪرم ددي لپاره جي زاهه نارينه يي حوصله
 ٿي ، با پڌ سري خان دهڻوي ڇڻه ليري
 وسائي ، يوه ورڇ زما يو همڪار جي
 دريڻينا متخصص وراڻه راغلي اوزما ڇڻه
 يي وڻو ڀنڻل جي ورسره يو خا ئي مبارزه
 وڪرم . زما ڪار هم ڏاو هغه و سلي جي
 دانگلستان ڇڻه را ٿل واخلم او وسا تم .
 - دا ڪومه ٿيڻه وه ؟
 - گمان ڪو م جي ۱۹۴۳ ڪال دڇبور ي
 بيا شت و .
 - ڀنه ، تا خپل همڪار ته ڇه وويل ؟
 - ما ورته وويل جي اهو لا دهغه غوڻه
 ڀنم ، خو بنا يي جي دڇيل پلار او مور
 سره وڃي زمون . او وروسته بيا پڌاسي حال
 کي جي مي در وازي ڀنه وڻول دڇيل پلار
 سره پڻي هڪله و غير زمون . ڀنڃه مي به
 زه پڻي وڪره مورمي هم همدا سي پلار مي
 جي تل په ڏيرو سختو شرا يلو کي مفا ومت
 اوسره سينه شيني رانه وويل!
 - (بايد لڳي شتي ڇويه ، اوڪه زه هم زوڙه
 واي درسره تلم .)
 اوويده ڪيڏو په وخت کي يي زه ڀنڪلي
 ڪرم . دغه ڪار په ڪال کي يوا ڇي دوه دري
 ڇلي سر ته رسيدو . خونه فڪر ڪو م جي
 دغي خبري تا ته په زه پوري نه وي ؟
 - بر عڪس وروڙه ، وڃيڙيه .
 - ڏير ڀنه زمون ڪار ڏيره اوڙهه شوه
 دري ورڃي وروسته زما ملگري جي (روڙه)
 نو مينه را غي او رانه وويل جي په يسوه
 آزما يتي ڪار کي گهڻون و ڪرم .
 - ڇڻه ؟ آزمائشي جريان ؟
 - جادي درته و ايم ، ڪله جي شپه شو ه
 مون په يوه گه ندي موٽر کي ڏيڻا ر ڇڻه
 بهر لڳو . ما هغه سري ته پيڙانڊل ڪو م
 جي دمو تر پر چلو باندی ناست و ، خو
 وروسته يوه شوم جي هغه د (روڙه) رئيس و
 ددير شو ڪيلو متر ويه شاو خواکي وا ٿي
 مو وواوه ، ٽاڪل شوي و جي ڊبر ڀنڻا يو
 برج وڃا و دوو . دموٽر چلو لڪي ، موٽر کي
 منتظر بائي ڪيندنه يعني زمون دعمليات دتر
 سره ڪيڏو پوري د روڙه رئيس انتظار ايستل .
 زمون ڪار ڏيره اوڙهه ٿيوه . چا وڏو لڪي

فعالیت‌های

گرام مجوزه و پیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه روی تحدید و کاهش سلاحهای نظامی و بخصوص تحدید و جلو گیری از تولید سلاح هر گبار اتو می بوده و طبیعا این موضع گیری واتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وا رسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جها نی به هیچوجه حاضر نیست تا در برا بر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موا فقت نشان دهد و با استفا ده از حیل ووسا یل گو ناگون در صدد آنست تا کشور های آسیا یی را بخصوص ص ب سه انبار خانه اسلحه تبد یل نموده واز این انبار ها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خو یش استفاده نموده و با استفا ده از چنین وسایل، سایه شوم و نکبت بار خویش را گسترده و این کشورهارا مورد غارتگری قرار داده و تمام هستی ما دی و معنری- آنرا جور و چپا ول نموده است این دیگر به همگان معلوم است و ضرورت امپریالیسم جها نی و در را س آن امپریالیسم امریکا تجا و زکار است و با خدعه و فریب و نیرنگهای گوناگون ورنکارنگ نمی توانند توجه اذهان عامه را از بحران داخلی امپریالیسم بسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی موا جبهه شکست های مر گباری گردیده و به عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخشس خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزع است ، با وجود آنهام تلاشهای مذموب خانه ای راسر می دهد، اینجا و آنجا و در گوشه و کنار مختلف جهان دست به کودتا های ار تجا عی و ضد انقلابی زده و در صدد آن بر آمده تا حکومت دست نشا نده و گوش بفرمان خو یش را بقدرت رسا ند ، با فر ستادن نمایندگان و دست پرور دگان و غلامان حلقه بگوش خو یش در آرزوی پوچ و خام ایجاد موا نفع در قبال مسیر پیرو زنده پرو سه انقلابی بر آمده و باجا دان نمایندگان سر سپرده و سو گند خورده خو یش در صدد آنست تا حکومت ملی و دمو کراتیک ، حکومت خلقی و مردمی را که جد یدا در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش را امپریالیسم امریکا از جمله در افغانستان انقلابی با خود بگور برد .

ار تجا عی جها نی به سر دمدا ری امپریالیسم ایالات متحده ای- و ا قعیست سر سخت را نمی خواهد بپذیرد که او و مخر بینش در جهان محکوم به شکست اند و در هیچ عرصه زندگی اجتماعی برد با آنها نیست ، دوران و عصر ما، عصر فرو ریختن شیرازه امپریالیسم، عصر پیروزی های پی اندر پی خلقها و مو فقیت های بی شمار جنبش طبقه کارگر در کشور های سرما-

یدا ری ، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح و عدالت اجتماعی و... در این دوران و عصر که عصر ترقی و تکامل شگوفان و سر یع السیر جوا مع بشری و عصر انقلابات کارگری و آزادی بخش نام گرفته است ، جریان حوادث و تعقیب پرو سه انقلابی جها نی خود می رسا ند که شکست استعمار یسا ار تجا عی و امپریالیسم امریست حتمی و قطعی و هیچقدرت و نیرویی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست و فتنای حتمی جلو گیری نماید .

در اثر پیروزی های پی اندر پی پرو سه انقلابی جها نی و عقب نشینی ها و شکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم و از تجساع جها نی گردیده و میگردد بیش از پیش توا زن قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دمو کراسی و عدالت اجتماعی تغییر نموده و هم چنان روز تار و زوبینش از پیش این توازن قوا بنفع متر قیت و جهان انسانیت تغییر خواهد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملا مستقل از ذهن و شعور آدمی تگویی می یابد ، جهان در مجموع و بشکل یک کل در تغییر و تجدید دائمی است ، این پرو سه پیدایش و دانه نشینی پدیده های نو و مرگ و فتنای پدیده و فاکت قانونی ذاتی و عینی تکامل است .

از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت و تحریم با زیمپهای المپیک ۱۹۸۰ در مسکو است ، این عمل امریکا بخودی خو دشا هد شکست و به اصطلاح احتجاج امریکا بر ضد

اینهمه شکست و عدم مو فقیت و به اصطلاح واعتراض (!) بر ضد پیروزی های پی اندر پی متر قیت و بر ضد پیروزی های شگرف جهان دموکراتیک و بر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلحدو ست و متر قی و به نقض نیرو های امریمنی جنگ طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا و زگر و جنگ طلب ، نیرو های امریمنی و شیطان صفت و سا یر متحدین پنهانی و آشکار شس بخوا هند یا نخوا هند مرگ حتمی و قطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد و از این مرگ و فتنای حتمی نمیتوانند گریز نمایند . اکنون خلقهای میلیونی و توده های زحمتکش جهان با نیروی ده چندان و با عظمت و با بهت بیسابقه و همراه با متحدین وفادار خو یش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند و در این رزمگاه پیروزی قطعی و حتمی همراه با این خلقهای ستمدیده زحمتکش بوده و دشمنان نش و هر آنکسیکه بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمدیده زحمتکش قرار گیرد مرگ و فتنای آن حتمی است .

بیا نید با نیروی اتحاد و همبستگی بر ضد امپریالیسم جها نی و در را س آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم و افتخارات بزرگی را برای ما در وطن گما یی نموده و زندگی شرا فتمندانه و آبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خو یش افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ما ست ، از آن خلقهای ستمدیده و زحمتکش افغانستان عزیز است

پیش گوئی

منظم تعقیب نموده بلکه بعضا دوام بریود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بر گرفته است .

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی در مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و با نتیجه سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

نه تنها کاربن دای اکساید ، بلکه کاربن کلورو فلور و تائیروس اکساید تا نیز مشا به در گرم ساختن زمین دارد

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بجهت منبع سردی تصور سفیر بشمار میرفت فعلا منبع منبع مسموم تسخین کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتویات آن به سرعت رو به افزایش میباشند . متخصصین در بافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقریبا نصف اندازه کاربن دای اکساید موجوده توسط ابحار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند . قطع اشجار و جنگلات علت

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشند .

تأثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست ؟ اگر چه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی اتمو سفیر زمین میگردد موجود نیست اما سا یس دانان معتقدند که گرمی اتمو سفیر زمین در سال ۲۰۵۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلند تر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار بعد از میلیون ها سال در آن آب بسوجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یخبندان باعث

تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگردد که در نتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر رخ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتمو سفیر جلو گیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم شناسان تو چه جدی متخصصین مربوطه برای دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوان حکومت را بدون داشتن شواهد و اسناد معتبر مبنی بر خطر گرم شدن اتمو سفیر زمین و مشکلات حاصله از آن قانع ساخت اما انتظار کشیدن چنین زمانی و وقوع این خطر خیر از دست دادن فرصت و تحمل مشقات حاصله از آن چیزی دیگری نمیتواند از آن تو قسع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی دقیق اوضاع جوی و انکشاف تکنالوژی جدید تسوله انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندی بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی برگزار می گردد به یک سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخاباتی بوکسنگر در جمنازوم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کهنه کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ملی المپیک از ورزشکاران سابقه دار و شاخص جبر قسم موظف نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرقبه یا در نظر داشت بر مبنای طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این روند و بازدید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات قوی و گرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های برزنده و شناخته شده می این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش بکس را به خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا طی دو دیداری درین مسابقات جنان درخشید مثل که سالهای درازی را در چنین مسابقات با حر یقان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در این مسابقات با درخشش عالی و چشمگیر خویش ثابت بکند که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد نامبرده دو بار در حریف خوب

و شناخته شده اش را با حملات سریع مشت های کوبنده از یاد آورده در دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی را در دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا را طی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخاباتی اسپارتنکیاد مسکو که چند ماه قبل بود و در آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست

راحتی راه تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیز چهره شناخته شده فیضی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکستش در مسابقات انتخاباتی اسپارتنکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش را به تیم منتخب باز کند . عزیز طی دو مسابقه که انجام داد عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . و حریفش که متاعل خود را از دست داده بود نتوانست در رندهای دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیز در دیدار بعدی خود محمد انور از کلب یاران صدیق را طی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست بر حریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که با هم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری - محمد حلیم - محمد عارف و رستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالا رفته کپ های قهرمانی را افتخارانه دریافت نمودند که این پیروزی

بر چون و جبری آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . و قراریکه جدول نتایج انتخاباتی بکس نشان داد :

درو وزن ۴۸ کیلو گرام :
- سیدالدین از کلب آریانا حایز
مقام اول .

- سیدولی از کلب باغ بالا حایز
مقام دوم .

در وزن ۵۱ کیلو گرام :
- شتار احمد از کلب عزیز حایز
مقام اول .

- سید محسن از کلب کارمند حایز
مقام دوم .

در وزن ۵۴ کیلو گرام :
- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز
مقام اول .

۲- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز
مقام دوم .

- محمد نعم از کلب عزیز و کیلی حایز
مقام سوم .

در وزن ۵۷ کیلو گرام :
- سلام ربانی از کلب آریانا حایز
مقام اول .

- محمد هارون از کلب باغ بالا حایز
مقام دوم .

در وزن ۶۰ کیلو گرام :
- فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز
مقام اول .

- سیدالدین از کلب آریانا حایز
مقام دوم .

عبدالسمیع از کلب باغ بالا حایز
مقام سوم .
در وزن ۷۵ کیلو گرام :
- عبدالخلیم از کلب ساجی افغان حایز
مقام اول .
در وزن ۸۰ کیلو گرام :
- فرید احمد از تعلیم و تربیه حایز
مقام اول .
- سید ظهورالدین از کلب باغ بالا حایز
مقام دوم .
- محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی حایز
مقام سوم .
در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :
- محمد عارف از کلب آریانا حایز مقام اول .

مرحله نوین ...

بقیه صفحه ۷

گفت : شاید من از هر کس دیگر معنی این تحول را بیشتر درک کنم زیرا بیشتر از یکسال را در زندان مخوف پلچرخ سپری کردم ، و دو ماه قبل که آزا دگشتم ، میدانم که زندگی چیست و آزادی چه معنی دارد .

- بلی آزادی واقعا زیاست ، و این زیبایی و فرحت را جمهوری دمو گرام تیک افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوریه مادهه است من زندان پلچرخ قصه های زیادی دارم ، قصه غای تلخ و دردناک از ظلم امین و باند جنایتکارش . یکی از این جنایات زندانی کردن عد ها کودک بی نوا بود بلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه من این کودکان بین یک تا هفت سال بودم . او چقدر شرم آور بود آن همه ظلم و وحشیگری .

جوانان که جز سعادت و خوشبختی مردم چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افکنده شدند و ای بسا که بسیاری از این جوانان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند و جان خود را راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین و باند وی خوش آیند نبود ، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بازی پرسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دو کشور - نیکه در رشته امراض طفل تخصصی حاصل میدارند . انستیتوت های کاملامدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دوکتوران جوان شامل این انستیتوت ها گردیده

بعداستند فراغت را بدست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند . مردم کشور ما سال بین المللی طفل را به معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خود توجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه و چطور میتواند برای آرامی مردم افغانستان که سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند و از حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است . به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی و استرداد چایداد های مردم که به نا حق از یکجمله وطن پرستان ما به زور و جبر گرفته شده بود از کار های مهم و با ارزش دولت ماست .

آزادگذاستن مردم به مناسک مذهبی شان از کارهای دیگر دولت ملی و دموکراتیک ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکجمله همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم که آنها حرف های همکار شان را قایید میدارند . و در ضمن با یکصد گفتند که آزادی که بزرگترین نعمت خداوندی است و هر کس حق دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما بهترین شکل برای مردم مادهه شد و حقوق فردی و اجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی حمایت میگردد .

از جوانی به اسم محمد امان در بساره مرحله نوین تکامل انقلاب ثور رسیدم ،

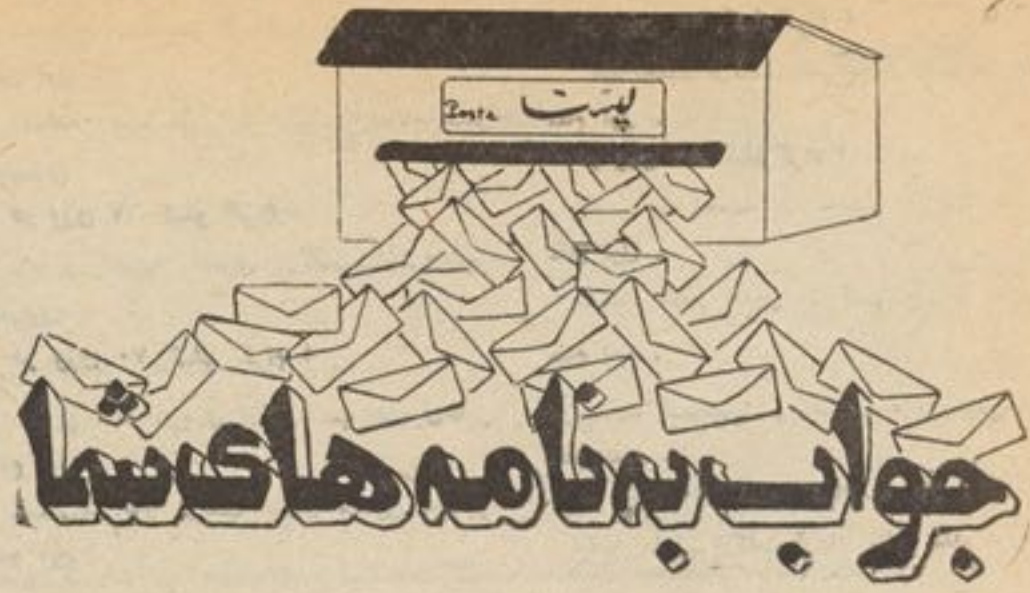
بقیه صفحه ۸

بخاطر یک ...

در اتحاد شوروی کمک های اولیه طبی برای مادران و اطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مورال عالی و زمینه ای ارتقا دادن به شخصیت طفل مساله جداناپذیر از صحت مندی طفل می باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی از صحت مندی تمام اطفال و ارسی جدی بعمل می آورد . یعنی مادران و اطفال را با در نظر داشت میتوهای کاملا جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند و وقتا فوقتا آنها را در کلینیک های مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند .

در سال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به بولی کلینیک ها و در حدود یک صد هزار خانم به زایشگاه ها و مراکز صحتی مراجعه نموده اند . به هزاران دوکتوران و وزیده و متخصصین مسول



میباشد ، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینتمیست نیست . همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم پوشی نمایم ، بلکه قصد آنست که باید در همه زمینه ها ، بالاخص در زمینه تناسبات منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و در مینیمم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد ..

پژوهش های تاریخی روشنگر آنست که سطح رشد نیرو های مولده ، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی ، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فوق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل میکند . از جانب دیگر عامل تکامل نیرو های مولده فکر نیست ، گرچه انسان جزو فعال و خلاق نیرو های مولده را تشکیل میدهد . اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل میکند . زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر ، کار و بویژه کار تولیدی میباشد . بدین مفهوم که انسان بمثابه موجود زیستمند ضرورت به بقای خود دارد ، این امر اولتر از همه مقتضی حویج اولیه و ضروری نظیر خوراک ، پوشاک و سرپناه میباشد . در حالیکه حویج مادی تنها در برتو کار و فعالیت های تولیدی و خلاق انسان میتواند میسر آید . بهمین منوال میدانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمیتواند ، اینجاست که انسان جهت تهیه حویج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مند میباشد

سلام به همکاران و خوانندگان عزیز! بعد از دعای سلامتی به حق شما ، از اینکه به جوایبی نامه های شما موفق نشدید ، بوزش میخوامیم ، اشاره نمود که چندی قبل جوابیه ای از مجترم بوهاند محمد باقی به عبدالعزیز ایشی در باب مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نگاشته شد که در همین صفحه جواب به نامه ها به نشر رسید . حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دو دوست ناشناخته مقاله نگاشته است که ذیلا میخوانید:

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین ژوندون ، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن ، ضمن رد ایراد یکه قبلاً بروی وارد آمده بوده است ، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاینده ذهن مخترعین و کاشفین میباشد و آنهم نویسنده محترم باورمند میباشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین ، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشریست و جهت تأمین سعادت آنهاست . چون نویسنده ، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و معنی انقلاب ساینس و تکنالوژی را نیز از نظر بعید افکنده است ، لذا لازمی به نظر میرسد تا درین خصوص اندکی مکت کنیم .

در روند پیشگر زمان ، هر تحول رویدادی که بظهور میرسد بر پایه عملکرد قوانین عینی تکاملی پدید آمده صورت میگیرد ، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت های جیشمند علمی و تکنالوژی که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتابنده آنها در سراسر کره ارض متموج

معهدا در شیوه ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پراکت تولیدی انسان می خواهد که سطح حویج را ارتقا دهد . این امر وقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه ها ، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر میدهد .

درینجا باید تد کار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم و یا در مند آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات درجا معه میباشد ، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جا معه است که افکار انسان را تغییر میدهد . غنا می بخشد و همواره در آستانه تکامل قرار میدهد . اینکه بعد از پان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنالوژی جهش های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاینده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست ، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیسم قرون وسطایی در برابر رشد و جوان لان نیرو های نوین اقتصادی کپیته لیزم از هم فرو پاشید و محمول های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنالوژی فراهم گردانید ، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجعت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوان نیرو های مولده توسعه می یابد . اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مند رس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند ، باید تولید نیز سریع می شد ، وسایل تولید کارگاه ها ، موسسات علمی و تخنیکی بمیان می آمدند و پیوسته گسترش می یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد و توسعه صنایع میباشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد .

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم های اقتصادی کپیته لیزم در غرب در مراکز شهری ، کارگران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جاد محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که مینست تحقیقات علمی ، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد . درین عصر (قرن ۱۹) بر اثر کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهر ها و احتیاج به تولید زیاد تر و کامل تر رونق و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود ، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاه ها و تولیدات کشا ورزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق در باره مزرعه ، محصولات خام ، نباتات و ازدیاد در اندمان کار و غیره ... دارد .

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنالوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عرصه تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوست در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان و زندگی اجتماعی بود . هرگاه انقلاب در ساینس و تکنالوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادر اند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی و فنی گردند مگر حقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود طوری که یکی از اندیشمندان برولتا ریا میگفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت ، علموم دفعتاً با نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد ، با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد . یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید میدانیم ، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی رادر قدم اول محصول ذهن و دماغ علما نوابغ و محققین بدانیم ، بدیه این پرسش پاسخ بدیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنالوژی در دهلیز های صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست و یا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید ؟ اگر جواب این پرسش ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود و یا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت ،

متعا قبا سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل عقل چیست؟ نظیر این سوالات - یاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان واقتضای شیوه تولید سرمایه داری بود که در گونی های شکر فی در ساحه علم و تخنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل سایننتیفیک بار اول آگاهانه به پیمانهای تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصتاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاینده ذهن و دماغ علما و نوابغ نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد، او در جریان کار و زحمت بانبروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت، تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و پیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افزار کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نطفه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوا - نین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیسم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید سریعی و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی را می سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشد»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ میباشد با این نظر که زندهگان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند همساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریالیزم بدان باور دارد مثلاً همانطور - یکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحو در نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نایغه عالم وسایننتیست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تعقل بخرچ می دهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمتکشان است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عامل محرکه و انگیزه اصلی ای که علما و نوابغ در رشته های مختلف به تحقیقات و امیدارد آن احتیاج به تولید بهتر و احتیاج به افزایش محصولات تولیدی و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشد.

چون پراتیک مبدا معرفت و عامل آنست اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکری و در امر توسعه علم و تکنولوژی اثر می اندازند مثلاً تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مادی موجب

تکامل این امر و تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را ایفا می یابد درجه - یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجسه گردیده و در تکامل ابزار تولید توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «تقریباً تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

درینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کینم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پو شاک این نامصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

مسئله جواب منفی است زیرا در - قدم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاینده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تخنیکی کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش و امیدارد. مثلاً اگر موجودیت ابحار مانع حمل و نقل نمیگردید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به عمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بدانیم، البته درینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابغ و محققین باشد.

و تئیکه جای ما نو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقاً و یادر قدم اول زاینده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها می مولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا ما نو فاکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرمایه یاری ایجاب میکرد چنانچه این مطالب را پیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند «... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمبدم فزونیتر میشود اینک ما نو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای ما نو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی... گرفتند» در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاینده زمان معین میباشد که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را ایفا می یابد نه درجه اول را.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه
 معاون: محمد زمان نیکرای
 ام چاپ: علی محمد عثمان زاده
 مہتمم: نوریہ
 ادریس: انصاری وات
 مقابل ریاست مطبع دولتی
 تیاشون دفتر: ۶۶۸۴۹

دولتی مطبعه



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**